فرهیختگان
روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان
۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان
فصل جدید رادیو مضمون: روایت سال‌های جنگ
شماره مسلسل ۴۷۰۵
چهارشنبه ۵ مهر ۱۴۰۲
۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۵
۲۷ سپتامبر ۲۰۲۳
شماره ۳۹۶۷
www.Fdn.ir | Wed | 27 Sep 2023 | vol.15 | No. 3967 | 16 Pages

کاهش انتظارات تورمی سپرده‌گذاری در بانک را جذاب کرده است؟

افزایش ۱۰۰۰ همتی سپرده‌های بانکی در ۶ ماه

صفحه ۱۶

خبرنگار «فرهیختگان» ۲ روز در حاشیه خیابان انقلاب کتاب فروخته است

در دنیای کتاب قاچاق چه خبر است؟

۱۲ و ۱۳

جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش

پرونده «فرهیختگان»: قوانین مصوب دولت‌های بعد از جنگ چه نسبتی با ایده تقویت مدارس دولتی داشتند؟

داستان فراموشی مدارس دولتی

۱۴ و ۱۵

خبر بازداشت فرزند یکی از مسئولان قضایی تایید شد

فرصت و تهدید برخورد با یک دانه درشت دیگر

۱

دالانی که ترکیه به‌دنبال ایجاد آن در ارمنستان است، کارکرد امنیتی دارد

زنگه زور ناتو

۸

رئیس واحد تهران شرق در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تشریح کرد

ایده تبدیل دانشگاه به قطب صنعت

۵,۴

خبر بازداشت فرزند یکی از مسئولان قضایی تایید شد

فرصت و تهدید برخورد با یک دانه درشت دیگر

سرمقاله

محمدامین ایمانجانی
مدیرمسئول

یک سیستم هرچقدر بتواند خود را از درون اصلاح کند امکان تحول در آن جدی‌تر می‌شود، فراهم بودن امکان تحول هم یعنی تضمین بقا. این اصلاح‌گری اگر از درون مجموعه‌ای باشد که شأن نظارتی و قضایی دارد مهم‌تر هم است. اگر از این زاویه به خبر بازداشت فرزند یکی از مسئولان ارشد قوه قضائیه و رسیدگی به پرونده او که دیروز از طرف سخنگوی قوه قضائیه طرح شد نگاه کنیم یک اتفاق مثبت و رو به جلو افتاده است. چند سال اخیر را که مرور کنیم به اسامی درشتی می‌رسیم که در چنگ قانون افتاده‌اند و لباس راه‌راه به تن‌شان رفته است، از حسن فریدون و مهدی هاشمی گرفته تا حمید بقایی و اسفندیار رحیم‌مشایی و اکبر طبری و... این یعنی برخورد با دانه درشت‌ها که روزگاری به افسانه شبیه بود و با حسرت اخبار نوع کره‌ای و چینی‌اش را می‌شنیدیم حالا عملی شده است. درخصوص نسبت مجازات و جرم این افراد و حس جامعه نسبت به آن البته می‌توان مخالف بود، بحث کرد و نظر داد، اما بالاخره با همه فراز و فرودها اصل کار انجام شده و یک تابو شکسته شده است.

نکته دیگر برخورد درون قوه‌ای با تخلفات است، دستگیری اخیر که توسط خود قوه انجام شده است نشان داد ماجرای برخورد با طبری یک اقدام تصادفی و نمایشی نبوده و اراده‌ای در درون دستگاه قضا وجود دارد که دستمال آلوده را پاک‌سازی کند. ماجرای اخیر البته ابعاد مهم دیگری هم دارد. به‌محض بروز نخستین نشانه‌ها از وقوع تخلف که به حدود شش ماه قبل بازمی‌گردد رئیس قوه شخصا دستور می‌دهد دو نهاد یکی داخل قوه و یکی خارج از آن به موازات و به شکل مستقل موضوع را بدون ملاحظه از شأن و نسبت سببی بررسی کنند و نتیجه تحقیقات چندماهه رسیدن به یک تخلف حرفه‌ای و پیچیده بوده که شناسایی آن کار ساده‌ای نبوده است. البته همه ماجرا این نیست، این داستان با نمایه‌های خوشنودکننده‌ای که دارد سوالاتی را هم ممکن است در افکار عمومی ایجاد کند. مهم‌ترین سوال این است که چطور می‌شود بستر و مجرای وقوع چنین مفاسدی را مسدود کرد؟ به سیاهه بالا دقت کنید، تنوعی از سیاق‌ها و مزاج‌های سیاسی را می‌بینید؛ اینکه دستگاه قضا فراجناحی و فراقوه‌ای با فساد برخورد کرده است سرجای خودش مثبت، اما اینکه از مجرایی و در چه بستری این فسادها شکل گرفته و چرا تا به حال با این فرآیند برخورد نشده، مساله‌ساز است.

توقع از دستگاه قضا از جایی به بعد این است که باید زیر میز بزند و بستر وقوع فساد را بخشکاند، یعنی به جای عامل و کارگزار با فرآیند و ساختار فساد را برخورد کند. در نگاه کلی هر چقدر سیستم‌ها به سمت شفافیت و نظارت مردمی بروند امکان تخلفات سازمان‌یافته و سوءاستفاده از قدرت در آنها کمتر می‌شود، مقاومت برخی جریان‌ها در برابر شفافیت هم احتمالا از همین جنس است. شفافیت سیستمی آنتی‌تز فساد و پادزهر سم مهلک ویژه‌خواری و سودجویی خانوادگی و... است. پیش بردن پروژه شفافیت البته ملزوماتی دارد که یکی از ملزومات آن داشتن رسانه‌ای پیشرو و مرجعیت رسانه‌ای است، مرجعیت رسانه‌ای هم امری خلق‌الساعه و دفعی نیست. مرجعیت و اعتماد به رسانه ذره‌ذره رخ می‌دهد اما به یکباره از بین می‌رود، در همین ماجرای برخورد با فرزند مقام ارشد دستگاه قضایی ای کاش مسئولان مربوطه آن محافظه‌کاری کلاسیک را کنار می‌گذاشتند و اجازه می‌دادند رسانه‌ها از جمله رسانه خود دستگاه قضا روایت اول را بسازند تا تمامی مزیت‌های خود اصلاحی و برخورد درونی با فساد به حساب دستگاه قضا و نظام برود.

مولفه‌های مشترک بحران‌های اقتصادی[1]

یادداشت

سیدمقداد ضیاتبار
پژوهشگر پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت

جهان مملو از تجربه کشورهای موفق و ناموفق در تامین رفاه مردمان‌شان است. مطالعه تجربه کشورهای ناموفق بی‌راهه‌ها را نشان‌مان می‌دهد و مطالعه تجربه کشورهای موفق می‌تواند الگوهای درست سیاستگذاری را به ما معرفی کند. البته این همه ماجرا نیست. تردیدی نیست لحاظ مختصات اقتصاد کشور خودی و توجه به شرایط نهادی و محیطی حائز اهمیت بوده و غفلت از آنها حتی با وجود اتخاذ سیاست‌هایی مشابه با کشورهای موفق، می‌تواند ناکامی را به دنبال داشته باشد. یادداشت حاضر نگاهی اجمالی به بحران اقتصادی کشور لبنان خواهد داشت و در کنار آن به برخی اشتراکات و تفاوت‌ها توجه خواهد شد.

هنگامی که از بحران اقتصادی صحبت می‌شود، مواردی نظیر بالابودن تورم و بدهی عمومی و پایین بودن مصرف و سرمایه‌گذاری از نشانه‌های آن است. علاوه‌براین رشد اقتصادی منفی و ضعیف و سقوط درآمد سرانه نیز می‌تواند برآیند عملکرد تمامی نیروی‌های پیش‌برنده بحران باشد. اقتصاد لبنان در چندسال اخیر با سقوط قابل‌توجه درآمد سرانه مواجه بوده است؛ به‌گونه‌ای که این متغیر اقتصادی در سال ۲۰۱۸ از رقم ۱۱۳۲۰ دلار به کمتر از ۴۰۰۰ دلار کاهش یافته است. به عبارت دیگر، چنانچه درآمد سرانه را شاخصی برای اندازه‌گیری سطح رفاه در نظر بگیریم، مردم لبنان در بازه سال‌های ۲۰۱۸ الی ۲۰۲۲ دوسوم از رفاه خود را از دست داده‌اند. البته این شیوه از قضاوت مناقشه‌برانگیز و قابل انتقاد است و نگارنده نیز به این موضوع توجه دارد، اما تکیه بر درآمد سرانه به‌منظور ترسیم ساده و همه‌فهم از بحرانی که مردم لبنان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، شاخص مناسبی است. در چند سال اخیر نابرابری افزایش یافته و طبقه متوسط درحال ناپدید شدن است. نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی به مرز ۱۸۰ درصد رسیده و نظام بانکی در بحرانی عمیق فرو رفته است؛ سپرده‌گذاران امکان خارج کردن سپرده‌ها را ندارند و تورم بالا و سرکوب نرخ بهره منجر شده تا جریان تامین مالی به نفع وام‌گیرندگان و به ضرر سپرده‌گذاران باشد. سرمایه‌گذاری خصوصی نیز کاهش یافته و عمدتا در بخش املاک و مستغلات انجام می‌شود. درحال حاضر، سه‌گانه بحران اجتماعی، بحران فروپاشی دولت و بحران نظام بانکی منجر شده تا تصور وجود هرگونه راه حل و برون‌رفت از وضعیت جاری دشوار به نظر برسد. در گذر زمان، جریان سرمایه ورودی به لبنان منجر شد تا بخش خصوصی فراتر از تولیدات خود، مصرف کند و این موضوع، یعنی عدم توازن بین دخل و خرج گربانگیر اقتصاد لبنان شد. همچنین حجم بالای استقراض خارجی نیز بر عمق بحران‌ها افزوده است. سرکوب نرخ ارز نیز از سال ۱۹۹۷ آغاز و در گذر زمان تبدیل به سیاست اصلی نظام حکمرانی شد. کسری بودجه مداوم نیز به تحول در کارکرد بانک مرکزی انجامید. به‌واسطه کسری‌های مستمر و بالا، هدف اصلی بانک مرکزی از تامین مالی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری به تامین مالی کسری بودجه مبدل شد و تورم بالا و سقوط سطح زندگی مردم را به دنبال داشت. پولی‌سازی کسری بودجه در رشد بالای عرضه پول نمایان است. در بازه سال‌های ۲۰۱۸ الی ۲۰۲۲ عرضه پول ۱۰۲ برابر و به تبع آن، سطح قیمت‌ها نیز با افزایش ۱۰۴ برابری مواجه شد. تمامی اینها به سقوط استانداردهای زندگی، سقوط قدرت خرید دستمزدها، افزایش بیکاری و افزایش نرخ فقر به بالای ۵۰ درصد منجر شده است. نمودار یک تصویری از سقوط تقاضای داخلی است که نشان می‌دهد هیچ‌کدام از مولفه‌های پیشران رشد اقتصادی در وضعیت امیدوارکننده‌ای قرار ندارند.

ادامه در صفحه ۳

۱۰ مهرماه ۱۳۶۱، منطقه سومار، عملیات مسلم بن عقیل ﷺ، عکاس: علی فریدونی

چهارشنبه ۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

چرا هنوز نمی‌توانیم در وقت بحران درست اطلاع‌رسانی کنیم؟

درست به مردم خبر بدهید!

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

نحوه پوشش اخبار زلزله شب گذشته خرم‌آباد، زخم کهنه یک اتفاق را دوباره تازه کرد. آنچه در میان تناقض‌گویی‌ها و تایید و تکذیب اخبار نادیده گرفته می‌شد، اعتماد افکارعمومی به اخبار رسانه‌های رسمی بود. موضوعی که علاوه‌بر ضربه به اعتبار رسانه‌های رسمی، مخاطب را به سمت دنبال کردن اخبار اتفاقات در رسانه‌های غیررسمی و فارسی‌زبان خارجی سوق می‌دهد و یک اتفاق یا حادثه را که می‌شد با اطلاع‌رسانی دقیق و درست رسانه‌های داخلی، به اطلاع مردم رساند و از نگرانی آنها کم کرد، تبدیل به بحرانی کند که افکارعمومی جامعه را نگران کرده و از یک اتفاق کوچک بحران تازه‌ای بسازد.

لرزش دوشنبه‌شب خرم‌آباد؛ زلزله یا انفجار؟

«خرم‌آباد لرزید.» دوشنبه‌شب بود که این خبر در پی احساس لرزش شدید و صدای مهیب در خرم‌آباد منتشر شد. با این حال اما در مرکز لرزه‌نگاری کشور، خبری از ثبت قدرت و عمق زلزله نبود. محمد پازوکی، مدیرکل مدیریت بحران استان تهران هم در گفت‌وگو با شبکه خبر احتمال وقوع زلزله در خرم‌آباد را رد کرد و گفت: «در تماسی که با موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران و موسسه لرزه‌نگاری خودمان در استان داشتیم، زلزله‌ای ثبت نشده است.» اگرچه لرزشی که مردم خرم‌آباد احساس کرده بودند، خسارت یا آسیبی به همراه نداشته اما همچنان این سوال وجود داشت که منبع صدای شنیده شده و لرزش زمین چه بوده است؟ مدیرکل مدیریت بحران استان لرستان اما با گذشت حدود دو ساعت از شنیده شدن صدا و لرزش زمین، اظهار داشت که با وجود رصد تیم مدیریت بحران تاکنون منشا صدا و لرزش مشخص نشده است. در این میان رسانه‌های فارسی‌زبان ادعا کردند منشأ شنیده شدن صدا و لرزش به خاطر یک خرابکاری در تاسیسات نظامی اطراف شهر رخ داده است. پس از این احسان یاوری، رئیس شورای اطلاع‌رسانی لرستان، احتمال وقوع انفجار را رد کرد و گفت: «تمام جوانب بررسی شده و از دستگاه‌های ذی‌ربط استعلام گرفته شده و خوشبختانه هیچ‌گونه انفجار، حادثه و مواردی از این دست اتفاق نیفتاده است.» با وجود تکذیب وقوع انفجار یا زلزله در خرم‌آباد، همچنان توضیح دقیق و مشخصی درباره علت احساس لرزش زمین ارائه نشد. نهایتا روز سه‌شنبه رئیس پایگاه اطلاعاتی موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران اعلام کرد که علت احساس لرزش زمین، وقوع زلزله دوریشتری بوده است و گفت: «این رخداد لرزه‌ای در ساعت ۲۲ و ۳۶ ثانیه شامگاه دوشنبه با بزرگی دوریشتر اتفاق افتاده است، زلزله در عمق کم و در هشت کیلومتری رخ داده و از آنجایی که عمق زمین لرزه کم بوده، مردم این منطقه آن را احساس کردند.» او علت ثبت نشدن زمین لرزه در مرکز لرزه‌نگاری را نیز مقیاس این زلزله دانست و اشاره کرد: «در سایت موسسه زمین لرزه‌هایی با بزرگای بیش از ۲٫۵ به نمایش گذاشته می‌شود و از آنجایی که بزرگای این زلزله دو بوده، در این سایت درج نشده است.»

افکارعمومی را نگران‌تر نکنید

فارغ از اینکه علت اصلی لرزش زمین در خرم‌آباد چه بوده، نحوه اطلاع‌رسانی درباره این اتفاق موضوع قابل توجهی است که البته اولین بار نیست رخ می‌دهد. چند روز پیش و در ۲۷ شهریور ماه بود که خبر سقوط شی ناشناس در گرگان نیز حواشی زیادی به همراه داشت و در حالی که تصاویری از لاشه شی ناشناس سقوط کرده به زمین توسط مردم منتشر می‌شد، هیچ مقام رسمی توضیح دقیقی درباره اینکه این شی اساسا چه بوده و در آسمان گرگان چه می‌کرده به رسانه‌ها نداد. سقوط این شی نیز خسارت‌هایی به همراه داشت و دو نفر نیز مصدوم شدند. در میان گمانه‌زنی‌ها درباره این اتفاق و علت وقوع آن، معاون سیاسی استاندار گلستان، اعلام کرد: «شی ناشناس یک فروند پهپاد بوده که ساقط شده و تکه‌های آن در مناطقی از شهر گرگان سقوط کرد.» خبرگزاری فارس اما به نقل از منبعی آگاه نوشت: «حادثه گرگان در فرآیند آزمایش موشک وزارت دفاع رخ داده و اخبار منتشر شده درباره ساقط شدن پهپاد صحت ندارد. در فرآیند آزمایش این موشک، سرجنگی منحرف می‌شود و به محلی غیر از مکان معین شده برخورد می‌کند.» اظهارنظرهای متفاوت و بعضا در تضاد با یکدیگر، تعلل در اطلاع‌رسانی و دادن اخبار غیردقیق، موضوعاتی بودند که در چند روز اخیر، علاوه‌بر ماجرای سقوط پهپاد در گرگان در ماجرای وقوع زمین لرزه در خرم‌آباد نیز دوباره تکرار شدند. اطلاع‌رسانی غیردقیق و بعضا متناقض درباره اتفاقات و بحران‌هایی که جزئیات دقیقی درباره آن وجود ندارد و افکارعمومی نیز به آن حساسیت و توجه نشان می‌دهند؛ در وهله اول منجر به سردرگمی مخاطب می‌شود و در حالی که همچنان نگرانی نسبت به علت اصلی وقوع یک بحران یا حادثه وجود دارد، این احساس نگرانی و ترس را در میان افکارعمومی تشدید می‌کند و در مرحله بعد راه را برای گمانه‌زنی یا شایعه‌سازی در فضای مجازی و رسانه‌های فارسی‌زبان باز خواهد کرد، چراکه افکار عمومی نسبت به این ماجرا کنجکاوی نشان داده اما رسانه‌های رسمی اطلاع دقیق و جزئی از یک موضوع منتشر نمی‌کنند یا اظهارات متناقضی در این رابطه منتشر می‌شود؛ و طبعا توجه مخاطب به سمت اخبار غیررسمی یا شایعه‌سازی‌های رسانه‌های فارسی‌زبان سوق داده می‌شود و پس از این اگر اظهارنظر دقیق و درستی نیز منتشر شود به جهت اینکه آن رسانه‌ها روایت اول را منتشر کردند، اخبار دیگر پس از آن چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. از این حیث ماجرای وقوع زمین لرزه دوشنبه شب در خرم‌آباد را می‌توان از جمله این موارد دانست، در حالی که گفته می‌شود مردم خرم‌آباد لرزش زمین و صدای مهیبی را احساس کردند، مقامات مسئول احتمال وقوع زمین لرزه را رد کردند و توضیح دقیقی نیز در این رابطه منتشر نشد و در حالی که افکار عمومی به خصوص مردم خرم‌آباد از لرزش زمین نگران و مضطرب بودند، احتمال وقوع زلزله نیز رد شد. رسانه‌های فارسی‌زبان از همین سردرگمی افکار عمومی استفاده کردند و احتمال انفجار در تاسیسات نظامی را مطرح کردند، فرضی که بارد وقوع زلزله می‌توانست محتمل باشد و به این سوال مخاطب که چرا اطلاع‌رسانی دقیقی در این باره صورت نمی‌گیرد و تنها اخبار تکذیب می‌شود هم پاسخ درستی بدهد و این گزاره را اثبات کند که واقعیت ماجرا پنهان می‌شود. در پی همین تایید و تکذیب‌ها، نهایتا اعلام شد که زلزله دوریشتری منجر به احساس این لرزش شده است در حالی که در ابتدا احتمال وقوع زلزله توسط موسسه ژئوفیزیک رد شده بود و اطلاعات دقیق این زلزله نیز منتشر نشده بود. طبعا با وجود انتشار این اظهارات متناقض، نمی‌توان توقع داشت که آنچه منتشر می‌شود، برای افکارعمومی باورپذیر به نظر برسد؛ چراکه انتشار صحبت‌هایی که با یکدیگر در تضاد هستند این حس را به مخاطب القا می‌کند که شاید همه ماجرا گفته نمی‌شود یا بخشی از آن پنهان می‌شود.

حداقل اصول خبرنویسی را رعایت کنید

اظهارات متناقض و اطلاع‌رسانی غیردقیق تنها حاشیه انتشار خبر زمین لرزه در خرم‌آباد نبود، نحوه پوشش خبر گفت‌وگوی خبرگزاری صداوسیما با مدیرکل مدیریت بحران استان لرستان در زیرنویس شبکه خبر، واکنش‌هایی زیادی به همراه داشت و گفت‌وگوی خبرگزاری صداوسیما با رئیس کل مدیریت بحران لرستان، تحت عنوان گفت‌وگوی محرمانه با وی منتشر شد آن هم در حالی که نام مصاحبه‌کننده مشخص است، برای تشخیص این امر لازم نیست مخاطب اطلاع دقیقی نسبت به اصول خبرنویسی داشته باشد و به خوبی متوجه اشتباه خبر می‌شود. انتشار این خبر در وهله اول این شبهه را برای مخاطب ایجاد می‌کند که صداوسیما به عنوان مهم‌ترین رسانه داخلی، اصول اساسی خبرنویسی را رعایت نکرده و در مرحله بعد آسیب اصلی و جدی که این بی‌دقتی و عدم توجه هنگام پوشش اخبار یک اتفاق به همراه خواهد داشت، متوجه اعتبار مهم‌ترین رسانه رسمی داخلی خواهد بود؛ چراکه عیار یک رسانه به وقت پوشش اخبار و بحران‌ها سنجیده می‌شود و این اشتباهات منجر به این می‌شود که منبع اخبار برای پیگیری آنچه رخ داده به سمت رسانه‌های دیگر یا بعضا غیررسمی سوق داده شود. در کنار این می‌توان گفت صداوسیما می‌توانست این مطالبه و نقد جدی در اظهارنظرها و اطلاع‌رسانی‌های متناقض را متوجه مسئولان امر بکند که چرا اخبار حوادث و بحران‌ها بعضا به صورت متناقض توسط مسئولان ارائه می‌شود و دقت نظر کافی در این رابطه وجود ندارد و این موضوع در وهله اول افکارعمومی را نگران‌تر می‌کند و در مرحله بعد به اعتبار رسانه‌های رسمی داخل کشور آسیب وارد می‌کند و راه را برای شایعه‌سازی باز می‌کند.

به اعتبار رسانه ضربه نزنید، بازسازی پیشکش!

تکرار چندباره تناقض‌گویی‌ها در انتشار اخبار و اطلاعات، ضربه جدی به اعتبار رسانه‌های داخلی کشور وارد می‌کند، بر این مبنا نمی‌توان گله کرد که چرا در هنگام بروز اتفاقات و بحران‌ها رسانه‌ها نمی‌توانند روایت خود را به عنوان روایت اول به مخاطب ارائه کنند و منبع موثق افکارعمومی برای مراجعه به اخبار وقایع باشند. اگرچه این موضوع مختص یکی دو سال اخیر نیست و همواره تلاش می‌شد تا این گزاره اثبات شود که رسانه‌های داخلی، بعضا تمام حقیقت و جزئیات اتفاقات را منتشر نمی‌کنند اما در چند وقت اخیر و به خصوص بعد از ماجرای فوت مهسا امینی و انتشار دیرهنگام جزئیات ماجرا، این گزاره تقویت شد و بعد از گذر از اتفاقات سال گذشته و اثبات این موضوع به افکارعمومی که این رسانه‌ها اخبار بعضا غیرواقعی را منتشر می‌کنند، این امکان وجود دارد تا اعتبار رسانه‌های داخلی کشور در میان افکارعمومی تقویت شود تا همچون اتفاقات سال گذشته رسانه‌های فارسی‌زبان، روایت ماجرا را از آن خود نکنند اما انتشار اخبار متناقض درباره موضوعاتی مثل زمین لرزه یا سقوط یک پهپاد را نمی‌توان اقداماتی دانست که منجر به اعتماد بیشتر افکارعمومی به رسانه‌های داخلی شود، بلکه نتیجه عکس به همراه خواهد داشت تا با تصور وجود ملاحظات در انتشار جزئیات اخبار، مرجع و منبع پیگیری اخبار افکارعمومی در مواقع بروز بحران، رسانه‌های فارسی‌زبان باشند و با جعل اخبار در این رابطه جامعه را ملتهب کنند. در سمت دیگر ماجرا، دستپاچگی و متناقض‌گویی درباره اتفاقاتی که چندان بحرانی نیستند، می‌تواند این اتفاقات را تبدیل به بحرانی برای افکارعمومی کند. طبیعی است که نیاز است در هنگام وقوع بحران‌های اینچنینی، منبع موثق و دقیقی وجود داشته باشد که جزئیات درستی درباره اتفاقات رخ داده منتشر کند. بر این مبنا دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌بایست سازوکار دقیقی برای اطلاع‌رسانی در این رابطه تعریف کند و اینکه این اخبار و اطلاعات به چه نحوی منتشر و اطلاع‌رسانی شود، در حالی که فقدان تصمیم‌گیری درست در این رابطه همچنان احساس می‌شود و تناقض‌گویی‌ها در هنگام وقوع اتفاقات روی اعصاب مخاطب راه می‌رود.

وارونگی افکارعمومی و ضربه به اعتماد مخاطب

انتشار اخبار متعارض و تناقض‌گویی بعضا به خاطر این اتفاق می‌افتد که از یک یا چند منبع غیردقیق کسب اطلاع صورت می‌گیرد این نکته‌ای است که اکبر نصراللهی، کارشناس رسانه در گفت‌وگویی که با ما داشته به آن اشاره می‌کند و تاکید می‌کند که هنوز نحوه اطلاع‌رسانی ما همانند سال‌های گذشته است و همین هم باعث می‌شود مخاطب به سمت رسانه‌های معاند سوق پیدا کند. به بهانه نحوه اطلاع‌رسانی زمین لرزه دوشنبه شب خرم‌آباد با اکبر نصراللهی، کارشناس رسانه گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

تعارض باعث می‌شود مخاطب باقی پیام‌های یک رسانه را باور نکند

اکبر نصراللهی در بررسی تناقض‌ها در انتشار اخبار زلزله دوشنبه شب خرم‌آباد به تعارضات موجود در انتشار اخبر اشاره می‌کند و می‌گوید: «یکی از انواع تعارض، تعارض با واقعیت است، یعنی اتفاقی می‌افتد و افراد مختلف، حرف‌های متفاوتی می‌زنند، در حالی که یک واقعیت وجود دارد نه چند واقعیت. قطعا تعارض باعث می‌شود که اعتماد مخاطب کاهش پیدا کند و سلب شود. وجود تعارض باعث می‌شود که مخاطب باقی پیام‌های آن رسانه را باور نکند. آسیب‌های جبران ناپذیری دارد و باعث می‌شود که مخاطبان، برای دریافت وقایع مهم مورد نیاز خودشان بعد از مشاهده تعارض‌های مکرر، سراغ رسانه‌های رقیب و دشمن بروند، بنابراین کمترین آسیب تعارض، مخاطب‌گریزی و بی‌اعتمادی مخاطبان است و به نوعی تقویت رسانه‌های معارض و رسانه‌های غیرمسئول. علت تعارض چه می‌تواند باشد؟ علت تعارض به این برمی‌گردد که در برخی مواقع مسئولان رسمی، چون اطلاعات را به موقع، کامل و جامع نمی‌دهند، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و کنشگران رسانه‌ای برای دریافت اخبار و اطلاعات مورد نیاز خود به منابع غیرمسئول مراجعه می‌کنند یا حرف‌های نادرست و ناصحیح را نقل می‌کنند، چون حیات رسانه‌ها به این وابسته است که در مواقع مهم و مورد نیاز مردم، حرف داشته باشند و اطلاع‌رسانی بکنند. وقتی خبر مهم باشد و رسانه‌ها و مسئولان رسمی در این زمینه سکوت بکنند یا اطلاعات حداقلی بدهند، آن وقت کنشگران رسمی برای حفظ مخاطب خود سراغ منابع غیررسمی و غیرمسئول می‌روند و همین باعث تعارض می‌شود. علت دیگر تعارض آن است که افراد متعددی از بخش‌های مسئول حرف می‌زنند. مثلا اگر یک ماجرایی مربوط به زلزله باشد مشخص است که مرکز ژئوفیزیک دانشگاه تهران باید درباره زلزله صحبت کند، یا در مورد کشته‌های یک حادثه مسئولان اورژانس یا هلال احمر و منابع بیمارستانی باید حرف بزنند. وقتی هرکسی به خودش اجازه بدهد در هر موضوعی که به او ربط ندارد، حرف بزند، باعث تعارض می‌شود. مثلا در همین موضوع خاص اگر مسئول اطلاع‌رسانی، بخش خاصی است، همان بخش باید حرف بزند. اگر افراد متعددی از استاندار، فرماندار، سپاه و فراجا حرف بزنند، این باعث می‌شود چون مرتبط با آنها نیست و مسئولیت کلان موضوع در اختیارشان نیست، حرف‌های متعارضی درباره علت و ابعاد حادثه ارائه کنند.»

حق مخاطب برای دانستن را به رسمیت بشناسید

این کارشناس رسانه علت این تعرض‌گویی‌ها را به رسمیت نشناختن حق مخاطب برای دانستن اخبار توسط مسئولان می‌داند و اشاره می‌کند: «فکر می‌کنم عقلانی‌ترین، منطقی‌ترین، حرفه‌ای‌ترین و قابل انتظارترین کار برای اینکه تعارض اتفاق نیفتد و مخاطب سردرگم نشود و به آشفتگی اطلاع‌رسانی، گریز و بی‌اعتمادی مخاطب منجر نشود و باعث نشود رسانه‌های معاند میدان‌دار شوند، این است که مسئولان مختلف حق مخاطب برای دانستن را به رسمیت بشناسند و اگر اتفاقی افتاده است با درنظر گرفتن همه ملاحظات مربوط به امنیت روحی، روانی مردم، امنیت ملی و حق مردم به دانستن اطلاع‌رسانی کنند و مطمئن باشند، اطلاع‌رسانی نکردن یا دیر اطلاع‌رسانی کردن یا ناقص اطلاع‌رسانی کردن باعث می‌شود که رسانه‌های دشمن و معارض تقویت شود و منجر به ایجاد تعارض و آشفتگی خبررسانی شود.»

تعدد منابع شیفته دیده شدن یکی از معضلات مدیریت اطلاع‌رسانی در شرایط بحران است

نصراللهی علت اصلی اخبار متناقض هنگام وقوع حوادث را تعدد منابع بعضا غیردقیق و غیرمرتبط می‌داند و توضیح می‌دهد: «اگر موضوع زلزله باشد که باید موسسه ژئوفیزیک زود اطلاع‌رسانی کند و دیگر اینکه کسان دیگری غیر از موسسه ژئوفیزیک اطلاع‌رسانی نکنند. فکر می‌کنم این تعدد منابع و افرادی که شیفته دیده شدن هستند شاید یکی از معضلات مدیریت اطلاع‌رسانی در شرایط بحران است. ما در مواقع بحران این را مشاهده کرده‌ایم که تعارض محدود به ماجرای دیشب نیست، بلکه قبل‌تر هم در انفجارها و آتش‌سوزی‌هایی که در پالایشگاه‌ها در سال ۹۵ در شش ماه اول سال داشتیم. بررسی‌هایی که من داشتم، حدود ۱۲ آتش‌سوزی اتفاق افتاد و در مورد آتش‌سوزی‌هایی که مثلا در عسلویه اتفاق افتاده، بیش از ۲۰ منبع اظهارنظر کرده‌اند. از فرماندار، ناجا، سپاه، نماینده مجلس، استاندار، امام جمعه همه اظهارنظر کرده‌اند. همه این افراد که مسئول اطلاع‌رسانی نیستند، متاسفانه یک شیفتگی در برخی مسئولان وجود دارد که باید مدیریت شود که هرکسی مسئول اطلاع‌رسانی در بخش خود است و آنجا احتمالا سخنگویی دارد. مرکز ژئوفیزیک، هلال احمر باید در حوزه خود اظهارنظر کند، یعنی بنده با اینکه در میدان حادثه باشم و بگویم، زلزله پنج ریشتر است یا شش ریشتر، درست نیست؛ چراکه من اصلا منبع، متخصص و مرتبط و موثق در مورد زلزله نیستم. بنابراین اگر به معتمدترین افراد دارای سمت‌های بالا در حوزه دیگری مراجعه شود، در این حوزه هیچ وجه و منطقی ندارد که من اطلاع‌رسانی کنم. عمده‌ترین مشکلی که در حوزه اطلاع‌رسانی وجود دارد، این است که افراد مختلف غیرمرتبط در زمینه موضوعات اطلاع‌رسانی می‌کنند و این منجر به ایجاد تعارض می‌شود و وجود تعارض باعث می‌شود مخاطب اطلاعات و تعبیر درستی نداشته باشد و امکان سوءاستفاده رسانه‌های رقیب و دشمن را فراهم می‌آورد و امنیت روحی و روانی مردم در معرض مخاطره قرار می‌گیرد.»

وارونگی افکارعمومی یکی از پیامدهای نداشتن اعتماد مخاطب است

این کارشناس رسانه ادامه می‌دهد: «اینکه می‌گوییم وارونگی افکارعمومی، یکی از پیامدهای آن همین تعارض و نداشتن اعتماد مخاطب است و باعث می‌شود مردم دیگر در شرایط عادی حتی اگر درست هم اطلاع‌رسانی کنید حرف‌تان را قبول نکنند، چون در موضوعات مهمی که به سرنوشت و علایق‌شان بستگی داشت، رسانه دیر و متعارض اطلاع‌رسانی کرده است یا از منبعی خبر را منتشر کرده که ارتباطی به او نداشته و در آن موضوع خاص، تخصص نداشته است.» نصراللهی درباره زیرنویس حاشیه‌ساز شبکه خبر نیز گفت: «شبکه خبر زیرنویس کرده و گفته با منبعی در این رابطه مصاحبه کرده‌ایم. در شرایطی که جنگ شناختی تمام‌عیار علیه مردم ایران و نظام جمهوری اسلامی وجود دارد، در شرایطی که آرایش رسانه‌ای دشمن کامل است و اراده‌شان برای برهم زدن اراده ملی قوی است، در چنین شرایطی هم دیر اطلاع‌رسانی شود، هم متناقض. هم اینکه چیزی گفته شود که آن خط خبری که رسانه‌های معاند می‌گویند که رسانه‌های شما حقیقت را به شما نمی‌گویند. بعد بگویند ما با یک نفر مصاحبه کرده‌ایم و محرمانه است. اصلا یعنی چه؟ اگر محرمانه مصاحبه کردید برای چه می‌گویید؟ اصلا مگر رسانه مصاحبه محرمانه دارد؟»

فقدان سواد رسانه‌ای مسئولان؛ بحرانی چندین ساله

این کارشناس رسانه معتقد است عمده بحران‌هایی که در رابطه با اطلاع‌رسانی اخبار وجود دارد به خاطر ناکافی بودن سواد رسانه‌ای مسئولان است و می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین بحران‌ها یا ابربحران‌هایی که در کشور وجود دارند، سواد رسانه‌ای ناکافی مسئولان قوا و نهادهای مختلف است و هنوز که هنوز است نمی‌دانند رسانه چه قدرتی دارد، افکار عمومی چیست، چه نیازهایی دارد و بی‌توجهی و کم‌توجهی به افکار عمومی چه تبعات و عوارض جبران‌ناپذیری برای کشور دارد. اگر مسئولان سواد رسانه‌ای کافی داشته باشند، حتی اگر به ضررشان باشد، صادقانه فاصله بین زمان وقوع حادثه و زمان انتشار اخبار حادثه را کم می‌کنند، به‌گونه‌ای که یک بازدارندگی را در مقابل رسانه‌های معاند ایجاد کنند، یعنی اگر مردم خبرهای مورد نیاز خودشان را اولین‌بار و در فاصله بسیار کمی از زمان وقوع حادثه از رسانه‌ها و مسئولان داخلی بگیرند، هیچ نیازی نمی‌بینند که سراغ رسانه‌های رقیب یا دشمن بروند و به آن اعتماد کنند ولی چون مسئولان بخش‌های مختلف سواد رسانه‌ای ناکافی دارند و شناخت‌شان از مخاطب و دسترسی‌ها و امکانات‌شان ناکافی است به همین دلیل همچنان در دهه‌های گذشته حبس شده‌اند و مدل اطلاع‌رسانی‌شان مثل گذشته است و آن وقت چندین ساعت یا چند روز تاخیر در اطلاع‌رسانی وجود دارد. می‌توانم با قاطعیت بگویم که در تمامی بحران‌های دو، سه دهه اخیر با تاخیر در اطلاع‌رسانی، تعارض و اطلاع‌رسانی ناقص مواجه بوده‌ایم و همین به اعتماد مردم آسیب رسانده است. رسانه‌های ما نباید بازدارنده باشند و اعتماد مردم از رسانه‌های داخلی سلب شود. راه علاج تمکین کردن به اصول حرفه‌ای و درک آرایش جدید رسانه‌ای و کنشگری فعال است. اینکه مسئولان مثل تست‌های مختلفی که در موقع ازدواج و استخدام داریم که افراد معاینه می‌شوند و بعد فرد می‌تواند شغل را احراز کند، فکر می‌کنم اگر قرار باشد جلوی این تعارضات، گرفته بشود و جلوی بی‌اعتمادی مردم گرفته بشود و رسانه‌های داخلی بازدارنده در مقابل رسانه‌های خارجی، بازدارنده باشند، راهش این است که مسئولان بخش‌های مختلف، قبل از انتصاب یک آزمون سواد رسانه‌ای بدهند که هنگام وقوع بحران‌ها و حوادث مختلف بتوانند نیاز افکار عمومی را برطرف کنند.»

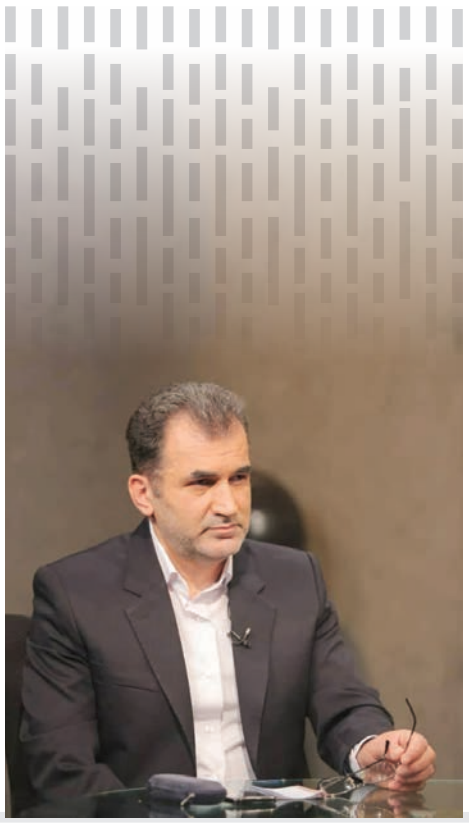

فرهیختگان
دانشگاه
WWW.FDN.IR | شماره ۳۹۶۷ | چهارشنبه ۵ مهر ۱۴۰۲

رئیس باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد درگفت‌وگو با «فرهیختگان»:

۱۰ هزار دستیار آموزشی در کلاس‌های درس حاضر شدند

رئیس واحد تهران شرق درگفت‌وگو با «فرهیختگان» تشریح کرد

ایده تبدیل دانشگاه به قطب صنعت

- تهران‌شرق قطب صنعتی واحدهای دانشگاه خواهد شد
- مجوز مجتمع زیست‌فناوری را از سازمان مرکزی گرفتیم
- تا پایان سال هزار دانشجو پویشی می‌شوند
- ۱۷ هزار قطعه ماهی در حال پرورش داریم
- راه‌اندازی چرخ تولید کارگاه ماشین‌افزار و تراشکاری بعد از ۲۰ سال
- می‌توانیم المان‌های شهری پروژه مسکن دانشگاه آزاد را بسازیم
- پیگیر تشکیل مجتمع کلینیک خودرویی سبز در تهران هستیم

عکس: نسترن دادجو | فرهیختگان

سرنوشت مقالات سلب‌اعتبارشده چه خواهد شد؟

۷ راهکار برای جلوگیری از رد اعتبار مقالات علمی

معاون علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه آزاد ابلاغ کرد

تمدید فرصت دفاع دانشجویان تا ۱۵ مهر

در نشست خبری رویداد ملی صنعت دانش‌بنیان مطرح شد

کمتر از یک درصد دانش‌بنیان‌ها بیش از ۱۰۰ نیرو دارند

رئیس باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد درگفت‌وگو با «فرهیختگان»:

۱۰ هزار دستیار آموزشی در کلاس‌های درس حاضر شدند

گزارش

سارا طاهری
خبرنگار گروه دانشگاه

یکی از اهداف تربیت دانشجویان دکتری در دانشگاه‌های کشور، تامین نیروی انسانی یا همان تربیت استادان آینده برای نظام آموزش عالی است. استاد شدن نیز تنها از مسیر تمرین و تجربه حاصل می‌شود زیرا دانشجویی که هرگز فرصت تدریس نداشته، نمی‌تواند استاد خوبی باشد. در همین راستا مدتی است در دانشگاه آزاد طرحی با عنوان دستیاران آموزشی آغاز شده و دانشجویان دکتری این دانشگاه می‌توانند به‌عنوان دستیار آموزشی به تدریس در واحدهای دانشگاهی بپردازند تا در آینده بتوانند استادان خوبی باشند. ثبت‌نام در این طرح از خرداد ماه امسال آغاز شد و تا ۷ تیرماه هم ادامه پیدا کرد. در همان مدت زمان کوتاه ۴۳ هزار نفر یعنی دو سوم از دانشجویان دانشگاه آزاد در پروژه ثبت‌نام کردند که ۳۳ نفر آنها برای تدریس در کلاس مورد تایید قرار گرفتند. حالا آن‌طور که حسن پور به «فرهیختگان» گفته است در چند روز ابتدایی مهرماه یعنی در کمتر از ۵ روز ۱۰ هزار دستیار آموزشی در کلاس درس حاضر شده‌اند.

حامد حسن‌پور، رئیس باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درخصوص جزئیات پذیرش دستیاران آموزشی در دانشگاه گفت: «طرح دستیاری آموزشی یا دوره ویژه مدرسی دانشجویان دکتری با محوریت باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان در دانشگاه آزاد کلید خورد. هدف از این طرح، ارتقای مهارتی دانشجویان دکتری در توانایی تدریس از طریق تدریس واقعی در دوره‌های کاردانی و کارشناسی است و از حدود سه ماه پیش به‌کارگیری این دستیاران آموزشی آغاز شد و اگر بخواهم درباره نتیجه به‌کارگیری این عزیزان صحبت کنم باید بگویم تا به امروز بیش از ۱۰ هزار دستیار آموزشی حداقل یک کلاس گرفته‌اند.» او با تاکید بر اینکه این میزان برای شروع طرح دستیاران آموزشی از اول مهر ماه عدد قابل توجهی خواهد بود، اظهار کرد: «با این حال از آنجایی که هنوز نتایج کنکور اعلام نشده و ثبت‌نام جدیدی‌ها صورت نگرفته است، باید گفت این عدد به‌زودی افزایش خواهد داشت. به عبارت دیگر همین که تا امروز ۱۰ هزار نفر از دانشجویان ما که جزء دانشجویان ترم دوم به بعد هستند، از این ترم در سر کلاس حاضر می‌شوند، آمار قابل توجهی به شمار می‌رود. امیدواریم بعد از اعلام نتیجه کنکور این میزان دو برابر شود.» او با تاکید بر اینکه در واحدها و استان‌های کشور، خوشبختانه لبیک خوبی صورت گرفته است، افزود: «۴۳ هزار نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد در پروژه شرکت کردند که در میان آنها ۳۳ هزار نفر تایید شده‌اند؛ البته منظور این است که این افراد تایید ساختاری را گرفته‌اند، به این معنی که دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی بوده و مدارک‌شان کامل است. با توجه به اینکه ما ۵ هزار نفر مدیرگروه در کل کشور داریم، باید عنوان کنم که آنها از بین ۳۳ هزار نفر با توجه به نیازشان و ارزیابی‌هایی علمی که انجام دادند، دست به انتخاب زدند.»

تعداد دستیاران آموزشی افزایش خواهد یافت

رئیس باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد در همین زمینه افزود: «ممکن است از میان ۳۳ هزار نفر ۱۵ هزار نفر تاییدیه علمی گرفته باشند، اما همه آنها در این ترم به‌عنوان کاروزر بر سر کلاس نمی‌روند و تنها ۱۰ هزار نفر از دانشجویان شرکت‌کننده در این طرح، از طریق آموزشیار درس گرفته‌اند و قرار است به سر کلاس بروند. نکته دیگر اینکه ثبت‌نام تاییدشده‌های ما ۳۳ هزار نفر است و هر کاری که می‌خواهیم انجام دهیم باید با همین جامعه آماری انجام شود و تعداد کسانی که سرکلاس حاضر می‌شوند در آینده بیشتر هم می‌شود.» حسن‌پور تصریح کرد: «پیش‌تر عنوان کردم هنوز ورودی‌های جدید ثبت‌نام نکرده‌اند و طبیعتا با انجام ثبت‌نام، شاهد افزایش جامعه آماری ۱۰ هزار نفری خواهیم بود. یعنی ما امروز دانشجوی جدیدی که ترم اول او سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ باشد را در این فرآیند نداریم؛ با توجه به اینکه دستیاران آموزشی تنها برای مقطع کاردانی و کارشناسی لحاظ خواهد شد، طبیعی است که با ثبت‌نام جدیدالورودها تعداد افزایش پیدا خواهد کرد.»

مسابقات ملی بتن در دانشگاه آزاد گلستان برگزار می‌شود

او در بخش دیگری از سخنان خود به برگزاری مسابقات ملی بتن در استان گلستان اشاره و خاطرنشان کرد: «این مسابقات فردا، پنجشنبه شش مهر ماه در این استان برگزار می‌شود. مساله مهم اینکه تعداد تیم‌های شرکت‌کننده در آن بیش از سه برابر به نسبت سال گذشته افزایش پیدا کرده و بیش از ۲۲۰ تیم در این دوره از مسابقات شرکت کرده‌اند و تقریبا از ۲۵ استان هم در این مسابقه شرکت‌کننده داریم. این مسابقات یک‌روزه بوده و پنجشنبه شش مهر ماه برگزار خواهد شد.»

در نشست خبری رویداد ملی صنعت دانش‌بنیان مطرح شد

کمتر از یک درصد دانش‌بنیان‌ها بیش از ۱۰۰ نیرو دارند

دانش‌بنیان‌ها از آن دسته موضوعاتی است که طی یک دهه اخیر نقش پررنگی در نظام آموزش عالی داشته‌اند؛ شرکت‌هایی که زمینه را برای تبدیل علم به محصول در حوزه‌های مختلفی فراهم کرده‌اند و تولیدات آنها توانسته نقش قابل توجهی در رفع نیازهای کشور در برخی حوزه‌های خاص داشته باشد. به‌طوری که براساس آخرین آمار که در ۲۸ شهریور ماه امسال منتشر شده، سهم صادرات آنها بین ۶۰۰ میلیون تا یک میلیارد دلاری در سال گذشته بوده و این میزان نشان‌دهنده اهمیت آنها در دنیای امروز است. روز گذشته نشست خبری رویداد ملی صنعت دانش‌بنیان با حضور علی بابایی، مدیرکل دفتر فناوری و نوآوری وزارت صمت در محل این وزارتخانه برگزار شد و این مقام مسئول از اقدامات انجام‌شده توسط وزارت صمت برای حمایت از این بخش سخن گفت.

او با بیان اینکه دو دهه از تاکید بر گفتمان اقتصاد دانش‌بنیان گذشته اما برای رسیدن به این هدف فاصله داریم، اظهار کرد که از ۸ هزار و ۹۹۵ شرکت دانش‌بنیان موجود در کشور، کمتر از ۷۰ مورد آن را شرکت‌های دانش‌بنیان تولیدی که خصوصی و دارای بیش از ۱۰۰ نیرو باشند تشکیل می‌دهد؛ عددی که به گفته او معادل کمتر از یک درصد از کل شرکت‌های دانش‌بنیان است. او در ادامه به محورهای اصلی در رشد این شرکت‌ها اشاره کرد و خرید شرکت‌های دولتی و نیمه‌دولتی، تعرفه واردات محصولات مشابه، تامین مالی متوسط مقیاس، تخصیص ارز به مواد اولیه و ماشین‌آلات و پروانه بهره‌برداری شرکت‌های دانش‌بنیان را از جمله این محورها برشمرد. بابایی با اعتقاد بر اینکه نهادهای مختلف باید در زمینه تبدیل شرکت‌های دانش‌بنیان کوچک‌مقیاس به بزرگ‌مقیاس، فعال باشند، تاکید کرد: «این نهادها باید از شرکت‌های دانش‌بنیان حمایت کنند. همچنین وزارت صمت از شرکت‌های دانش‌بنیانی که در عرصه آب، حمل‌ونقل و انرژی ورود کنند حمایت می‌کند و در این راستا دو صندوق متعلق به این وزارتخانه به کار گرفته می‌شود.» مدیرکل دفتر فناوری و نوآوری وزارت صمت در ادامه از ایجاد سازوکارهایی برای شرکت‌های دانش‌بنیان نیز خبر داد و گفت: «با همکاری وزارتخانه‌های صمت، اقتصاد و علوم و همچنین معاونت علمی و فناوری اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری، این سازوکارها تعریف می‌شود تا موانع ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان رفع شوند.» او در ادامه از برگزاری رویداد ملی صنعت دانش‌بنیان در تهران نیز خبر داد و گفت: «این رویداد با حضور ۱۵۰ شرکت پنجشنبه همین هفته برگزار شده و از بسته اعتبارات و مشوق‌های حمایتی از شرکت‌های دانش‌بنیان نیز رونمایی می‌شود.» به گفته او ایجاد بازار رقابتی و صادراتی برای تولیدات و محصولات شرکت‌های دانش‌بنیان، از اهداف برگزاری این رویداد خواهد بود. به گفته بابایی دبیرخانه راهبری این رویداد نیز تشکیل می‌شود و درنهایت با تشکیل کمیته‌ها مسائل شرکت‌های دانش‌بنیان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

خبر

تمدید فرصت دفاع دانشجویان تحصیلات تکمیلی تا ۱۵ مهر

محمدعلی اکبری، معاون علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه آزاد و رئیس کمیته امور اجرایی آموزش دانشگاه آزاد اسلامی «دستورالعمل ساماندهی برگزاری جلسات دفاع دانشجویان تحصیلات تکمیلی در نیمسال دوم ۱۴۰۲-۱۴۰۱» را به روسای استان‌ها، واحدها، مراکز آموزشی و معاونت آموزش‌های عمومی و مهارتی دانشگاه آزاد ابلاغ کرد. در این دستورالعمل آمده است: «در راستای اقدامات مندرج در سند تحول و تعالی دانشگاه و ساماندهی امور مربوط به دفاع از پایان‌نامه/رساله دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های غیرپزشکی و با توجه به مصادف شدن آخرین مهلت دفاع با روزهای تعطیل (پنجشنبه و جمعه)، مقرر شد دانشجویانی که تا ساعت ۲۴ روز جمعه ۳۱ شهریورماه ۱۴۰۲ فایل پایان‌نامه/رساله را در سامانه پژوهشیار بارگذاری کرده‌اند می‌توانند ضمن رعایت مقررات آموزشی و پژوهشی، تا تاریخ ۱۵ مهرماه نسبت به برگزاری جلسه دفاع اقدام کنند. همچنین برگزاری جلسات دفاع تا تاریخ مذکور، بدون احتساب در سنوات تحصیلی و پرداخت شهریه ترم جدید بوده و نمره/ارزیابی کیفی پایان‌نامه/رساله در کارنامه نیمسال دوم ۱۴۰۲-۱۴۰۱ درج خواهد شد. بدیهی است دانشجویانی که در فرصت تعیین‌شده موفق به دفاع نشوند لازم است برای نیمسال اول تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ پایان‌نامه/رساله را تمدید کنند.»

در این دستورالعمل آمده است: «دانشجویان ذکور مشمول خدمت وظیفه عمومی که در سنوات ارفاقی هستند و مدت معافیت تحصیلی آنان از نظر نظام وظیفه عمومی در ۳۱ شهریورماه به پایان می‌رسد، مشمول این دستورالعمل نمی‌شوند. دانشجویانی که از نظر سامانه پژوهشیار شرایط دفاع قبل از تاریخ ۳۱ شهریورماه را ندارند نیز مشمول بندهای این دستورالعمل نخواهند شد.»

یادداشت

ادامه از صفحه یک

تجربه لبنان به ما چه می‌آموزد؟

مطالعه تجربه لبنان نشان از وجود برخی مولفه‌های مشترک و آشنا دارد. پولی‌سازی کسری بودجه، سرکوب نرخ ارز، بحران نظام بانکی، کاهش درآمد سرانه، جهت‌گیری سرمایه‌گذاری به بخش املاک و مستغلات و منفعت وام‌گیرندگان و ضرر سپرده‌گذاران مواردی از این دست هستند. تجمیع این موارد اقتصاد لبنان را در وضعیتی بحرانی قرار داده است و چشم‌انداز مثبتی برای برون‌رفت از آن نیز قابل تصور نیست. با این وجود، برخی تفاوت‌ها منجر شده تا علی‌رغم وجود برخی اشتراکات، این چشم‌انداز منفی را برای اقتصاد ایران دور از واقع بدانیم. وجود حجم بالای بدهی خارجی در لبنان و مساله نبودن این موضوع در ایران یکی از مواردی است که مانع از تعمیق مشکلات در اقتصاد ایران شده است. بحران بدهی خارجی می‌تواند به بحران ارزی دامن بزند و نظام حکمرانی را با خطراتی جدی تهدید کند. گستردگی و ارتباط با همسایگان و وجود امکان تجارت حتی در شرایط تحریمی کنونی (گرچه با هزینه باشد) تفاوت ساختاری مهم دیگر ایران با لبنان است. اقتصاد ایران در وضعیت کنونی توانسته در یک سال و نیم اخیر یک و نیم برابر بر حجم تجارت خارجی خود بیفزاید که نشان می‌دهد امکان فائق آمدن بر مشکلات وجود دارد. با این حال باید متذکر بود فرصت‌ها همیشه در دسترس نیستند. به‌ویژه تورم بالا در چند سال اخیر و کاهش قابل توجه قدرت خرید آحاد جامعه به نارضایتی اجتماعی دامن زده و از میزان اعتماد جامعه به سیاستمداران کاسته است. در چنین شرایطی پیگیری اقدامات اصلاحی دشوارتر از گذشته هستند. نباید به اندک بهبودهای اخیر در رشد اقتصادی و تجارت خارجی بسنده کرد و همچنان باید به دنبال راه‌حلی برای فائق آمدن بر مشکلات ساختاری اقتصاد ایران بود. کاهش هزینه و اصلاح نظام مالیاتی با محوریت دستیابی به انضباط مالی باید تا سال‌ها یکی از مهم‌ترین اهداف سیاستمداران ما باشد. اصلاح نظام بانکی امر مهم دیگری است که باید با جدیت مورد پیگیری قرار گیرد. در کنار عوامل گفته شده، اقتصاد سیاسی اصلاحات موضوعی است که به نظر نگارنده اهمیتی فراتر از هرگونه اصلاحی دارد. اصلاحات به دنبال خود برنده و بازنده دارد و اقتصاد سیاسی اصلاحات ترسیم شفافی از گروه‌های ذی‌نفع ارائه می‌دهد. هرگونه اقدام اصلاحی بدون لحاظ اقتصاد سیاسی اصلاحات محکوم به شکست است و باید به آن توجه شود. این توجه نه از جنس تامین خواسته‌های گروه‌های مختلف، بلکه از جنس همراه کردن حداقل بخشی از آنها در مسیر اصلاحات است.

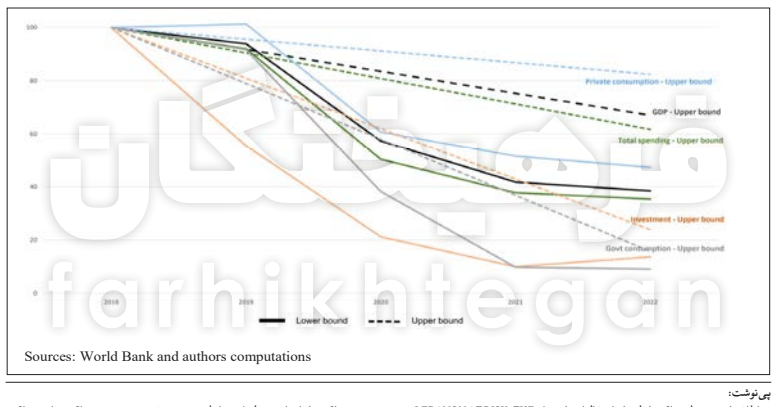

Sources: World Bank and authors computations

پی‌نوشت:

۱- اطلاعات مربوط به اقتصاد لبنان از مقاله‌ای با عنوان LEBANON AT RISK: THE UNCERTAIN ROAD FROM A DEBT OVERHANG TO A NEW GROWTH PATH نوشتهٔ Ishac Diwan و Henri Chaoul اخذ شده است.

۲- در اقتصاد ایران به دلیل شرایط تورمی و منفی بودن نرخ بهره واقعی، ارزش واقعی پول‌های سپرده‌گذاران و ارزش واقعی بدهی بدهکاران رو به کاهش است که به ضرر سپرده‌گذاران و منفعت وام‌گیرندگان است.

farhikhtegan

چهارشنبه ۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

رئیس واحد تهران شرق در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تشریح کرد

ایده تبدیل دانشگاه به قطب صنعت

ابوالفضل مظاهری- سارا طاهری
گروه دانشگاه

۱۸ کیلومتری شرق تهران، شهرک قیامدشت میزبان یکی از واحدهای بزرگ دانشگاه آزاد است که از سال ۱۳۸۰ فعالیتش را با جذب ۴۰۰ دانشجو آغاز کرد و حالا در مساحتی به وسعت ۵۳ هزار مترمربع میزبان علاقه‌مندان علم و فناوری است و پتانسیل‌های مختلف کارگاهی و آزمایشگاهی را در دل خود جای داده است.

سیدعلی موسوی‌اصل اواسط مهرماه سال گذشته به عنوان سرپرست واحد تهران شرق کار خود را آغاز کرد تا اولین عضو هیات علمی این واحد دانشگاهی باشد که مسئولیت اداره واحد را برعهده گرفته است. این استاد گروه معارف اسلامی پیش‌تر هم مسئولیت معاونت فرهنگی واحد را در کارنامه خود دارد. او چندی پیش با حضور در تحریریه روزنامه «فرهیختگان» روایتی از حدود ۱۱ ماه فعالیت خود در این واحد دانشگاهی ارائه داده که خواندن آن خالی از لطف نیست.

در آغاز سال تحصیلی جدید هستیم. واحد تهران شرق چه تغییرات از حیث آموزشی داشته و چه تغییرات رشته‌ای در این واحد ایجاد شده است؟

درخصوص رشته‌ها تلاش زیادی کرده‌ایم که مقاطع تحصیل مختلف و همین‌طور رشته‌های جدید را بیاوریم. با توجه به اینکه طی سال‌های گذشته تلاش زیادی برای آوردن رشته‌های جدید برای واحد تهران‌شرق نشده، ما با تلاشی که کردیم، موفق شدیم فعلا هشت عنوان رشته تفاهمی یعنی محل تشکیل کلاس را به سایر رشته‌ها اضافه کنیم، البته امیدواریم مقاطع تحصیلات تکمیلی تازه و رشته‌های جدید را نیز اضافه کنیم. ما به‌شدت از فقر کمیت و کیفیت یعنی تعداد و تنوع رشته رنج می‌بریم، یعنی با اینکه واحد ویژه‌ای در کشور هستیم، حدودا ۴۰ عنوان رشته کاردانی و کارشناسی و یکی، دو عنوان رشته دکتری و پنج، شش عنوان کارشناسی‌ارشد داریم و این برای یک واحد ویژه مصیبت تلقی می‌شود. سابق بر این، همت و تلاش کافی برای آوردن رشته نبود. ما این کار را شروع کردیم اما می‌دانید که صرفا دست دانشگاه نیست و نیاز به همراهی وزارت علوم است. امیدوارم برای سال تحصیلی بعد موفق باشیم.

واحد تهران‌شرق در حوزه کشاورزی هم فعال است و اخیرا طرح‌های کشاورزی را به اجرا درآورده است. رشته‌های کشاورزی در واحد شما فعال هستند؟

رشته کشاورزی نداریم، منتها ۵۷ هکتار زمین داریم که بخش عمده‌ای از آن بایر است. طبیعتا مسئولی از دانشگاه اولین نگرانی و دغدغه‌اش این است که بتواند پتانسیل‌های دانشگاه را راه بیندازد. در این ۱۰ ماهی که مسئولیت دانشگاه را برعهده گرفتم، یکی از دغدغه‌های من همین بود که بتوانم این زمین‌های بایر را احیا کنم. ما با آزمایش‌های آب و خاکی که انجام دادیم و شوری خاک، دمای هوا و کمی آب و شرایط مختلف اقلیمی را سنجیدیم، متوجه شدیم یک گیاه با ارزش‌افزوده خوب می‌توانیم داشته باشیم و آن هم گیاه پسته است. حدود چهارهزار درخت پسته را کاشته‌ایم و از این تعداد تلفات زیادی نداشته‌ایم، یعنی حدود ۲۰ درخت بوده که نگرفته و این شبیه معجزه است. با این اتفاقی که افتاده، ما می‌توانیم این نوید را بدهیم که شرق تهران به‌لحاظ آب و خاک می‌تواند پایتخت پسته نیمه‌شمالی ایران باشد. ما این امکان را داریم. این گیاه آب کمی نیاز دارد.

گفتید رشته کشاورزی ندارید اما چنین طرحی را آغاز کرده‌اید. دانشگاه آزاد اسلامی در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به پتانسیل‌های واحدها درکنار مزیت‌های منطقه‌ای داشته است. البته در فضای واحد شما اصلا رشته کشاورزی وجود نداشته و شما یک طرح بزرگ و خاص را در حوزه کشاورزی دارید. چقدر از توان واحدهای دیگر در این حوزه کمک گرفته‌اید؟ نحوه پیاده‌سازی چگونه بوده است؟

البته این مساله مظلومیت ما را در کمبود تعداد و تنوع رشته‌ها در این واحد می‌رساند. این واحد دانشگاهی امکانات متعددی دارد که قابلیت تبدیل‌شدن به قطب صنعتی و کشاورزی در استان تهران را دارد اما رشته‌های ما به‌شدت کم هستند. ما نمی‌توانستیم چون رشته کشاورزی را نداریم، چشم‌مان را روی امکانات و پتانسیل‌هایمان ببندیم. من وقتی می‌بینم فعلا امکان اتفاق صنعتی و فناورانه روی این زمین وجود ندارد و بهترین کار انجام یک کار کشاورزی با ارزش‌افزوده بالا مانند پسته است، نمی‌توانم منتظر باشم یا بهانه درست کنم، چون رشته‌اش را ندارم، پیگیری هم نمی‌کنم.

وقتی شما می‌گویید رشته‌اش را ندارم، این سوال پیش می‌آید که فهم تخصصی برای شناخت پتانسیل این کار از کجا آمده است؟

ما به این منظور از پتانسیل واحد ورامین استفاده زیادی کردیم و من از دکتر پهلوان، رئیس واحد ورامین تشکر می‌کنم. در آزمایش آب و خاک از مجموعه اساتیدی که در استان تهران بودند، خاصه واحد ورامین استفاده شد که رشته کشاورزی دارند. ما حتی آزمایش را به واحدهایی در سراسر کشور مثلا واحد رفسنجان یا دامغان فرستادیم، یعنی ریسک نکردیم که بخواهیم پروژه‌ای را شروع کنیم که زمین بخورد. هموار کردن این زمین‌های بایر با آن همه پستی و بلندی و چاله‌کنی، لوله‌گذاری و خرید لوله‌های خرد و کلان و پمپ آب و آبیاری قطره‌ای با شهرداری منطقه بود که نزدیک یک‌میلیارد تومان هزینه کرد. واحد تهران‌شرق فقط ۳۰ میلیون تومان هزینه نهال‌ها را داده است. بعد از اینکه درختان رشد کردند، اگر زمین‌ها n تومان قیمت داشت، قطعا ارزش‌افزوده قابل‌توجهی پیدا می‌کرد. ضمن اینکه ما یک مجموعه ذخیره آب داشتیم و فضای آن هم بسیار قابل‌توجه بود، یعنی چهارونیم متر عمق داشت و ۲۰ در ۱۲ متر که حجم بسیار وسیعی حدود هزار مترمکعب بود. از این هم نمی‌شد چشم‌پوشی کرد، یعنی بگویم چون رشته شیلات ندارم، این استخر را که ۲۰ سال آنجا افتاده بود، همان‌طور رها کنم؛ البته مطالعات آب انجام دادیم. یعنی دمای آب، شوری آن مورد مطالعات زیادی قرار گرفت، ازجمله دکتر موسوی، معاون پژوهشی واحد ورامین که خودشان سابقه این کار را داشتند، به ما کمک کردند و با حدود نزدیک دو تا سه میلیون تومان از امکانات موجود دانشگاه استفاده کردیم و الان ۱۷ هزار قطعه ماهی در آن استخر درحال پرورش است و هزینه سخت‌افزاری هم برای ایجاد مجتمع پرورش ماهی برای ما نبوده و ما به همان پمپ آبی وصل شدیم که شهرداری برای باغ پسته آورده است. اینها توجه به امکانات موجود بوده است، یعنی من می‌خواستم احیای موات کنیم. ما با اینکه رشته کشاورزی و شیلات نداریم اما چون امکانش را داشتیم، منتظر نماندیم و اقدام کردیم. چشم‌انداز ما این است که گلخانه هیدروپونیک را آنجا داشته باشیم. آب، برق و زمین آن هم پیش‌بینی شده و با افراد مختلفی که توانایی این کار را دارند، هماهنگی شده است، چون منطقه ما پایتخت گل‌های زینتی و آپارتمانی ایران است.

فکر می‌کنید در یک افق پنج‌ساله این کارها می‌توانند به بحث درآمدزایی دانشگاه کمک کنند؟

البته رشته من فلسفه است اما در پژوهش متوجه شدم که پسته گیاهی است که سال اول یا دوم پس از کاشتش نیاز به پیوند دارد و پیوندش است که پسته می‌دهد وگرنه خودش پسته نمی‌دهد. ما ۵۰۰ اصله درخت پسته داشتیم که بالغ بر ۱۵ سال عمرشان است که اگر اینها همان سال‌های قبل پیوند خورده بودند، الان ۱٫۵ تن بار خشک می‌دادند. اینها ظرفیت دانشگاه بوده که به آنها توجه نمی‌شده. اینها را ما آبیاری قطره‌ای کردیم، هرس شد و بعد پیوند زدیم. هرس باید قبل از سال جدید بشود و پیوند در اواخر اردیبهشت اتفاق بیفتد. اینها دوسال بعد بار می‌دهند، یعنی ان‌شاءالله از مهر سال آینده شروع به محصول دادن می‌کنند. ماهی‌های ما هم حدود ۱۲ تا ۱۵ هزار قطعه هستند که برنامه‌ریزی کردیم سالی دوبار بتوانیم از آنها استفاده کنیم. به‌عبارتی سالی ۳۰ هزار قطعه ماهی برداشت کنیم. شروع کار ما به‌صورت امتحانی با پنج‌هزار قطعه بود. این تعداد باید یک‌ماه و نیم دیگر برداشت شود. من از ابتدا هیات‌علمی تهران‌شرق بودم و الان که ریاست آن را برعهده گرفتم، شناخت کافی از شرایط دارم و تا حکمم صادر شد، فورا سر اصل مطلب رفتم و عنوان کارم را احیای موات گذاشتم و در این ۱۰، ۱۵ ماه احیای پتانسیل‌های موجود را در دستورکار قرار دارم.

شما سابقه معاونت فرهنگی در این واحد دارید و خودتان هم استاد معارف هستید. رشته شما با حوزه‌های صنعتی و کشاورزی و شیلات مرتبط نیست اما شما دست به فعال‌سازی پتانسیل‌های دانشگاه در این حوزه‌ها زده‌اید؛ چگونه این اتفاق افتاد؟

بنده چندین ماه اول کارم این مشکل را داشتم که باید تیم همراه خوبی داشته باشم. به رشته مرتبط نیست. الان به واحد سیرجان خیلی افتخار می‌شود. اگر آنجا را ببینید به خاطر این است که دو دستگاه تراشکاری آنجا دارند. الان ما ۲۰ دستگاه تراشکاری داریم و وقتی شما وارد این کارگاه می‌شوید، می‌بینید که روی آن را خاک گرفته است. در این حالت شما به رشته خودتان نگاه نمی‌کنید، بلکه دغدغه شما این می‌شود که یک کاری بکنید. تمام دغدغه ما این است که امکانات موجود را راه بیندازیم. از طرفی ما در دادن حقوق کارمندان‌مان مانده‌ایم. ما با همه سختی‌هایی که داریم، از دوری راه تا فقر رشته سعی کردیم کاری کنیم که حقوق کارمندان را بدون وام و قرض بدهیم و واحد ما تنها واحدی بود که این کار را خودش انجام داد. این هم عجیب بود. دکتر جاوید در جلسه بودجه به من می‌گفتند شما چطور می‌توانید این کار را بکنید! من وقتی کارگاه صنعتی یا مجموعه آزمایشگاه زیست-فناوری و شیمی را می‌بینم که بالغ بر چند ده میلیارد امکانات آنجا سالیان سال است که خاک می‌خورد و کارشناس مربوطه می‌گوید من فقط ماهی یک‌بار این را استارت می‌کنم که نسوزد، دیگر به رشته کاری ندارد. این به درد وجدان، حمیت و احساس تکلیف شما ربط دارد. من هر روزی که آنجا می‌روم، صبح سر مزار شهدا حاضر می‌شوم و نیت عمل صالح و اخلاص می‌کنم. سعی من این است که خدای من از من راضی باشد. من که همه چیز را بلد نیستم، بنابراین سعی کردم تیمی همراه کنار خودم داشته باشم. من اوایل که ریاست واحد تهران-شرق را به عهده گرفته بودم، دیدم اساتید با دانشگاه قهر هستند، من باید اینها را آشتی می‌دادم. اینها قشر فرهیخته و متخصص بودند. وقتی این کار را کردم و آنها را به بخش اجرایی دانشگاه آوردم، توانستیم بخش‌های مختلف را فعال کنیم. من این نوید را می‌دهم که واحد تهران-شرق به‌زودی قطب صنعتی در میان واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی کشور خواهد شد. به همین خاطر ما سراغ کارگاه صنعتی رفتیم. من از آقای دکتر مشکینی و خانم دکتر ملک‌نیا، مدیرکل محترم ارتباط با صنعت دانشگاه تشکر می‌کنم که همکاری بسیار خوبی داشتند تا بتوانیم آقای مهندس صدیقیان که واحد سیرجان را راه‌اندازی کردند، در واحد خودمان داشته باشیم. ما به ایشان خانه دادیم و امکانات خوابگاهی و اینها برایشان فراهم کردیم تا مستقر شوند. الان چرخ تولید کارگاه ماشین‌افزار و تراشکاری بعد از ۲۰ سال به راه افتاد، یعنی ساخت قطعات. ما می‌توانیم مجموعه‌های مختلف کشور را به چالش دعوت کنیم که هر قطعه‌ای آنها بگویند، برایشان بسازیم.

درواقع این کار شما راه‌اندازی نیست و یک بازگشایی مجدد است.

به شکل بسیار محدود در طول قدمتش از آن استفاده برای بازدید آموزشی شده است که یعنی مثلا دانشجو بیاید ببیند اسم این دستگاه یا قطعه چیست. آن هم ترمی یکی، دو بار.

رشته‌های مربوط به کارگاه ماشین‌افزار و تراشکاری را داشتید؟

بله، اما اینکه شما بخواهید به حوزه صنعت وارد شوید و قطعات مهم را تولید کنید، کار سختی است. ما الان چند ده هزار قطعه از چند کارخانه را سفارش گرفته‌ایم. الان یک پروژه ۱۵ هزار قطعه، یک پروژه ۹ هزار قطعه، دو پروژه ۶ هزار قطعه سفارش گرفته‌ایم، درحالی که اصلا به جایی اعلام نکرده‌ایم. الان ۱۰ روز است که ما تولید را شروع کرده‌ایم. تولید فلایویل و کاسه چرخ کامیون را براساس سفارش‌هایی که گرفتیم، شروع کردیم و در اوان قرارداد چند ۱۰ هزار قطعه دیگر هم هستیم. یک قرارداد هنگفت هم داریم که اجازه بدهید تا نهایی نشده، عرض نکنم و اگر اتفاق بیفتد در مجموعه دانشگاه آزاد شگرف خواهد بود.

چند استاد درگیر فعالیت کارگاه شده‌اند؟

ما یک فراخوان دادیم و چون تابستان شروع کردیم و هنوز همه نیامده‌اند، تعداد فعلا زیاد نیست؛ مثلا ۱۰ دانشجو آمده‌اند که چهار نفر آنها خانم هستند و یکی از اینها با وجود اینکه فرزند دارد، می‌گوید من به این کار علاقه دارم یا یکی از دانشجویان با پدر و مادرش آمده بودند که انصراف دهد، من دیدم که مشکل اینها معیشتی است، دانشجو را تشویق کردم در کارگاه مشغول به کار شود و شهریه‌اش هم طبق تعرفه طرح پویش دانشجو پرداخت می‌شود. خانواده ایشان خیلی هم خوشحال شدند. از علاقه‌مندی‌های من این است که از دانشجویان خودمان تراشکاران حرفه‌ای داشته باشیم که از نیروی خارج از دانشگاه هم مستغنی شویم و دانشگاه با نیروهای خودش مشغول باشد. الان که تازه استارت خورده، ۱۰ تا ۱۵ دانشجو هستند و دو، سه استاد مشارکت کرده‌اند. آن‌طور که بنده مطلع هستم، روی هر دستگاهی سه نفر می‌تواند مشغول شود، یعنی با داشتن ۲۰ دستگاه ۶۰ نفر دانشجو می‌توانند اشتغال پیدا کنند و درآمد داشته باشند. یک‌سری کسری دستگاه داریم که در واحدهای دیگری که فعال نیستند، وجود دارد، یعنی آنجا اینها دارند خاک می‌خورند. به‌عنوان مثال یک دستگاه سی‌ان‌سی را از واحد دماوند به واحد خودمان داریم منتقل می‌کنیم تا به‌عنوان هاب کارگاهی استان تهران یا حتی کشور باشیم و بتوانیم محور ساخت قطعات در استان تهران باشیم.

بعد از اجرای طرح پایش دانشگاه آزاد، پژوهش‌های واحد تهران‌شرق روی بلایای طبیعی و بحران متمرکز شد. در این مورد چه اقداماتی انجام دادید و چند پژوهش در این حوزه داشتید؟

ما پایان‌نامه‌هایمان را سمت این حوزه سوق دادیم. تعداد دقیقش را نمی‌دانم اما همایش مشترکی را بین سازمان مدیریت بحران واحد تهران شرق و واحد اسلامشهر پیگیری می‌کنیم که تا چند ماه دیگر بتوانیم این همایش را برگزار کنیم. دنبال اسپانسر برای آن هستیم تا پژوهش‌های خوبی آنجا دریافت کنیم.

چه میزان از پژوهش‌های صورت گرفته در واحد منجر به عقد قرارداد با نهادها و سازمان‌ها شده است؟

حقیقتش را بخواهید من از سابق اطلاعات کاملی ندارم اما در ۱۰ ماهی که خودم آمدم آنقدر موضوعات متنوع داشتیم که هنوز سراغ این موضوع نرفته‌ام، ولی ما تمرکزمان روی بستن تفاهمنامه یا شرکت‌های صنعتی هستیم. الان ما وسط کارخانه‌های صنعتی‌ایم؛ شرکت عباس‌آباد و... تقریبا شرکت و کارخانه‌ای نبوده که برای طرح دانشجوی پویش خارجی ما با آن وارد مذاکره نشده باشیم. ما در حال رسیدن به مرحله‌ای هستیم که بنده یک شعار تبلیغی برای ثبت‌نام گذاشتم که هر کس در یکی از رشته‌های صنعتی ما درس بخواند، شغل آینده‌اش تامین خواهد شد. این را هم می‌توانیم با صدای بلند بگوییم. الان نقدا در رشته‌های مختلف اطلاعیه و فراخوان داده‌ایم.

ظرفیت دانشجوی پویشی شما الان چقدر است؟

الان پنج درصد ورودی‌های جدید را باید در بودجه داشته باشیم که حدود دو هزار نفر می‌شوند.

پتانسیل پویشی‌شدن چند دانشجو در واحد تهران‌شرق فراهم است؟

فکر می‌کنم تا پایان سال حداقل به هزار نفر برسد. ما حتی با شرکت خودروسازی یا حوزه ارتباطات با جاهای مختلف صحبت کردیم. الان فعلا فراخوان داده‌ایم. در کل تابستان قراردادها را بستیم و فراخوان آنها را اعلام کردیم تا دانشجویان به آنها توجه کنند؛ حتی با مدارس غیرانتفاعی هم رایزنی کردیم که معلم‌هایشان را هم تامین کنیم که آنها هم استقبال کرده‌اند.

دانشجویان پویشی شما در چه رشته‌هایی هستند؟

بیشتر در حوزه‌های صنعتی شامل برق، الکترونیک، مکانیک خودرو تا زیست، حقوق، روانشناسی، ارتباطات، حسابداری و... تقریبا با تمام شرکت‌ها صحبت کرده و آنها به ما لیست می‌دهند و قرارداد می‌بندیم، فراخوان می‌دهیم و بعد به بچه‌هایی که بخواهند معرفی‌نامه می‌دهیم بروند مستقر شوند.

ادامه در صفحه ۵

چهارشنبه ۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

یکی از موارد مورد توجه در دانشگاه آزاد سراهای نوآوری است که تقریبا در تمام استان‌ها فعال هستند. واحد تهران‌شرق برای تشکیل سرای نوآوری اقدامی کرده است؟

پروپوزال سرای نوآوری ما به سازمان رفت، اصلاح خورد و برگشت. طرح امکان‌سنجی آن با هزینه‌ای قابل توجه هم نهایی شده است. از لحاظ موقعیت جغرافیایی وسط شرکت‌های صنعتی هستیم. دنبال راه‌اندازی مجتمعی هستیم که ممکن است اتفاق نیفتد یا صفر تا صدش اتفاق بیفتد یا ۵۰ درصدش، اما پیگیر یک مجتمع کلینیک خودرویی سبز در ایران با مساحت شش تا هفت هکتار هستیم که چندین آپشن ویژه دارد؛ یعنی پیش‌بینی کردیم و طرح‌های امکان‌سنجی انجام شده، نقشه‌های آن هم کشیده شده و کاملا یک کار حساب‌شده است که در آن کلینیک خودرویی، مرکز معاینه خودرو، پمپ بنزین و CNG را خواهیم داشت و نمایندگی ایران‌خودرو و سایپا و مرکز اسقاط خودرو را پیش‌بینی کردیم. تمامی خدمات خودرویی از مکانیکی، جلوبندی تا کارواش و زیبایی ماشین را در نظر گرفته‌ایم و دور آن پیست اتومبیلرانی و بیمه و خدمات راهنمایی و رانندگی را راه‌اندازی می‌کنیم. چشم‌اندازمان هم این است برنامه‌ای داشته باشیم که هرکسی هر کار خودرویی در هر جای شهر دارد و نمی‌رسد به آنجا برود بتواند در این مکان ثبت درخواست کند، ما برویم خودروی او را با توجه به پتانسیل دانشجویی بیاوریم و اینجا کارهایش را انجام دهیم و دوباره به او برگردانیم. این کلینیک خودرویی ما در مراحل سازمانی است و باید امکان اجرای آن را عملیاتی کنیم. با توجه به اینکه می‌خواهیم این کلینیک خودرویی را راه‌اندازی کنیم و کارگاه صنعتی ما هم راه افتاده است و از طرف دیگر وسط شرکت‌های صنعتی هستیم، عنوان سرایی که پیشنهاد دادیم عارضه‌یابی صنعتی است. اخیرا با ستاد معاینه فنی استان تهران جلسه داشتیم تا بتوانیم قراردادی برای معاینه فنی امضا کنیم. ان‌شاءالله ما امسال این سرای نوآوری را خواهیم داشت. یک نکته دیگر از امکان‌های دانشگاه که از آن غفلت شده بود، این بود که ما مجوز مجتمع زیست‌فناوری را از سازمان گرفتیم و متوجه شدیم که یک چرخه کامل از آزمایشگاه زیست‌فناوری داریم که فکر می‌کنم یک یا نهایتا دو واحد دانشگاهی در استان تهران این چرخه را دارند و شاید چند ده میلیارد هم قیمت آنهاست که متاسفانه سال‌های سال خاک می‌خورد. ما اولا پروپوزالش را نوشتیم و به سازمان رفتیم، دفاع کردیم، مجوزش را گرفتیم و متوجه شدیم در استان تهران و نه فقط واحد تهران شرق دانشجویان به‌شدت از نبود این مجتمع زیست‌فناوری رنج می‌برند. من مطلعم که همین الان واحد علوم پزشکی حدود هزار دانشجو دارد و با واحدهای دیگر هم شاید به چند هزار دانشجو برسد و در رشته‌های ژنتیک، میکروبیولوژی و زیست برای کار پایان ترم‌شان حدود ۲۵ تا ۳۰ میلیون تومان به شرکت‌های خصوصی می‌دهند. آنجا کاری هم نمی‌کنند و بیشترش داده‌سازی است و واقعیت هم ندارد. اگر دانشگاه بتواند خودش این کار را انجام دهد و دانشجوی خودش را وارد این کار کند، من فکر می‌کنم هزینه‌اش ۵ میلیون تومان خواهد بود. به این ترتیب هم یک درآمد قابل‌توجهی برای دانشگاه خواهد بود و هم اینکه به داد دانشجویان‌مان می‌رسیم و واقعا یک چیزی یاد می‌گیرند. ما برای اینکه از این مجتمع بتوانیم استفاده کنیم، مکان‌مان دور است، یعنی شاید دانشجویان شهر تهران این همه راه را پیش ما نیایند. ما دنبال مکان بودیم و هستیم و متوجه شدیم واحد علوم پزشکی می‌خواهد این کار را کند اما تجهیزات ندارد، یعنی مکانی بسیار خوب و استانداردی هم در منطقه پاسداران دارد. تفاهمنامه‌ای با واحد علوم پزشکی نوشتیم که مکان از آنها و امکانات از ما باشد تا دانشجویان منتفع شوند. الان در مرحله نوشتن قرارداد بین بخش‌های پژوهشی و حقوقی هر دو واحد هستیم. بعد تجهیزات ما به ساختمان پاسداران منتقل خواهد شد و به دانشجویان دانشگاه آزاد و غیرآزاد دانشگاه شهر تهران فراخوان خواهیم داد تا از خدمات آنجا استفاده کنند.

واحد شهرقدس قرار است بخش اعظمی از ظرفیت سرای نوآوری دکتر قریب را در اختیار شرکت‌های دانش‌بنیان و استارتاپ‌های حوزه زیست‌فناوری قرار دهد. از این ظرفیت هم می‌توان بهره‌برداری کرد.

آزمایشگاه شیمی ما هم این پتانسیل را دارد و در برنامه ما هم هست که اینها را به واحد علوم پزشکی پاسداران منتقل کنیم و نکته بعد که یک نوید جداگانه است این است که در واحدمان مرکز تحقیقات بتن هم داریم؛ البته هنوز مجوزهای آن را نگرفته‌ایم اما اخیرا نماینده سازمان استاندارد را در واحد داشتیم که بازدید کرد تا ما بتوانیم استاندارد رسمی حداقل یکی از این واحدهایی که عرض کردم را داشته باشیم. الان مرکز تحقیقات بتن ما رشته، استاد و امکاناتش را دارد و ما می‌توانیم بتن تولید کنیم و تاسیسات مقاومت مصالح داریم و یک‌بار نیز تهران‌شرق میزبان مسابقات تولید بتن بوده و مقام آورده و میزبان دبیرخانه‌اش هم بوده است. الان با شهرداری منطقه ما قرارداد بستیم که بتوانیم المان‌های شهری‌شان را بسازیم. به سازمان هم نامه زدیم که اگر شما می‌خواهید ۵۰۰ هزار واحد برای کارمندان و اساتید بسازید، واحد تهران‌شرق این آمادگی و توان ساخت المان‌های شهری مانند سنگفرش و... را دارد. دنبال این هستیم که بتوانیم استاندارد لازم را از سازمان استاندارد و از وزارت مسکن و شهرسازی بگیریم که مجموعه‌ای با استاندارد باشیم. امکان و استانداردش را داریم. امیدواریم بتوانیم حرفی در این حوزه داشته باشیم.

در حوزه جذب دانشجویان غیرایرانی چه اقداماتی داشته و چه تعداد دانشجوی غیرایرانی دارید؟

خیلی موفق نبودیم، چون منطقه ما تقریبا منطقه محرومی است و بیشتر از کشور همسایه و دوست افغانستان در واحد ما هستند. بخواهم صریح‌تر بگویم هنوز به‌خاطر حجم وسیع کارها فرصت نکردم سراغ این بخش بروم. البته منطقه ما خیلی ظرفیت این مساله را ندارد اما حتما پیگیر خواهیم شد. سعی می‌کنیم سمت کمپ‌هایی برویم که افغانستانی‌ها هستند و برای آنها امکانات ویژه‌ای تهیه ببینیم تا انگیزه خاصی برای حضور آنها در واحد تهران‌شرق شود. منطقه‌ای که ما هستیم، چون منطقه محرومی است، مدرسه غیرانتفاعی ندارد یا شاید یک مدرسه داشته باشد. واحد تهران‌شرق با ۵۷ هکتار زمین و ساختمان‌هایی که دارد، مدرسه سما نداشت و ما موفق شدیم مدرسه سما را راه‌اندازی کنیم. مهر امسال سال اول راه‌اندازی آن خواهد بود. اگرچه به ما می‌گفتند منطقه شما منطقه محروم است و استقبال نمی‌شود یا نباید آنجا برود، ولی ما اصرار کردیم و یک ساختمان بسیار شیکی آماده کردیم و حتی دیوارکشی و محوطه‌سازی‌های آن هزینه چندصدمیلیونی شد اما شهرداری منطقه تقبل کرده است. یک محیط بسیار عالی استانداردی با کلاس‌های متنوع جانبی مانند کامپیوتر، زبان و رباتیک برای مدرسه آماده کردیم؛ ضمن اینکه امکانات ورزشی و علمی دانشگاه هم در اختیار دانشجویان خواهد بود. الان برای سال اول حدود ۶۰، ۷۰ دانش‌آموز پسر را ثبت‌نام کرده‌ایم که پیش‌دبستانی و دبستانی هستند و فکر می‌کنیم سال بعد این تعداد دوبرابر خواهد شد.

پس در آن ۵۷ هکتار فقط در بحث کشاورزی متمرکز نیستید.

نه، آزمایشگاه‌ها هم هست. یک ورزشگاه با چمن مصنوعی و سالن ورزشی چندمنظوره برای کشتی، ژیمناستیک، ایروبیک، پینگ‌پنگ، فوتبال و بسکتبال داریم. مجموعه پینت‌بال داریم که هیچ واحدی در کشور ندارد. با وسایل ضایعاتی دانشگاه یک پینت‌بال استاندارد ساخته شده است، منتها گرفتن مجوزش از وزارت ورزش همگانی کار سختی بود و پنج شش سال همین‌طوری آن زمین آنجا افتاده بود. آن زمان که من معاون فرهنگی این واحد بودم، طی چند ماه ما مجوز آن را گرفتیم. الان هم پینت‌بال ما یک سال است که راه افتاده که این کار با استفاده از نیروی دانشجوهای ما هم بوده یعنی با تبلیغات خود آنها و اداره خودشان؛ ما هم یک درصدی از سود این کار را به خودشان می‌دهیم. این انگیزه‌ای شده که هر قدر بیشتر کار کنند درآمد بیشتری خواهند داشت. از آن طرف سالن آمفی‌تئاتر خوب داریم. دانشکده علوم‌انسانی، معماری و هنر، فنی-مهندسی، علوم‌پایه، ساختمان مرکزی، ساختمان انفورماتیک، کارگاه‌های ما هر کدام مجزا هستند. یک سلف‌سرویس بسیار خوبی داریم که آشپزخانه مدرنی دارد و کافه‌شاپی جوان‌پسند هم راه‌اندازی کردیم که توانست در ایام شلوغی‌های پارسال حجم رضایت دانشجویان را بالا ببرد. از آنجا که من خودم مدیرکل فرهنگی استان تهران بودم اصرار کردم در واحدهای مختلف کافی‌شاپ راه‌اندازی شود و تاکید می‌کردم که ماهیت کافی‌شاپ با بوفه فرق دارد و درآمد دانشگاه‌ها و رضایت دانشجویی را زیاد می‌کند، چون نزدیک به تیپ فکری جوان‌هاست. آن زمان ما دنبال راه‌اندازی اتاق وحشت هم بودیم و گیم‌نت هم آوردیم. واحد پردیس هم این کار را کرده. این هم درآمد خوبی برای دانشگاه دارد. دو پاتوق یا لمکده برای استراحت دانشجویان دختر و پسر به‌صورت مجزا ایجاد کردیم که در آن هم تلویزیون هست و هم مبل و بالش. آنجا فوتبال‌دستی، پینگ‌پنگ و کتابخانه هست و اخیرا هم گفتیم ایرهاکی خریداری و در اتاق قرار داده شود تا در ساعت‌های فراغت‌شان از آنها استفاده کنند. اینکه حضرت امیر می‌گویند با هر قشری با زبان خودشان صحبت کنید یا قرآن می‌فرمایند ما هیچ نبی‌ای را نفرستادیم مگر اینکه با زبان آن قوم صحبت کنند، ما هم باید با زبان این جوانان با آنها حرف بزنیم. یکی از مشکلات در همه سازمان‌ها و حوزه‌ها به نظر می‌آید نشناختن زبان مخاطبانش باشد. ما چاره‌ای نداریم وقتی می‌خواهیم با ۱۲ هزار دانشجو شبانه‌روز سروکله بزنیم، باید زبان اینها را بلد باشیم. اگر هجمه‌ای در کشور ایجاد شود، وقتی زبان هم را بلد باشیم، می‌توانیم مشکل را حل کنیم وگرنه دو بیگانه نمی‌توانند با هم گفت‌وگو کنند.

چقدر از این امکانات در اختیار بچه‌ها قرار می‌گیرد؟ ما در خیلی از دانشگاه‌ها امکانات ورزشی خوبی داریم که در اختیار دانشجویان قرار نمی‌گیرد. دلایل مختلفی هم دارد؛ هم به‌خاطر فرسایش و سختی تجهیز مجدد و هم به این خاطر که اصلا برنامه‌ریزی مشخصی برای این کار وجود ندارد. از این جهت سهم فعالیت‌های ورزشی و فرهنگی دانشگاه‌ها خیلی کم است. شما خودتان سبقه معاونت فرهنگی دانشگاه را دارید و از این تیپ کارها انجام داده‌اید. هنوز همان رویکرد فرهنگی را در فضا دارید؟

من بدون دانشجو بدون کنار بچه‌ها بودن خفه می‌شوم. یک رصد هم بکنید، من را در اتاقم پیدا نمی‌کنید. من آدم پشت‌میزنشین نیستم. به‌شدت کودک درون من فعال است! کل دوران معاونت فرهنگی من در ایام کرونا بوده که دانشجویی در دانشگاه نبوده است. امکانات ورزشی ما با محوطه اصلی کلاس‌های ما فاصله دارد. ما امکانات در اختیار بچه‌ها گذاشتیم مانند مسابقات فوتسال، والیبال و... که همه روز بتوانند بروند بازی کنند. من دیدم که استقبال کافی نیست. اطلاع‌رسانی هم می‌شد اما دیدم این همه جوان داریم اما از این زمین چمن استقبال نمی‌شود. دیدم به‌خاطر بعد مسافت است. آمدیم جشنواره‌ای راه انداختیم و یک خیابانی را به نام خیابان فرهنگ آماده کردیم که هفته‌ای یک روز در محوطه اصلی دانشگاه تمام امکانات مانند پینگ‌پنگ یا فوتبال‌دستی و بدمینتون، طناب‌کشی، مچ‌اندازی، بسکتبال و اینها را می‌آوریم و از باند هم موسیقی ورزشی پخش می‌شود. بعد از اغتشاشات سال قبل ما هر هفته این کار را کردیم و بچه‌ها را رها نکردیم. بچه‌ها هم صددرصد استقبال کردند. در این جشنواره فرهنگی هم مسئول نهاد آن وسط یک نکته اخلاقی می‌گفت و از آن طرف بچه‌های کانون‌های فرهنگی ما هم تولیدات خودشان را پخش می‌کردند. جالب است که مسابقات یا همایش‌هایی که برگزار می‌کردیم، مثلا در روز دانشجو، هر کسی وارد سالن می‌شد یک کاغذ به او می‌دادیم و یکی از جایزه‌های ما این بود که بعد از مسابقه یا دو روز بعد از مسابقه بتواند بیاید از مجموعه پینت‌بال استفاده کند. یک تیم دختر و یک تیم پسر جداگانه. در واحد تهران‌شرق برعکس است؛ ما اصرار می‌کنیم که بیایند بازی کنند. این همایش فرهنگی-ورزشی هر هفته در محوطه دانشگاه برگزار می‌شود؛ حتی اینکه من گفتم ایرهاکی خریداری شود، چون فکر کردم یک چیزی باز به سرگرمی‌های دانشجویی اضافه شود. چون راه ما تا تهران دور است، من متوجه شدم دانشجویی که صبح تا شب اینجاست اگر یک تایمی بین کلاس‌هایشان خالی باشد، باید بتواند در آن زمان یک کاری انجام دهد. متاسفانه قبلا بچه‌ها به قهوه‌خانه‌ها و رستوران‌های اطراف می‌رفتند. بنابراین من تلاش کردم فضای دانشگاه طوری گرم شود که دانشجو خارج از دانشگاه نرود. اولین کار هم انجام همین هماوردهای ورزشی بود که هر هفته یک روز اتفاق می‌افتد؛ مثلا این هفته شنبه برگزار می‌شود و هفته بعد یکشنبه. کار دیگر ما درباره سلف دانشگاه بود. ما پارسال غذای باکیفیت دانشجویی را ۳۵ هزار تومان می‌دادیم. غیر از آن کافی‌شاپ و لمکده را برای استراحت دانشجویان راه‌اندازی کردیم تا بتوانیم دانشجوهایمان را کاملا در محیط دانشگاه نگه داریم تا دچار آسیب‌های بیرون دانشگاه نشوند. تقریبا محال است دانشجویی بخواهد از امکانات دانشگاه استفاده کند و نتواند. منظورم هم فقط امکانات ورزشی نیست. امکانات عمرانی هم در اختیار دانشجویان است. خط قرمز من دانشجوست و به‌شدت روی رضایت دانشجویی حساس هستم و وظیفه خودم می‌دانم که بتوانم خدمات دانشجویی را به‌صورت کامل ارائه دهم.

سال تحصیلی گذشته آغاز متفاوتی داشت. شرایط برخی دانشگاه‌ها هم چندان مناسب نبود و اتفاقات تلخی افتاد. شرایط در واحد شما چگونه بود و چطور مدیریت شد؟

در ایام اغتشاش سه روز را در واحد تهران‌شرق شلوغی داشتیم که روز اول بالغ بر ۲۰۰ بودند، روز دوم به ۱۰۰ نفر و روز سوم به ۳۰ نفر تقلیل پیدا کردند. بنده شخصا وسط جمعیت بودم و نیروهای امنیتی چند بار به من نهیب زدند که شاید به شما آسیب برسانند اما من شخصا وظیفه خودم می‌دانستم که آنجا باشم. اتفاقا روزهای اولی هم بود که مسئول شده بودم. ما در حین اغتشاشات تریبون آزاد برگزار کردیم. در همان ایام کرسی آزاداندیشی برگزار کردیم و بچه‌ها آمدند روی موضوع بحث کردند. روز ۱۶ آذر را برگزار کردیم. برای این روز گروه موسیقی سنتی حرفه‌ای از بچه‌های خودمان آوردیم، گروه علمی هم بودند و سخنران هم آقای جوانی از دانشگاه امام حسین بودند و درباره موضوع هم صحبت کردیم. طبیعتا با وجود دو طیف از بچه‌ها جلسه باید متشنج می‌شد اما من خودم هم بودم، جلسه متشنج هم شد، ولی از آنها خواستیم که بیایند پشت تریبون صحبت کنند و بچه‌ها هم با احترام آمدند و حرف زدند و انتقادات تندی هم کردند. من بعد جلسه از آنها تقدیر کردم، نه به‌خاطر محتوای انتقادشان، بلکه به این خاطر که این دانشجو فهمید سوای محتوای صحبت‌هایش محل انتقادش همین‌جاست، نه اینکه برود کف خیابان به مقدسات توهین کند. الحمدلله بعد از آن هم چندین جلسه کرسی آزاداندیشی داشتیم و دیگر تشنجی نداشتیم. برای تمام ورودی‌های جدید هم جلسات روانشناسی در موضوعات مختلف از جمله حرمت خود، بایسته‌های حضور در جامعه و... گذاشتیم. هماورد ورزشی هم همان موقع برگزار کردیم. روز دختر یعنی میلاد حضرت معصومه هم من می‌خواستم در حیاط دانشگاه مراسم برگزار شود اما حراست می‌گفت که در سالن آمفی‌تئاتر برگزار شود تا مشکلی پیش نیاید. من با سالن موافق نبودم، چون در آنجا فقط یک قشر خاصی می‌آمدند. در حیاط همه می‌آیند یا دست‌کم یک نگاهی می‌اندازند. خیلی‌ها می‌ترسیدند و منتظر اتفاقی تلخ بودند اما جشنی به‌شدت جذاب اتفاق افتاد که هم سخنران علمی داشت و هم سخنران اعتقادی و هم سخنران فان! برنامه‌های متنوع موسیقی و هنری هم بود و یک هدیه‌مان ویژه دختران شامل گل‌سر، پاستیل و لیپ‌استیک (برای خشکی لب‌ها) بود؛ البته بعدا می‌گفتند موسوی به بچه‌ها ماتیک داده اما این فرق دارد. آنجا پر از دخترهایی بود که کاملا زاویه داشتند اما من بیم و هراسی ندارم و توکلم به خدا و توسلم به اهل‌بیت است.

امسال چگونه و با چه برنامه‌ریزی‌ای به استقبال دانشجویان می‌روید؟

برای مهر هم برنامه‌های مختلفی داریم. یکی از برنامه‌هایم هم این است که هفته‌ای سه روز هر روز در یک دانشکده کاملا میان بچه‌ها باشم. هماورد ورزشی‌مان هم هست؛ حتی روز ورودی دانشگاه ما به‌طور مفصل برنامه داریم که شامل شیرینی، شربت، موسیقی و... است و من برای اینجا به اضافه مدرسه سما نزدیک به حدود یک میلیارد تومان هزینه کردم، فقط برای اینکه کل مجموعه دانشگاه را در شأن دانشجو کنم. هفت تا ۱۰ سال بود که به هیچ کجای واحد تهران‌شرق دست هم کشیده نشده بود اما ما تمام کلاس‌ها را رنگ و تمام درها و صندلی‌ها و میل پرده‌ها را تعمیر کرده و تمام پرده‌ها را شستیم و به هرچیزی لازم بود رسیدگی کردیم؛ از صندلی استادها تا کلیدپریزها و سرویس‌های بهداشتی. شاید هرکسی برای واحد تهران‌شرق این میزان هزینه‌کردن را ریسک بداند. من هم با اینکه می‌دانم در آذرماه شاید برای پرداخت حقوق به مشکل بخوریم اما باید یک‌بار این هزینه را انجام دهیم تا دانشگاه در شأن دانشجو باشد. وقتی که من به دانشجو احترام بگذارم، او حتی اگر دوست نداشته باشد مجاب می‌شود به من احترام بگذارد. ما تمام زیرپله‌ها را با شبرنگ‌های قشنگ طراحی و کار کردیم و پیام‌های فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی برای دانشجویان قرار دادیم. در این یک سال بعد از شلوغی‌های پارسال دانشجویان را رها نکردم و هفته‌ای یک‌بار در اتاقم به روی دانشجویانم باز بوده و میان اینها بوده‌ام و هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید رئیس دانشگاه را نمی‌شناسم. بعد از اغتشاشات اگر دانشجویان را رها کرده بودم، الان نمی‌توانستم انتظار داشته باشم که اغتشاش نکنند. یکی از کارهایی که کردیم و در حیطه وظایف من هم نبود، آنقدر با شورای شهر رایزنی کردیم که دو اتوبوس ویژه گرفتیم که صبح بچه‌ها را بیاورند و غروب بچه‌ها را ببرند، چون قبلا راه ۲۰ دقیقه‌ای یک ساعت طول می‌کشید اما الان کسی که باید ساعت ۷:۳۰ سر کلاس باشد، راحت‌تر از آن سر شهر به کلاسش می‌رسد. بچه‌ها این خدمات را می‌بینند.

در طول گفت‌وگو به مذاکره با مجموعه‌های مختلف اشاره کردید؟ تعداد تفاهمنامه‌ها و قراردادهای منعقد شده در زمان حضور شما چقدر هستند؟ مهم‌ترین آنها با چه مجموعه‌هایی بوده است؟

ما با کمیته امداد به‌خاطر وظیفه اخلاقی و اعتقادی خودمان تفاهمنامه‌ای نوشتیم که دختران و پسران خانواده‌های مستمند و محروم منطقه، هرکدام جداگانه هفته‌ای یک‌بار بیایند و از امکانات ورزشی و پینت‌بال دانشگاه استفاده کنند و برای خانواده‌هایشان هم دوره‌های تربیت کودک یا مسائل زوجین یا مسائل حقوقی به‌صورت رایگان بگذاریم. همچنین با همکاری گروه‌های جهادی بالغ بر دو هزار افراد محروم کمیته امداد را برای بحث دندان‌پزشکی و ویزیت پزشکی و خدمات روانشناسی رایگان آوردیم داخل دانشگاه و حتی رئیس کل کمیته امداد کشور هم حاضر شد. برای امسال هم برنامه داریم این کار را تکرار کنیم. تفاهمنامه‌هایی که می‌فرمایید با حوزه‌های مختلف درباره دانشجویان پویشی تفاهمنامه نوشته‌ایم. با شهرداری برای ساخت المان‌های شهری، با کارخانه‌های مختلف برای ساخت قطعه، با ستاد معاینه فنی برای آوردن معاینه فنی در دانشگاه، حسب کارهایی که می‌کنیم با حوزه‌های مختلف قرارداد می‌بندیم. می‌خواهیم با خودروسازان و معادن کشور برای ساخت قطعه و سفارش‌گرفتن و با شهرداری تهران و سازمان مرکزی دانشگاه آزاد هم برای ساخت قطعه‌های بتنی جلو برویم.

میزان تکلیفی درآمدهای غیرشهریه‌ای برای واحد تهران‌شرق چقدر است؟

ما درآمدهای شهریه‌ای‌مان حدود ۹۰ میلیارد است که برای سال بعد پیش‌بینی شده است. دکتر طهرانچی گفته است اگر هر واحدی به اندازه درآمدهای شهریه‌ای‌اش، درآمد غیرشهریه‌ای داشته باشد، کل حقوق و مزایای اعضای آن دانشگاه دو برابر خواهد شد. ما چشم‌اندازمان این است که بتوانیم این کار را انجام دهیم.

این جمله را به وی منتسب کنیم، شاید توقعات بالا برود!

وی در جلسه عمومی‌شان این مطلب را گفتند. در جلسه‌ای با روسای استان تهران درباره هیات‌علمی وابسته و دستیاران آموزشی، وی این مساله را اعلام کرد و گفت این کار از تصمیمات هیات‌رئیسه بوده است. من امیدوارم این اتفاق بیفتد و فکر نمی‌کنم نشدنی باشد، حالا نه در یک سال. یک زمانی اگر پارکینگ من ۳۰۰ میلیون درآمد داشت، من خیلی خوشحال می‌شدم اما الان با امکان‌هایی که در دانشگاه می‌بینم، توقع خود من میلیاردی است و میلیون من را راضی نمی‌کند.

رئیس دانشگاه شاهد در پاسخ به «فرهیختگان»:

پژوهانه ۶۰۰ میلیونی برای هر استادی که مشکل صنعت را حل کند

زهرا رمضانی
خبرنگار گروه دانشگاه

سال تحصیلی جدید چند روزی است آغاز شده و دانشگاه‌ها حالا میزبان جدیدالورودها شده‌اند. در همین راستا هر دانشگاهی تلاش دارد تا بتواند خود را در حوزه‌های مختلف آموزشی و پژوهشی برای سال تحصیلی جدید آماده کند. در همین راستا احمد چلداوی، رئیس دانشگاه شاهد در نشست خبری خود که روز گذشته در مرکز تحقیقات دانشگاه برگزار شد، به تشریح وضعیت این دانشگاه و همچنین برنامه‌های آن در یک سال آینده پرداخت.

او در ابتدا در پاسخ به سوال «فرهیختگان» مبنی بر راهکارهای این دانشگاه در راستای افزایش مهارت‌افزایی در دانشجویان و حرکت به سمت ارتباط با صنعت گفت: «ارتباط با صنعت جزء یکی از آیتم‌هایی است که برای آن امتیاز زیادی قائل هستیم و در پژوهانه اساتید هم آن را لحاظ می‌کنیم. ما یک پژوهانه فناورانه داریم که تا ۶۰۰ میلیون تومان را شامل می‌شود و این مبلغ در میان دانشگاه‌های کشور اگر نگوییم بی‌نظیر، اما حتما کم‌نظیر است.»

چلداوی در همین زمینه افزود: «یعنی استادی که بتواند با یک واحد صنعتی به نتیجه برسد و یک مشکل را از صنعت حل کنند مشروط به اینکه محصول تولیدی به درد صنعت خورده و باعث شود تا واحد صنعتی از رکود خارج شود، این پژوهانه به آن استاد تعلق می‌گیرد. این مبلغ یک حمایت بسیار خوب است. البته ما غیر از ارتباط با صنعت، ارتباط با جامعه را هم دنبال می‌کنیم. در همین راستا پژوهشکده مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی ارتباط خوبی با وزارت کشور دارد. در این پژوهشکده برخی آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، طلاق و... را دنبال کرده و به حل مساله آن کمک می‌کنیم.»

همچنین رئیس دانشگاه شاهد در این نشست با بیان اینکه ما قرار است بار برزمین‌مانده نظام آموزش عالی را بر دوش بکشیم، گفت: «یکی از موضوعات بحث اعتماد میان کارمندان است و ما نیز در همین راستا در وهله اول هشت میلیارد تومان مطالبات کارمندان را که شش ماه پرداخت نشده بود پرداخت کردیم. گام بعدی‌مان نیز بحث همسان‌سازی حقوق اساتید این دانشگاه با دیگر دانشگاه‌ها بود؛ متاسفانه حقوق استادان دانشگاه شاهد در قانون دیده نشده بود و برای حل این مشکل چهار جلسه به مجلس مراجعه کردم و بر همین اساس از سال ۱۴۰۱ همسان‌سازی حقوق استادان اجرایی شد.»

او با بیان اینکه ما حرکت تحولی را آغاز کردیم و تحقق این مساله صرفا بحث مدیریتی نیست، بلکه همراهی همگان را می‌طلبید، ادامه داد: «در این مدت کارهای عمرانی جزئی مثل سرمایش و گرمایش دانشگاه انجام و سایت دانشگاه مجدد بازطراحی شده است، همچنین ۱۵۰ کامپیوتر جدید به دانشگاه اضافه شد و در بخش پژوهشی ارقام و اعداد پژوهانه نسبت به سال ۱۴۰۱، پنج برابر افزایش یافت.»

وزارت علوم تنها مجوز جذب ۳۰ استاد را به دانشگاه شاهد داده است

رئیس دانشگاه شاهد با تاکید بر اینکه در نظر داریم تا امسال زمین جدیدی را برای تاسیس دانشکده دندانپزشکی در تهران پیدا کنیم، افزود: «مهم‌ترین برنامه ما که بخش روابط بین‌الملل می‌شود با شعار جبهه مقاومت آغاز شد؛ در این حوزه مجوزهای لازم را از وزارت بهداشت در دو بخش پزشکی بالینی و غیربالینی و بخش غیرپزشکی اخذ کردیم تا بتوانیم دانشجویان خارجی را در ۹ دانشکده پزشکی، دندانپزشکی، پرستاری، مامایی، طب ایرانی، هنر، علوم انسانی، علوم پایه، فنی مهندسی، کشاورزی و داروسازی پذیرش کنیم.»

چلداوی تصریح کرد: «خوشبختانه دانشگاه شاهد برای اولین بار توسط وزارت علوم عراق و هند مورد تایید قرار گرفت و بر همین اساس مجوز ایجاد شعب بین‌الملل را برای راه‌اندازی شعبه‌ای در بغداد گرفته‌ایم و در طی مراحل قانونی آن هستیم. البته در حوزه بین‌المللی چند میز فکر ایجاد کردیم که یکی از آنها میز آمریکای‌لاتین است و از تمامی سفرای بعد از انقلاب در کشورهای مختلف آمریکای‌لاتین دعوت کردیم و طراحی نحوه ورود دانشگاه شاهد به آمریکای‌لاتین را به آنها سپردیم که به نتایج خوبی رسیده‌ایم تا شاهد جذب دانشجویان آمریکای‌لاتین در این دانشگاه و نیز حضور فیزیکی دانشگاه شاهد در کشورهای آمریکای‌لاتین باشیم.»

او با بیان اینکه میز دوم، میز شبه قاره هند، پاکستان و بنگلادش خواهد بود و با توجه به عملکرد خوب این میز درحال حاضر ۲۵۰ دانشجوی هندی، پاکستانی، بنگلادشی، عراقی، لبنانی، سودانی جذب شده‌اند، گفت: «به این دانشجویان در ترم اول فقط فارسی آموزش داده می‌شود. البته برنامه ما جذب ۵۰۰ تا هزار نفر تا سال ۱۴۰۳ خواهد بود. نکته‌ای که باید در اینجا به آن اشاره کنم، این است که بیشترین پذیرش ما در رشته‌های پزشکی، علوم فنی مهندسی، کشاورزی و برخی رشته‌های خاص علوم انسانی است.»

رئیس دانشگاه شاهد بیان داشت: «هدف ما از پذیرش دانشجویان بین‌الملل به هیچ وجه اقتصادی نیست، بلکه تربیت انسان‌های شایسته، نخبه و ارزشی و ولایی است موضوع دیگری که باید به آن اشاره کنم، تعداد اساتید این دانشگاه است؛ چراکه ما ۳۳۰ استاد داریم، البته وزارت علوم میزان جذب استاد را برای این دانشگاه ۳۰ نفر اعلام کرده، وزارت بهداشت هم همین‌گونه است اما افرادی که در فراخوان دانشگاه شرکت می‌کنند زیاد هستند.» چلداوی درباره اجباری بودن پوشش چادر برای پذیرش در این دانشگاه گفت: «اینکه گفته می‌شود پوشش چادر اجباری است این حرف غلط است. در مصاحبه ذکر می‌کنیم دختران چادری را می‌پذیریم بنابراین دختری را مجبور نمی‌کنیم چادر سر کند؛ چادر حجاب برتر است.»

وی درباره تعداد دانشجویان نوورود این دانشگاه نیز گفت: «سال ۱۴۰۰، ۶۰۰ ورودی جدید داشتیم و در سال ۱۴۰۱ این رقم به ۹۰۰ نفر رسید و امسال هم پیش‌بینی ما بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر است. موضوع دیگری که باید به آن اشاره کنم حذف رشته‌های کم‌متقاضی است؛ در همین راستا دیگر پذیرش دانشجو در برخی از رشته‌ها که احساس کردیم که در آینده با استقبال روبه‌رو نمی‌شوند را نخواهیم داشت.» رئیس دانشگاه شاهد بیان داشت: «تعداد دانشجویان این دانشگاه شش هزار نفر است که سه هزار دختر و سه هزار پسر هستند و همچنین هزار نفر آنها دانشجویان خانواده‌های ایثارگرند.»

ادامه از صفحه ۴

چهارشنبه ۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

سرنوشت مقالات سلب‌اعتبارشده چه خواهد شد؟

۷ راهکار برای جلوگیری از رد اعتبار مقالات علمی

علی حاجی‌شمسایی - محمدرضا حصارکی
اعضای دبیرخانه هیات‌موسس دانشگاه آزاد اسلامی

اولین مفهومی که در فرآیند چاپ مقالات و آثار علمی در کانون توجه هر نویسنده و پژوهشگری قرار می‌گیرد، مفهوم سرقت علمی است. اگرچه این مفهوم از بدیهی‌ترین و مهم‌ترین مفاهیم در تولید آثار علمی به‌شمار می‌رود اما علاوه‌بر سرقت علمی، دلایل متعدد دیگری نیز وجود دارند که مصداق سوءرفتار و تخلفات نویسندگان هستند، به‌طوری‌که مقالات حتی پس از سال‌ها چاپ و انتشار در نشریات بین‌المللی، ابطال و سلب‌اعتبار یا اصطلاحا ریترکشن[1] می‌شود.

در اکثر موارد با وجود بهره‌گیری از انواع نرم‌افزارهای تشخیص سوءرفتار و تخلفات پژوهشی در رابطه با انتشار مقالات و حساسیت صاحبان مجلات، داوران و ناشران، بازهم ممکن است اثری که دارای نوعی از سوءرفتار پژوهشی است، منتشر شود و در دسترس دیگران قرار بگیرد. احتمال دارد تخلفات یک پژوهش تا ابد هم فاش نشود اما گاهی پس از انتشار یک اثر مشخص می‌شود که آن اثر صلاحیت انتشار را نداشته و مسجل می‌شود که نوعی اشتباه یا سوءرفتار پژوهشی در آن صورت گرفته است. در این صورت باید به خوانندگان و جامعه علمی اطلاع داد که چنین اشتباه یا سوءرفتاری در اثر مذکور رخ داده است. این اطلاع‌رسانی سوءرفتار یا اشتباه در یک اثر پس از انتشار مقاله را بازپس‌گیری، سلب‌اعتبار یا ریترکشن می‌گویند. در بعضی پژوهش‌ها، مثل تاثیر یک دارو بر یک بیماری، اگر این اطلاع‌رسانی صورت نگیرد صدمات کوتاه‌مدت و بلندمدتی به جامعه وارد می‌شود که جبران‌ناپذیر است. بنابراین هنگامی که برای صاحبان مجلات و سردبیران ثابت شود که مقاله‌ای دارای تخلفات پژوهشی ازجمله سرقت علمی، جعل، تحریف، انتشار مجدد، گزارش‌های غیراخلاقی و نادرست و... است، با یک اطلاعیه این را به اطلاع خوانندگان می‌رسانند. کمیته اخلاق بین‌المللی نشر[2] بیان می‌کند هدف اصلی این‌گونه سلب‌اعتبارها «این است که به‌جای تنبیه نویسندگان خاطی، متون اصلاح شوند و از درستی و صحت آنها اطمینان حاصل شود.»

جالب است که تاکنون مجلات داخلی مقاله‌ای را بعد از چاپ سلب‌اعتبار نکرده‌اند و به‌نظر می‌رسد مجلات داخلی مکانیسمی برای ابطال یا سلب‌اعتبار مقاله بعد از چاپ ندارند. اینکه مجلات داخلی مکانیسمی برای سلب‌اعتبار مقاله ندارند، معنی‌اش این نیست که هیچ گونه تخلفی در نشریات داخلی وجود ندارد، بلکه بیشتر به معنی کم‌توجهی به ابعاد مختلف تقلب و تخلف در حوزه پژوهش است. البته در مواردی که بعد از چاپ مشخص شود مقاله سرقت علمی بوده یا موارد مشابه آن، به‌صورت موردی با نویسنده یا نویسندگان برخورد می‌شود.

با توجه به اهمیت موضوع، افزایش رو به رشد مقالات سلب‌اعتبار شده در سال‌های آتی و همچنین اثرات منفی و لطمات جبران‌ناپذیری که این نوع مقالات بر اعتبار بین‌المللی نویسندگان و به‌ویژه دانشگاه آزاد اسلامی خواهد داشت، در این گزارش تلاش شده ابتدا مفهوم سلب‌اعتبار مقالات بعد از انتشار تبیین و در ادامه دلایل، شواهد و پیامدهای آن بررسی و راهکارهای پیشنهادی ارائه شود.

سرنوشت مقالات سلب‌اعتبارشده چگونه خواهد شد؟

معمولا در دو صورت مقاله ابطال می‌شود؛ اولین حالت زمانی است که مقاله توسط نویسنده (یا نویسندگان) بازپس‌گیری[3] مقاله می‌شود. در بازپس‌گیری توسط نویسنده، مقاله کلا حذف و از سایت مجله برداشته می‌شود و مقاله وارد مرحله بعدی نمی‌شود. اما در حالت دوم، وقتی مقاله توسط سردبیر مجله ابطال می‌شود روی آن باید علامت هشدار Retracted درج و دلایل سلب‌اعتبار مقاله نیز بیان شود. علاوه‌بر آن مقاله ابطال‌شده نباید از دسترس عموم خارج شود، بلکه باید در وبسایت مجله باقی بماند به این شرط که قویا در آن ابطال مقاله برجسته شده باشد و در معرض دید همگان باقی بماند. اینجاست که اعتبار بین‌المللی نویسندگان و وابستگی سازمانی آنها خدشه‌دار و حتی سلب می‌شود. بنابر اعلام کمیته اخلاق در نشر، هر مقاله‌ای که سلب‌اعتبار می‌شود، مجله موظف است خوانندگان مقاله را از این آگاه سازد که مقاله باطل شده است:

■ الف) سلب‌اعتبار مقاله در همه نسخه‌ها و تمام مکان‌هایی مشخص گردد که آن مقاله نمایه شده است.

■ ب) هشدار ابطال مقاله به‌وضوح و آشکارا چه در بخش عنوان مقاله و چه در بخش نویسندگان مقاله ظاهر شود.

■ ج) ابطال مقاله سریعا باید اطلاع‌رسانی شود تا دیگر پژوهشگران از آن استفاده نکنند.

■ د) مقاله سلب‌اعتبار شده باید به‌صورت آزاد در دسترس عموم قرار داده شود، نه‌فقط به افرادی که مشترک هستند.

■ و) سردبیر باید به‌طور واضح اعلام کند که چه کسی مقاله را ابطال کرده است. اگر نویسندگان این کار را کرده‌اند باید نام نویسندگان و اگر سردبیر این کار را کرده باید نوشته شود توسط سردبیر مجله ابطال شده است.

۶ پیامد سلب‌اعتبار مقالات

موضوع سلب‌اعتبار مقاله پس از انتشار، اثرات منفی زیادی برای اعتبار نویسندگان و سازمانی که با آن همکاری دارند (وابستگی سازمانی) خواهد داشت معمولا بدترین حالت رد مقاله است، چون بعد از چاپ و انتشار مقاله اصطلاحا سلب‌اعتبار رخ می‌دهد و پیامدهای زیر را به‌همراه دارد:

- کاهش اعتبار حرفه‌ای و اعتماد به نتایج تحقیقاتی پژوهشگرانی که مقاله یا مقاله‌هایشان سلب‌اعتبار شده است.
- سلب‌اعتبار و شهرت علمی محقق و سازمان وابسته و همچنین قابلیت شک و سوءظن در مقالات دیگر پژوهشگر خاص یا پژوهشگرانی با وابستگی سازمانی مشابه در مجلات علمی دیگر افزایش می‌یابد.
- جریمه‌های مالی یا افزایش هزینه‌های پژوهشی برای تکرار آزمایش‌ها و تحقیقات صورت‌گرفته در مقاله را به‌دنبال دارد.
- پیامدهای حقوقی برای نویسنده و نویسندگان درپی دارد.
- نویسنده یا نویسندگانی که مقاله یا مقالات آنها ابطال شده است فرصت‌های ارائه مقالات جدید به مجلات علمی را از دست خواهند داد.
- ممکن است جنبه‌های تنبیهی و حتی تعلیق و از دست دادن شغل را برای نویسنده و نویسندگان به‌همراه داشته باشد.

مساله مقالات ردشده چگونه حل می‌شود؟

■ الف) دانشگاه‌ها

- با وجود تمهیدات و اقداماتی که در موضوع مرجعیت علمی و تولید آثار اصیل و باکیفیت در دانشگاه‌های ایران اتخاذ و انجام شده است اما در برخی موارد پژوهشگران به‌ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی به دلایل مختلف به سمت سوءرفتارهای پژوهشی سوق یافته‌اند. در بسیاری از موارد نیز مساله مهم ناشی از عدم آگاهی اساتید و به‌ویژه دانشجویان است، بنابراین در این زمینه لازم است دانشگاه‌ها برای جلوگیری و پیشگیری از سوءرفتارهای پژوهشی نسبت به ایجاد راهکارهای روشنگرانه، اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی، آموزش، توانمندسازی و در مواقع لزوم بازدارنده و حتی تنبیهی برای نویسندگان اقدامات لازم را انجام دهند.

برای آگاهی و آشنایی نویسندگان می‌توان از دستورالعمل کمیته بین‌المللی اخلاق نشر (Cope) و دستورالعمل فنی و استاندارد نشریات و کنفرانس‌های سازمان IEEE و سایر خط‌مشی‌ها و استانداردها، کارگاه‌های آموزشی، تدوین یا بازنگری آیین‌نامه، بخشنامه و... استفاده کرد.

■ ب) نویسندگان و پژوهشگران

- تعهد به انجام کار پژوهشی اخلاقی و قانونمند در تمام مراحل، ازجمله جمع‌آوری، ورود، پایش و تحلیل داده‌ها، نتایج دقیق، و...
- استفاده از منابع معتبر (هنگام انجام تحقیقات و نوشتن مقاله، بهتر است به مقالات چاپ‌شده در مجلات علمی معتبر استناد شود.)
- بازبینی چندباره نمودارها، جداول و متن مقاله قبل از ارسال برای مجله
- استفاده از ابزارهای آماری مناسب، گرفتن مشاوره علمی و آماری از متخصصان رشته‌های مختلف
- بررسی دقیق سهم نویسندگان مقاله در آثار تولیدشده
- آشنایی و توجه به دلایل متعدد سلب اعتبار مقاله و رعایت استانداردهای لازم.

1. Retraction
2. COPE (Committee on Publication Ethics)
3. Withdraw

۲۷ دلیل برای رد اعتبار یک مقاله

اگر مجله تشخیص دهد که یکی از موارد زیر رخ داده است، آنگاه مقاله بعد از چاپ ابطال می‌شود:

۱	نقض خط‌مشی مجله توسط نویسندگان
۲	نگرانی‌ها/ مسائل مربوط به داده‌ها
۳	تکراری بودن تصویر
۴	تکراری بودن مقاله
۵	اظهارات مجله، ناشر، شرکت، موسسه، نهاد دولتی یا نویسنده، درمورد نویسنده‌ای که مرتکب سوءرفتار شده است
۶	نتایج غیرقابل‌اعتماد
۷	اشتباه در داده‌ها، چه در ورود و جمع‌آوری داده‌ها و چه در شناسایی آنها
۸	جعل/ تحریف داده‌ها
۹	سرقت علمی/ ایده مقاله
۱۰	کشف سوءرفتار بعد از انجام پژوهش توسط سازمان، شرکت یا نهادهای دولتی
۱۱	داوری جعلی
۱۲	دستکاری تصاویر
۱۳	خطا در نتایج یا استنتاج‌ها
۱۴	خطا در تصویر
۱۵	خطا در تحلیل
۱۶	خطا در روش‌ها
۱۷	بازپس‌گیری (توسط نویسنده)
۱۸	سلب‌اعتبار براساس نتایج بررسی شخص، شرکت یا موسسه درمورد وابستگی سازمانی یک یا همه نویسندگان
۱۹	نگرانی‌ها/ مسائل مربوط به نتایج
۲۰	نگرانی‌ها/ مسائل مربوط به تصویر
۲۱	داده‌های غیرقابل اعتماد /دستکاری داده
۲۲	سرقت علمی متن
۲۳	سلب‌اعتبار براساس نتایج بررسی شخص، شرکت یا موسسه درمورد وابستگی سازمانی یک یا همه نویسندگان
۲۴	اختلافات مربوط به حق نویسندگان یا حق‌التالیف
۲۵	قابل تکرار نبودن نتایج
۲۶	خوداستنادی
۲۷	ایراد روش‌شناختی

منابع:

- حمدی‌پور افشین، عطاپور هاشم و میرپناهی شکیلا (۱۴۰۱). تحلیلی بر روند سلب اعتبار مدارک علمی نمایه‌شده در پایگاه اطلاعاتی وب‌آوساینس طی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۲۰. مجله علم‌سنجی کاسپین. ۹ (۱): ۸۲-۹۷.
- عباسیان زهره و رجب‌زاده عصارها امیرحسین (۱۳۹۵). سلب‌اعتبار مقالات منتشرشده در نشریات. دسترسی در:
http://www. samimnoor. ir/view/fa/ArticleView?itemId=47
- قربی علی و فهیمی‌فر سپیده (۱۳۹۹). ابعاد و الگوهای همکاری آثار سلب‌اعتبارشده به‌عنوان مصداق سوءرفتار پژوهشی در سطح بین‌المللی و ایران. پژوهش‌نامه علم‌سنجی. ۶: شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۱۷۲-۱۴۹.
- مرادی شیما، جنوی المیرا و کاظمی حمید (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی سوءرفتار علمی در جهان. مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات ۲۸ (۴) صص: ۹۴-۷۵.
-COPE Council. COPE Retraction guidelines — English. https://doi. org/10. 24318/cope. 2019. 1. 4
-Ghorbi A, Fahimifar S. Aspects and Collaboration Patterns of Retracted Papers as Evidence of Research Misconduct in Iran and Foreign countries. Scientometrics Research Journal. 2020
IEEE. https://eps. ieee. org/images/files/mc-ieee_author_guide_interactive. Pdf

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب غلامرضا کرمشاهی امجزی فرزند احمد به شماره شناسنامه ۳۸۲ صادره از عنبرآباد در مقطع کارشناسی رشته تولیدات گیاهی صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی واحد جیرفت با شماره مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک (گواهی موقت و دانشنامه) را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت به نشانی جیرفت خیابان دانشجو دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت ارسال نماید.

■■■

دانشنامه فارغ‌التحصیلی اینجانب معصومه موسوی فرزند سیدمحمد به شماره شناسنامه ۴۳۷۸۶ و شماره ملی ۲۳۷۰۴۴۰۳۹۲ صادره از کازرون در مقطع کارشناسی ارشد رشته فیزیک (اتمی، مولکولی) صادره از واحد دانشگاهی تهران شمال به شماره ۱۹۰۸۹ د مورخ ۱۳۸۰/۰۷/۲۴ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود دانشنامه را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به نشانی: تهران بزرگراه شهید بابایی (غرب به شرق) خروجی حکیمیه، خیابان شهید صدوقی، بلوار وفادار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ارسال نماید.

■■■

مدرک موقت: علی‌اکبر احدی فرزند: یحیی دارای شناسنامه به شماره: ۰۵۹۰۲۴۹۸۱ صادره ساوه رشته: کارشناسی مکانیک ساخت تولید صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی- ساوه-کیلومتر ۴ جاده نورعلیبیک- شهرک دانشگاهی خاتم‌الأنبیاء(ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۹۱۸۷-۳۶۶ ارسال نماید.

■■■

مدرک موقت: پروانه صفدریان فرزند حجت‌ا... دارای شناسنامه به شماره: ۳۵۲۴ صادره ساوه رشته: مدیریت دولتی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی- ساوه-کیلومتر ۴ جاده نورعلیبیک- شهرک دانشگاهی خاتم‌الأنبیاء(ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۹۱۸۷-۳۶۶ ارسال نماید.

■■■

مدرک موقت: زهرا اصغرزاده فرزند اصغر دارای شناسنامه به شماره: ۵۳ صادره کرج رشته: کارشناسی مدیریت آموزشی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی- ساوه- کیلومتر ۴ جاده نورعلیبیک- شهرک دانشگاهی خاتم‌الأنبیاء(ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۹۱۸۷-۳۶۶ ارسال نماید.

■■■

مدرک موقت: عرفان نجاتی خضربیگی فرزند: رضا دارای شناسنامه به شماره: ۰۸۹۰۴۱۸۹۷۷ صادره از کاشمر رشته: مهندسی عمران صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: خراسان رضوی شهرستان کاشمر دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر به صندوق پستی ارسال نماید. شماره تماس ۰۹۲۲۶۰۲۹۵۱۱

■■■

مدرک موقت: عباس زمانی فرزند جعفر دارای شناسنامه به شماره: ۰۵۹۰۰۶۶۶۲۵ صادره ساوه رشته: کارشناسی برق صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی- ساوه-کیلومتر ۴ جاده نورعلیبیک- شهرک دانشگاهی خاتم‌الأنبیاء(ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۹۱۸۷-۳۶۶ ارسال نماید.

■■■

مدرک فارغ‌التحصیلی معصومه بعاجی فرزند کریم به شناسنامه ۱۷۴۲۵۰۴۶۶۳ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی مدیریت بازرگانی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۵۹۹۱۰۶۰۲۶۷۸ مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگرجنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نمایید.

■■■

برگ سبز خودرو سواری سیستم: پژو تیپ: PARS XU7 رنگ: سفید روغنی مدل: ۱۳۹۳ به شماره انتظامی ایران ۸۴ / ۴۷۹ س ۷۱ شماره شاسی: NAAN۰۱CA۶EH۱۵۷۷۵۱ شماره موتور: ۱۲۴K۰۵۴۷۶۲۸ به مالکیت خانم دنیا چوبین به کدملی ۳۳۹۲۵۹۳۵۶۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

■■■

سند کمپانی خودرو پژو ۲۰۶ مدل ۸۸ به رنگ نقره‌ای متالیک به شماره موتور ۱۳۳۸۸۰۰۰۶۰۲ و به شماره شاسی NAAP۴۱FD۹۹J۲۵۹۱۷۱ و به شماره پلاک ۱۴-۳۹۱ د ۶۸ به نام خاتون امیری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

■■■

برگ سبز خودرو وانت دوکابین مدل ۹۶ به رنگ سفید به شماره موتور ZG۲۴۵۰۲۱۳۶ و به شماره شاسی NAPDB۴P۲۷H۱۰۰۷۵۸۱ و به شماره پلاک ۱۴ - ۳۶۷ ق ۵۸ به نام مجیده مزرعه اصل مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

■■■

برگ سبز خودرو کامیون کشنده ولوو تیپ الف ۱۲ مدل ۷۲ به رنگ سفید به شماره موتور ۰۱۶۱۳۵ و به شماره شاسی ۸۰۹۹۷۲ و به شماره پلاک ۲۴ - ۲۷۳ ع ۵۲ به نام جبار مرمضی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

فرهیختگان
صدای نخبگان
نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a۶۶۳۴۸۰۱۸@gmail.com
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

کانون تبلیغاتی
سیهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری
تبلیغات محیطی
دانشگاه آزاد اسلامی

روایتی از همه آنچه مایکل سندل در کتاب «آنچه با پول نمی‌توان خرید» مطرح می‌کند

کالایی کردن مفاهیم چطور آنها را ویران می‌کند؟

فاطمه بریمانی‌ورندی
خبرنگار گروه نقدروز

شما هیچ‌وقت نمی‌توانید قهرمانی جام‌جهانی را با پول بخرید. شاید بتوانید کاپ فیزیکی آن را داشته باشید اما قهرمانی قابل خرید و فروش نیست. شما برای قهرمانی باید تا انتهای وقت اضافه فینال، دقیقه به دقیقه‌اش را، جان بکنید. اما می‌توانید پول بدهید و عین آن چیزی که ورزشکار بعد از فینال بالای سرش می‌برد را بخرید و بالای کمدتان بگذارید. سلامتی خریدنی نیست. اما می‌شود سبک زندگی را طوری تنظیم کرد که سلامت بود. اگر فکر می‌کنید مایکل سندل در کتاب آنچه با پول نمی‌توان خرید، اینها را مطرح کرده‌است، باید بگویم که متاسفانه یا خوشبختانه تا اینجای کار تصور اشتباهی داشته‌اید. قرار نیست از مصادیقی که نمی‌توانیم با پول بخریم حرف بزنند. سندل می‌خواهد از آن چیزهایی صحبت کند که الان قابل خرید و فروش است، اما نباید خرید و فروش شود. درواقع مساله کتاب این است که چه چیزهایی الان خرید و فروش می‌شود اما نباید بشود. کتاب پر شده از مصادیق و ارجاعاتی که به تجربیات زیسته جامعه غربی و آمارها مرتبط است. جالب ماجرا اینجاست که مایکل سندل به‌عنوان استاد فلسفه سیاسی دانشگاه هاروارد سعی نکرده تا فضای آکادمیک یا اقتصاددانان را مخاطب خود قرار دهد. همه هم و غم او مردم است و آنچه محوریت قرار داده، آموزش عمومی است. پس شما در این کتاب با متن آکادمیک روبه‌رو نیستید. آنچه در این کتاب پیش‌روی شماست ارجاعات متعددی است که بناست از آسیب‌های انحصار سامانه تخصیص بازار بدانیم.

آنچه با غلبه منطق بازار از دست می‌دهیم

می‌توان ارجاعات و مصادیق ذکرشده در کتاب را به پنج دسته کلی تقسیم کرد و در رابطه با هر یک از ریزموضوعات بیشتر تامل کرد.

۱ **نوبت‌شکنی:** نوبت‌شکنی سه تا ریزنقش دارد، اول اینکه کسی را اجیر کنید تا برایتان نوبت بگیرد، دوم اینکه برای یک رویداد رایگان در بازار سیاه بلیت‌فروشی راه بیندازید و سوم هم خرید امتیاز نوبت‌شکنی است. یعنی خود شرکت صاحب فروش به شما بگوید پول بیشتری بده و در صف جلوتر بایست.

۲ **مشوق‌ها:** دسته‌بندی دوم مربوط به مشوق‌هاست اما این بخش ترکیبی از تشویق‌ها و تنبیه‌هاست. یعنی با مقداری پول بخواهی کسی را تشویق به انجام کاری کنید یا با تعیین جریمه از کاری بازداریدش. سندل در کتابش از رشوه آموزشی مثال می‌زند. مثلا به دانش‌آموزان یک مدرسه بگویی اگر فلان درس را بخوانی اینقدر به تو پول می‌دهم یا اگر فلان کتاب که در برنامه آموزشی‌مان نیست را بخوانی، در ازای کتابخوان بودن، اینقدر پول دریافت خواهی کرد.

۳ **بازار مرگ:** از مصادیقی که برای بازار مرگ نام می‌برد، حول محور ایده عمر است. مثلا شما با پرداخت مبلغ پول از کسانی که خود را بیمه عمر کرده‌اند بخواهی وزن خود را به حد متناسب برسانند یا سیگار کشیدن را ترک کنند. مثال دیگری هم در کتاب طرح می‌شود با عنوان بازار مرگ، خرید و فروش بیمه عمر اشخاص دیگر. مثلا شما بیمه عمر افراد دیگر را خریداری می‌کنید، عناوین متعددی هم دارد. بیمه سرایدار، بیمه احتضار، بیمه عمر شخص‌ثالث، در واقع شما روی مرگ دیگران شرط می‌بندید. اتفاقا یکی از دسته‌های ریز این گروه هم قمار مرگ است. یعنی آدم‌ها بر مرگ سلبریتی‌ها و آدم‌های معروف شرط می‌بندند و کسب درآمد می‌کنند.

۴ **تجاری‌سازی اعتبار و کرامت:** دسته چهارم از مصادیق مربوط به تجاری‌سازی اعتبار و کرامت انسانی است. مثلا سندل از درج تبلیغات شرکت‌ها در محل نامتعارف بدن انسان مثال می‌زند. شما پیشانی‌ات را برای تبلیغ یک شرکت اجاره می‌دهید و اجازه تتو روی آن را می‌دهید. حالا ممکن است این تتو دائمی باشد یا موقت. در قبال انجام این کار نیز مبلغی پول دریافت می‌کنید.

۵ **جداسازی مردم:** این دسته به‌گونه‌ای دارای سویه‌های اجتماعی است. در فعالیت‌های همگانی مردم را جدا کنید. مثل جایگاه‌های ویژه‌ای که در ورزشگاه‌ها یا مجمع‌های عمومی برای افراد خاص در نظر می‌گیرند. مثلا در آمریکا ورزش بیسبال ورزش پرطرفداری است. در این بازی‌ها جایگاه ویژه‌ای در ورزشگاه برای برخی شرکت‌کنندگان در نظر می‌گیرند. مثال‌های عینی‌تر و معاصر هم از این جداسازی داریم. مثلا در جام‌جهانی قطر جایگاهی در نظر گرفته شده بود که مانند سوییت بوده، در یک طرف اتاق همه امکانات رفاهی در نظر گرفته شده بود و پنجره‌ای رو به زمین بازی داشت. با این وجود در یک رویداد همگانی که بنا بوده همه اقشار در کنار همدیگر حاضر شوند و فارغ از فاصله طبقاتی، بازی را تماشا کنند، حالا دیگر ثروتمند و کسی که پول ندارد باهم متفاوت هستند. حالا دیگر مردم با هم متفاوت هستند و این تفاوت شکاف عمیقی ایجاد می‌کند.

استدلال سندل بر چه چیزی استوار است؟

نکته حائز اهمیت برای سندل این است که این مواردی که به‌عنوان مثال نام می‌برد، این‌طور نیست که نباید خرید و فروش شوند. اینها مواردی است که نه به‌صورت فعالیت زیرزمینی و قاچاق، بلکه به صورت قانونی در حال خرید و فروش در سامانه تخصیص بازار است. او به دنبال نوعی تبادل آرا میان اندیشمندان، اقتصاددانان و جامعه‌شناسان می‌گردد. می‌خواهد این ارجاعات را به‌عنوان محوریت بحث مطرح کرده و بر سر هر موضوعی نظرات متعدد را بشنود. او به دنبال این است که هر یک از صاحبنظران با زاویه دید خود این موضوعات و مصادیق را ارزیابی کنند و بعد نکات‌شان را برای تکمیل بحث بگویند. او به دنبال آن است تا مرزهای اخلاقی بازار و محدوده آن را مشخص کند. برای این مرزبندی هم دایره تنگ‌نظری را کنار گذاشته و به دنبال ارزیابی و شنیدن آرای متعدد است. اما در رابطه با استدلالش برای مواردی که نام می‌برد خودش از نابرابری و انصاف نام برده اما فساد را هم به آن اضافه می‌کنیم چراکه در جایی از از نابرابری و فساد نام می‌برد و در جایی از انصاف و فساد. در ادامه به اختصار به هر یک از استدلال‌های سندل به تفکیک اشاره خواهیم کرد.

۱ **نابرابری:** ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که سامانه‌های تخصیص متفاوتی دارد. یکی از این سامانه‌های تخصیص بازار است و در واقع مبادله‌ای است که با پول صورت می‌گیرد. اما این تنها سامانه تخصیص ما نیست. یک سامانه تخصیص صف است. شما یک چیزهایی را در صف به دست می‌آورید و چون زودتر در صف ایستاده‌اید و مدت زمان طولانی‌تری را صرف کرده‌اید، آن کالا یا خدمات نصیب‌تان می‌شود. یک سامانه تخصیص دیگر فوریت است. شما اگر به اورژانس بروید، در آنجا براساس فوریت و نیاز با شما رفتار می‌کنند. در آن شرایط لزوما اینکه چه کسی زودتر مراجعه کرده‌است اهمیتی ندارد. یک سامانه تخصیص تصادف است. مثلا در کشورهایی که هیات منصفه دارند، آنها به صورت رندم یا همان تصادفی انتخاب می‌شوند. سامانه تخصیص دیگر که در کتاب به آن اشاره نشده رای‌گیری است.

حالا شما دنیایی را تصور کنید که با وجود همه این سامانه‌های تخصیص متفاوت دائما به سمت انحصاری شدن سامانه و تنگ شدن عرصه به نفع بازار پیش می‌رود. همه سامانه‌ها حذف شده و منطق بازار جای آنها را می‌گیرد. یعنی چون شما پول ندارید، شما چیزهای بیشتری را نمی‌توانید داشته باشید. می‌گوید این بازار است و دنیا به سمتی می‌رود که چیزهایی راکه قبلا نمی‌شد، حالا می‌توان با پول خرید و فروش کرد. البته نکته قابل توجه این است که پول فقط تمایل نیست. در حوزه اقتصادی وقتی شما چیزی را می‌خرید، یعنی تمایل بیشتری نسبت به آن چیز دارید. اما به تعبیر دیگر پول توان داشتن چیزی هم هست. سندل در این زمینه یک مثال جالب می‌زند؛ در ورزشگاه‌ها جایگاه‌های ویژه‌ای وجود دارد، جایگاه‌هایی که از آنجا دید خیلی بهتری نسبت به بازی خواهید داشت. پول خوبی هم برای رزرو آن جایگاه باید پرداخت کنید. اما معمولا کسانی در آن جایگاه‌ها می‌نشینند که آنقدرها هم نسبت به بازی حساس نیستند. کسانی که از ابتدای بازی حاضر نمی‌شوند و شاید تا پایان بازی ننشینند. حتی شاید قرار کاری بگذارند و بیزینس انجام دهند. اما آن کسی که در جایگاه ارزان‌تری می‌نشیند، یحتمل همه پاس‌ها را بلد است. می‌داند کدام ضربه را کدام بازیکن درکدام دقیقه زده؛ پس نمی‌توان این‌طور نتیجه گرفت که کسی که در جایگاه ارزان‌تری می‌نشیند تمایل کمتری نسبت به بازی دارد. اینجاست که سندل می‌گوید وقتی شما تعداد چیزهایی که فقط با پول می‌توان خرید را بیشتر می‌کنید و پول سامانه تخصیص می‌شود، دیگر صف، فوریت، تصادف و رای کارایی ندارد. آن وقت است که احساس نابرابری بیشتر خواهد شد. به‌عنوان کسی که پول ندارد، قبل‌ترها می‌دیدی که میان کسانی که پول دارند و ندارند، تفاوت محسوسی وجود نداشت یا تفاوت در عرصه‌های محدودتری بود. به همین جهت هم افراد می‌دانستند در عرصه‌هایی نابرابرند. مثلا نمی‌توانستند فلان ماشین یا فلان خانه را در منطقه بالاتر خریداری کنند، اما می‌دانستند اگر کنسرت یا برنامه رایگانی در شهرشان برگزار شود، میان آنها و شخص پولدار تفاوت فاحشی وجود ندارد. نسبت به آن پولدار در موضع نابرابری قرار نمی‌گرفتند.

یک مثال دیگر شرکت در جلسه استماع کنگره آمریکا است. شما برای حضور در این مراسم باید در صف می‌ایستادید تا صبح زمانی که جلسه برگزار می‌شود نوبت‌تان برسد و وارد سالن شوید بلکه بتوانید در حاشیه این جلسه با یکی از نماینده‌ها یا سناتورها حرف بزنید یا نظرتان را مطرح کنید. مسیرش این بود که اگر علاقه‌مند بودید و این جلسه مهم بود، از شب قبل در صف می‌ماندید و صبح وارد جلسه می‌شدید و در جایگاه‌تان می‌نشستید. اما حالا لابی‌من یک آدم را اجیر می‌کند، تمام شب را در صف می‌ماند، سر صف که رسید، پولش را می‌دهد و لابی‌من جایش می‌ایستد و وارد جلسه می‌شود. در این شرایط کسی که مثلا فعال محیط زیست است و می‌خواهد در جلسه استماع حاضر شده و نظراتش را طرح کند، چون آن پول را ندارد، حس نابرابری بیشتری خواهد داشت. با منحصر کردن سامانه‌های تخصیص به بازار، نابرابری‌ها بیشتر می‌شود. آن‌وقت مردم در عرصه‌های بیشتری نابرابر خواهند شد.

۲ **انصاف:** انصاف شاید حقوقی‌ترین استدلال از استدلال‌های سندل باشد که با مثال خرید و فروش کلیه این بحث را شرح می‌دهد. در واقع حرفی که اینجا سندل می‌گوید از زاویه دید کسی است که می‌خواهد کلیه‌اش را بفروشد یا اهدا کند. ما وقتی از سوپرمارکت آبمیوه می‌خریم یا سوار تاکسی می‌شویم یک رابطه حقوقی با متصدی فروشگاه یا راننده تاکسی برقرار می‌کنیم. این یک قرارداد است. یک عقد است. فرقش با ازدواج یا اجاره‌خانه چیست؟ یک‌سری قراردادها تشریفات دارند. باید برایش کاغذ امضا کنید، خطبه بخوانید یا اعلام کنید که چیزی را خریده‌اید یا فروخته‌اید. اما یک‌سری از قراردادها به جهت ریتم زندگی تشریفات ندارند. همین که شما از قفسه آبمیوه برمی‌دارید و به متصدی می‌دهید تا حساب کند و پول پرداخت می‌کنید، نوعی قرارداد بسته‌اید. شرط این قراردادها چیست؟ یکی از شرط‌ها این است که هر قراردادی، زمانی درست خواهد بود که شما قصد خرید و فروش داشته باشید و این قرارداد از روی اجبار و تحمیل نباشد. دوم اینکه رضایت کامل داشته باشید. یعنی اراده آزاد شما باعث این کار شده باشد. مثلا وقتی شما آبمیوه می‌خرید می‌دانید قصدتان چیست و فروشنده هم با اراده آزاد و بدون اجبار آن را به شما می‌فروشد. اما اگر فقر به شما فشار بیاورد و چاره‌ای جز فروش کلیه‌تان نداشته باشید، آنجا دیگر اراده آزاد معنایی پیدا نمی‌کند. شاید شما خودتان این کار را انجام دهید و کسی مجبورتان نکرده باشد. حتی می‌گردید که خریدار هم پیدا کنید اما اگر نیاز فوری نداشتید حاضر بودید که کلیه‌تان را بفروشید؟ آیا در شرایط ایده‌آل هم کلیه‌تان را می‌فروختید؟ اینجا دیگر آزادی انتخاب معنایی ندارد. درواقع وقتی بازار به یک‌سری از حوزه‌های زندگی بازار وارد می‌شود، اشکال اخلاقی به وجود می‌آورد. اینجا اشکال این است؛ کسی که عرضه می‌کند اراده آزاد و انتخاب آزادی ندارد که شما بگویید آزادانه وارد مبادله شده است. آن وقت دیگر این مبادله منصفانه نیست برای همین هم اسم این استدلال را انصاف گذاشته است.

۳ **فساد:** از بین سه استدلال سندل تمرکز بیشتری بر این مساله دارد. اول توضیحی از مفهوم فساد می‌دهد. البته مفهوم فسادی که شرح می‌دهد بیشتر برای مخاطب غربی قابل فهم است. شاید لازم باشد ما منظورمان از فساد را در زبان فارسی مطرح کنیم. ما وقتی از فساد حرف می‌زنیم منظورمان چیست؟

اولین چیزی که از فساد می‌فهمیم در حوزه اقلام دارویی و غذایی است که تاریخ انقضا دارند و بعد از گذشتن از تاریخ مقرر، می‌گوییم این فاسد شده است. جای دیگر در حوزه اخلاق به کلمه فساد اخلاقی اشاره می‌کنیم. عرصه دیگر هم اقتصاد است، زمانی که از اختلاس یا رشوه در محیط‌های اداری حرف می‌زنیم کلمه فساد را استفاده می‌کنیم. اما وقتی سندل از فساد حرف می‌زند، درواقع منظورش این است که شما شأن یک ارزش یا فضیلت را تنزل بدهید و با پول مبادله‌اش کنید. در واقع یعنی یک چیزی را از جایگاه اصلی خودش، از شأن اصلی خودش خارج کرده و تبدیل به چیز دیگری می‌کنید، در این شرایط سندل می‌گوید شما آن چیز را فاسد کردید. در کتاب، سندل در رابطه با بحث فساد و تنزیل فضیلت تنها جایی است که صرفا مثال نمی‌زند و به مطالعات هم ارجاع می‌دهد.

اولین مطالعه‌ای که مطرح می‌کند داستان یک‌سری مهدکودک در فلسطین اشغالی است. در این مهدکودک کادر و نیروها از اینکه والدین دیر به دنبال فرزندان‌شان می‌آیند، معترض هستند. این بیشتر ماندن بچه‌ها برایشان هزینه‌زاست. در این شرایط گفتند از این به بعد هرکسی که دیر به دنبال فرزندش بیاید، باید جریمه پرداخت کند. پس از وضع این قانون، تعداد والدینی که دیر می‌آمدند بیشتر شدند. زمانی که شما کسی را جریمه می‌کنید، می‌دانید که جریمه برای درآمدزایی نیست. جریمه برای قبح اخلاقی هم مدنظر است. اینجا وظیفه پدرومادر است، اول اینکه در قبال فرزندش مسئول باشد، دوم اینکه درباره وقت و زندگی کادر مهدکودک احساس وظیفه کند، این دو منجر به چیزی به اسم جریمه شد. جالب این است که بعد چند هفته هم که این جریمه‌ها را برداشتند، باز آمار والدین کم نشد. چون در ذهن آنها این مساله به چیز قابل خرید و فروش تبدیل شده بود. در اینجا سندل اشاره دارد به این مساله که شما با پولی کردن یک چیز ماهیت آن را به کلی دگرگون می‌کنید و این عوض کردن یعنی همان فساد.

مطالعه دیگری دارد، این‌بار در سوئیس. این کشور بحران دفن زباله‌های هسته‌ای دارد. یک روستا، دهستان یا منطقه‌ای در سوئیس انتخاب کردند و تشخیص می‌دهند که بهترین مکان برای دفن زباله‌ها آنجاست. از مردم آن محدوده نظرسنجی می‌کنند، که حاضرید این زباله‌ها دفن شود؟ ۵۱ درصد موافقت خود را اعلام می‌کنند. بعد اعلام می‌کنند اگر موافقت کنید اینجا دفن شود، به هرکدام از خانوارها این میزان پول پرداخت می‌شود. میزان موافقت به ۲۵ درصد می‌رسد. چون در این حالت دیگر افراد به‌عنوان یک وظیفه ملی به آن نگاه نمی‌کنند. قبل‌تر می‌گفتند که بالاخره این زباله‌ها باید یک‌جایی دفن شود و اگر تشخیص داده شد این منطقه بهترین مکان است پس وظیفه ملی ما این است که موافقت کنیم اما حالا که پیشنهاد پول مطرح شد، دیگر مبادله سلامتی و امنیت ماست و مساله وظیفه ملی مطرح نیست. این یعنی وقتی پای پول به یک‌سری عرصه‌ها باز می‌شود دیگر ماهیتش تغییر می‌کند و تبدیل به یک کالای تجاری می‌شود. وقتی که سامانه بازار مطرح و منحصر می‌شود بقیه سامانه‌های تخصیصی دچار مشکل شده یا تضعیف می‌شوند و از این رهگذر مرزهای اخلاقی جابه‌جا می‌شود. درواقع کتاب می‌خواهد بگوید برای سامانه بازار یک حد و مرزی بگذارید و همه جا نگذاریدش. سندل حول این سه استدلال همه مواردی را که می‌خواهد مطرح می‌کند با مصادیق متعدد و تجربه زیسته کشورهای غربی و حتی ارجاع به موارد مطالعاتی تاکید دارد که انحصار سامانه تخصیص به بازار می‌تواند منطق سود و زیان را بر همه افعال و ارکان زندگی مردم حاکم کند. در اینجاست که ماهیت هر اتفاقی تغییر پیدا می‌کند، حس نابرابری بیشتر خواهد شد و عرصه‌هایی که مردم با یکدیگر نابرابرند روزبه‌روز بیشتر می‌شود و از طرفی مبادلاتی که طرح و انجام می‌شود از جنبه انسانی و اخلاقی خارج شده و دیگر در الگویی نابرابرانه و غیرمنصفانه صورت‌بندی می‌شوند.

تعلل در تشخیص مصلحت قطعی و یقینی

شاهرخ صالحی‌کرهرودی
حقوقدان و مدرس دانشگاه

بیش از ۹ ماه از ارجاع طرح «الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول» به مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گذرد؛ طرحی که تصور می‌شد با توجه به ضرورت و فوریت آن، به سرعت در دستورکار مجمع قرار گیرد، ماه‌هاست که در مجمع بلاتکلیف باقی مانده و حتی دستور رهبری در تیرماه امسال هم که این طرح را «مصلحت قطعی نظام و کشور» خوانده بودند هم نتوانست باعث شود تا این طرح، زودتر در مجمع تشخیص به نتیجه برسد. حالا سوال اینجاست که دلیل این تعلل چیست؟

آمارهای رسمی دستگاه قضایی نشان می‌دهد منشأ ۳۰ تا ۴۰ درصد پرونده‌های ورودی به دادگستری را باید در قولنامه‌ها و اسناد عادی ناشی از معاملات اموال غیرمنقول جست‌وجو کرد. هزینه تحمیلی ناشی از حدود دو تا سه میلیون پرونده در دادگستری اعم از تامین قضات، نیروی انسانی، فضای فیزیکی و عوارض ناشی از اطاله دادرسی، نشان می‌دهد که ضرورتی بالاتر از تعیین تکلیف منشأ این پرونده‌ها وجود ندارد. البته همه هزینه‌ها فقط به هزینه ناشی از رسیدگی به پرونده‌ها باز نمی‌گردد. میلیاردها تومان کلاهبرداری از مردم، هزاران مال‌باخته، هزاران هکتار زمین‌خواری، کوه‌خواری و تجاوز به اراضی ملی و عمومی همگی بخشی از آثار جانبی اعتبار دادن به اسناد عادی و قولنامه‌ای در نظام حقوقی کشور است که اگر جلوی آن گرفته نشود، مصیبت آن هر روز بیش از گذشته دامان مردم را خواهد گرفت. همین ضرورت‌ها، مجلسی‌ها را مجبور کرد تا در سال ۱۳۹۵ در طرحی، خواستار پایان دادن به حکمرانی قولنامه‌ها و ضرورت ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول شوند. طرحی که پس از مخالفت مکرر شورای نگهبان و اصرار نمایندگان مجلس بر نظر خود، بالاخره در دی‌ماه پارسال راهی مجمع تشخیص مصلحت نظام شد. اگرچه در جلساتی، رئیس قوه قضائیه از مجمع تشخیص مصلحت نظام خواستار بررسی فوری این طرح شده بود اما وقتی نتیجه مطلوب حاصل نشد، محسنی اژه‌ای این بار دست به دامان رهبر معظم انقلاب شد تا در هفته قوه قضائیه، رهبر معظم انقلاب با تایید سخنان محسنی اژه‌ای درخصوص منشأهای فساد در کشور، یکی از این منشأهای فساد را اسناد غیررسمی معرفی کنند و خواستار بی‌اعتباری اسناد عادی در معاملات شوند. حتی برای بیان اهمیت موضوع، به اختلاف نظر فقهی در این خصوص هم اشاره کردند اما درنهایت، آن را «مصلحت قطعی نظام و کشور» دانستند. با این فرمان رهبری، بالاخره طرح مذکور در دستورکار مجمع قرار گرفت. ابتدا در کمیسیون فرعی دبیرخانه بررسی شد و سپس به کمیسیون حقوقی و قضایی مجمع آمد و در آنجا هم اصلاحات مدنظر طرح، نهایی شد. اما بازهم کار به نتیجه نرسید و طرح به صحن مجمع نیامد. حالا که طرح به نقطه مهم خود رسیده، رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، از نامه مبهم برخی اعضای مجمع به رهبر انقلاب و تردید در مفاد سخنان رهبری در هفته قوه قضائیه خبر می‌دهد. براساس آنچه که از سوی غضنفرآبادی، رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی در سیمای ملی مطرح شد، رهبر انقلاب ضمن تبیین بیانات‌شان در تیرماه تاکید می‌کنند که «اگر مجمع تشخیص مصلحت، مصلحت یقینی مورد نظر اینجانب را تصدیق نمی‌کند به تشخیص خود عمل کند.» حال سوال اینجاست که چه کسانی از شفافیت در معاملات غیرمنقول متضرر می‌شوند که سه ماه پس از فرمان رهبری درخصوص «مصلحت قطعی نظام و کشور»، با تردید در نظر ایشان و حتی انکار آن، از ایشان سوال می‌کنند و رهبری نیز این بار صریح‌تر از قبل آن را «مصلحت یقینی» می‌دانند.

واقعیت این است که عدم شفافیت در معاملات اموال غیرمنقول، هم راه را برای پولشویی و فرار مالیاتی فراهم می‌کند و هم بستر خوبی برای زمین‌خواری و کلاهبرداری از مردم محسوب می‌شود. هرچند مقررات شرعی، تفاوتی بین خرید و فروش اموال غیرمنقول با سایر اموال قائل نیست اما مصلحت اجتماعی و اقتصادی کشور ایجاب می‌کند تا در این شرایط، حکم اولیه و شرعی کنار گذاشته شود و با تشخیص مصلحت نظام و کشور، حکم ثانویه که الزام به ثبت معاملات اموال غیرمنقول است، جایگزین آن شود. شورای نگهبان به‌عنوان پاسدار شرع و قانون اساسی، وظیفه دارد تا مصوبات را با احکام اولیه شرعی تطبیق دهد اما قانون اساسی پیش‌بینی کرده که اگر نیاز به احکام ثانویه و مصلحت‌سنجی وجود داشت، مصوبات مجلس که از نظر شورای نگهبان خلاف حکم اولیه شرع است، به مجمع تشخیص مصلحت ارسال شود تا حکم ثانویه جایگزین حکم اولیه شود. از دیدگاه فقهی قضیه هم «لاضرر» حکم می‌کند که حکومت مانع از ضرر مردم، ورود خسارت به بیت‌المال و جلوگیری از فعالیت کلاهبرداران شود. اما با همه این مصالح، همچنان مجمع تشخیص از رسیدگی در طرح مذکور تعلل می‌کند و می‌خواهند یا طرح به تصویب نرسد یا اگر هم قرار است به تصویب برسد، طرحی بی‌خاصیت به تصویب برسد که تفاوتی در وضع موجود ایجاد کند. از جمله مواردی که می‌تواند موجب بی‌خاصیت شدن طرح مذکور شود، اصلاحاتی است که کمیسیون حقوقی و قضایی مجمع، در ماده یک طرح مصوب مجلس اعمال کرده است. براساس طرح مجلس، قرار بود تا از این پس، معامله اموال غیرمنقول اگر با سند عادی صورت بگیرد، به کلی باطل باشد اما حالا با مصوبه کمیسیون مجمع، معامله صحیح است و فقط قابل اعتباربخشی در دادگاه‌ها نیست. با چنین شرایطی نمی‌توان انتظار تغییر در موضوع را داشت. شاید باید مصلحت را جور دیگری تعریف کرد.

چهارشنبه ۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

چهارشنبه ۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

دالانی که ترکیه به‌دنبال ایجاد آن در ارمنستان است، کارکرد امنیتی دارد

زنگه‌زور ناتو

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

از همان ابتدای جنگ آذربایجان و ارمنستان، تهران پی به پشت‌پرده این جنگ و طراحی‌های بعدی برای آن برده بود که تغییر ژئوپلیتیک منطقه را خط قرمز خود خوانده بود. برخلاف توافقنامه آتش‌بس که در آن از باز کردن مرزها و راه‌های حمل‌ونقلی سخن به میان آمده است، آنکارا و باکو از کریدوری سخن می‌گویند که می‌خواهد با اشغال بخشی از خاک ارمنستان، نخجوان را به خاک اصلی متصل کند. رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه که بلافاصله پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، باگلایه ایران را تنها مخالف طرح خوانده بود، روز گذشته پس از پایان سفرش به نخجوان، این کریدور را «مساله راهبردی» برای ترکیه خوانده است. شاید این گفته درست باشد که ترکیه این کریدور را کلید آرزوهای خود برای تبدیل شدن به یک مسیر تجاری می‌داند که لندن و پکن را با خطوط راه‌آهن و بزرگراه‌ها به یکدیگر وصل می‌کند، اما همه آن نیست. سماجت آنکارا بر ایجاد کریدور، جدا از قطع دسترسی ایران به اروپا از مسیر ارمنستان، از منظر امنیتی نیز تهدید بسیار بزرگی علیه ایران است. جدا از ترکیه که عضو قدیمی ناتو است، جمهوری آذربایجان درخواست عضویت در ناتو داده است. اگر این درخواست به هر دلیل از سوی این ائتلاف نظامی تایید شود، ناتو چسبیده به شهرهای ایران حضور پیدا و بزرگ‌ترین تهدید را علیه ایران فعال خواهد کرد. با وجود این اردوغان تنها به مساله اقتصادی این کریدور اشاره می‌کند و می‌خواهد طرف ارمنی را ناچار به پذیرش آن کند. او روز گذشته گفت که «ترکیه از کریدور صلح‌آمیز بین آذربایجان و ارمنستان برای اتصال نخجوان حمایت می‌کند، اما اگر ایروان با چنین چیزی مخالفت کند، کریدور می‌تواند از ایران عبور کند که این ایده‌ای مثبت است.»

۱ اظهارات اردوغان نشان می‌دهد یک جای کار می‌لنگد. او به فریبکاری روی آورده است. اگر منظور ترکیه و آذربایجان از فشارها و مذاکرات با ارمنستان صرفا عبور یک کریدور با مواهب اقتصادی بود، ارمنی‌ها به سرعت آن را می‌پذیرفتند. مشکل آنجا بود که اردوغان و علی‌اف کنترل بر این کریدور یا به عبارتی همان انتزاعش از خاک ارمنستان را می‌خواستند. همچنین اگر هدف از کریدور زنگه‌زور صرفا تجارت بود، آیا ارزش رویارویی با قدرت نظامی ایران و روسیه را داشت؟ این تقابل جویی فراتر از مواهب مادی یک کریدور است.

۲ برای مدت‌ها آذربایجان از طریق خاک ایران به‌راحتی با نخجوان مرتبط بوده است، همچنین بخش بزرگی از نیازهای نخجوان و بخش‌هایی از خاک اصلی آذربایجان از طریق شهرهای مرزی ایران تامین می‌شدند. این موارد نشان می‌دهد نه نخجوان به‌گونه‌ای تحت فشار است که نیازی به ایجاد دسترسی به آن باشد و نه ایران از عبور و مرور میان آذربایجان با نخجوان و ترکیه جلوگیری می‌کند. این گفته اردغان که اگر ارمنستان حاضر به بازگشایی زنگه‌زور نشود، ایران حاضر است میزبان این مسیر باشد، نوعی فریبکاری است. ایران اگر قرار بر عبور کریدوری از خاکش باشد، این کریدور را سال‌هاست در اختیار آذربایجان و ترکیه قرار داده است. اگر اردوغان و علی‌اف بخواهند کریدوری از خاک ارمنستان بکشانند، می‌توانند اما مشکل اصرار آنها بر کنترل کامل بر این مسیر است.

وزیر خارجه ارمنستان هفته گذشته در مجمع عمومی سازمان ملل گفت: «تحمیل اجباری یک کریدور فراسرزمینی به ارمنستان، کریدوری که از خاک ارمنستان می‌گذرد اما خارج از کنترل ما خواهد بود، برای ما غیرقابل قبول است و باید برای جامعه بین‌المللی نیز غیرقابل قبول باشد.»

۳ آمریکا به ارمنستان دروغ می‌گوید. به نظر نمی‌رسد پاشینیان و همفکرانش از این دروغ‌گویی بی‌خبر باشند. آمریکا، اتحادیه اروپا، آلمان و فرانسه که نسبت به موضوع قره‌باغ موضع‌گیری کرده‌اند، چگونه دربرابر پاکسازی نژادی جمهوری داخلی آرتساخ که در داخل خاک آذربایجان واقع شده، هیچ واکنشی از خود نشان نداده‌اند، درحالی‌که یک نهیب عملی آنها می‌توانست باکو را به عقب براند. واشنگتن احتمالا تلاش دارد خود را در نقش حامی ارمنی‌های مسیحی نشین دربرابر مسلمانان وارد قضایای قفقاز کند و سپس خود را در نقش حکم میان آذربایجان و ترکیه بنشاند و در آینده احتمالا کنترل کریدور زنگه‌زور را در دست گیرند. ارمنستان با کنترل روسیه بر کریدور زنگه‌زور موافق بود. روس‌ها درصورتی‌که کنترل این کریدور را در دست می‌گرفتند با طرح ترکیه و آذربایجان مخالفتی نداشتند اما آنکارا و باکو بر کنترل مستقیم خودشان بر مسیر تاکید کردند. احتمال دارد اگر ارمنستان به جای روسیه، آمریکا را کنترل‌کننده کریدور معرفی کند، ترکیه و آذربایجان این دفعه با آن موافقت کنند. این یک طرح برنامه‌ریزی شده توسط ناتو است.

۴ در بین احتمالات، یک احتمال دیگر نیز وجود دارد. ترکیه و آذربایجان پس از آنکه آمادگی ایران برای جلوگیری از تغییر در مرزها و ژئوپلیتیک قفقاز را مشاهده کردند، به‌عنوان یک راهکار موقت، فعلا به ایجاد کریدوری خارج از کنترل خود در ایران یا ارمنستان رضایت داده‌اند. ایجاد این کریدور ضمن آنکه به‌ظاهر باعث انجام شدن وعده داده شده توسط حاکمان ترکیه و آذربایجان می‌شود، به‌زعم سران این دو کشور می‌تواند به‌مرور باعث کاهش حساسیت‌های ایران و دیگران نسبت به اقدام آتی باکو و آنکارا برای دست‌اندازی به جنوب ارمنستان باشد. هرچند نقشه فعلا بعید است و احتمال بالاتر ورود آمریکا به‌عنوان کنترل‌کننده اصلی کریدور است.

۵ آنچه مشخص است، تنش‌ها در قفقاز ادامه‌دار خواهد بود، زیرا تنش‌ها عامل و بهانه‌ای برای ورود کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا و فرانسه به مناسبات منطقه بودند. آنچه این حضور را حفظ و توسعه می‌دهد، تداوم تنش‌ها و بی‌ثباتی در منطقه است.

۶ غرب درحال حاضر با موفقیت درخصوص ارمنستان مواجه شده است. ارمنستان از سال ۲۰۱۸ که پاشینیان سوار بر موج اعتراضات خیابانی به ریاست دولت رسید، گردش خود به سمت غرب را آغاز کرد و در سال جاری این روند باعث ایجاد واگرایی شدیدی با روسیه شد. مسکو خود نیز دست به اشتباهاتی زد، ازجمله حمایت ناکام از حمله نظامی آذربایجان به نیروهای ارمنی در قره‌باغ؛ تحرکی که ادامه کنترل مناقشات آن از دستان روسیه خارج شد. پاشینیان در هفته‌های اخیر به‌شدت به روسیه تاخته و درحال تبلیغ این مساله است که اتکای امنیتی ارمنستان به روسیه باعث شکست‌های اخیر شده و این کشور باید به غرب روی بیاورد. به دنبال وقایع اخیر در قفقاز، روسیه عملا در ارمنستان و آذربایجان با مشکل مواجه شده است. ارمنستان با تیغ عریان به روسیه تاخته و ارتش آذربایجان نیز با حمله به جمهوری داخلی ارمنی‌نشین آرتساخ در شمال قره‌باغ، ضمن ایجاد فشار حیثیتی علیه روسیه که حفاظت از این منطقه را برعهده داشته، عملا حضور آتی روس‌ها در این منطقه را با تهدید مواجه کرده است.

۷ این احتمال وجود دارد که به‌بهانه تهدیدات نظامی ایران درخصوص جلوگیری از ایجاد کریدور و ایجاد موج، بهانه‌ای برای تقویت حضور نظامی ترکیه، رژیم صهیونیستی و ناتو در منطقه ایجاد شود. به‌کارگیری تهدید نظامی برای جلوگیری از اقدام نظامی برای اشغال جنوب ارمنستان اقدامی لازم است اما ایستایی آنها در مرز بدون هرگونه تحرکی در دیگر عرصه‌ها می‌تواند پیامدهای میان‌مدت و بلندمدت آن را به زیان ایران تنظیم کند. تهران باید در این میدان به بازیگری فعال تبدیل شود.

گفت‌وگوی تلفنی رئیسی و پوتین درمورد تحولات قره‌باغ

خبرگزاری اسپوتنیک گزارش داد ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه درمورد جدیدترین تحولات مربوط به منطقه قره‌باغ با سیدابراهیم رئیسی، رئیس جمهور ایران تلفنی گفت‌وگو و رایزنی کرد. به گزارش ایرنا، این رسانه روسی گزارش داد روسای جمهور روسیه و ایران درباره وضعیت کنونی منطقه قره‌باغ گفت‌وگو کردند. براساس این گزارش، هر دو طرف علاقه خود را برای فعال کردن چهارچوب مشورتی «۳+۳» (آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، روسیه، ایران و ترکیه) ابراز کردند. کاخ کرملین نیز طی بیانیه‌ای عنوان کرد در مورد گام‌هایی برای حصول اطمینان از عضویت کامل ایران در گروه بریکس و انجام فعالیت‌های تمام عیار مربوط به آن در این گفت‌وگوی تلفنی مسائلی مطرح شد. براساس اعلام کاخ کرملین، پوتین از فعالیت‌های نیروهای حافظ صلح روسیه از جمله ارائه کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان و حفاظت از حقوق و امنیت مردم ارمنی قره‌باغ به رئیسی اطلاع داد. روسای جمهور روسیه و ایران همچنین بر اهمیت حل‌وفصل همه مناقشات منحصرا از راه‌های مسالمت‌آمیز، سیاسی و دیپلماتیک تاکید کردند. براساس گزارش اسپوتنیک، در جریان این تماس تلفنی، نسبت به ماهیت سازنده و دوجانبه سودمند همکاری‌های روسیه و ایران ابراز خرسندی شد و تقویت بیشتر روابط تجاری و اقتصادی، ارتقای پروژه‌های مشترک بزرگ در حوزه‌های انرژی و حمل‌ونقل و همچنین گسترش ارتباطات بین محافل تجاری و مبادلات گردشگری دو کشور مورد تاکید رئیسی و پوتین قرار گرفت. به گزارش ایرنا، جمهوری اسلامی ایران اخیرا از توافق بین جمهوری آذربایجان و نمایندگان ارامنه ساکن قره‌باغ ابراز خرسندی کرده است. این توافق پس از آن به دست آمد که باکو یک عملیات نظامی را برای به دست گرفتن کنترل کامل این منطقه در هفته گذشته ترتیب داد.

وفیق صفا، چهره مطرح امنیتی حزب‌الله لبنان که مسئولیت کمیته ارتباطات این گروه را برعهده دارد:

بازدارندگی اسرائیل به صفر رسیده است

حزب‌الله لبنان در دل آتش فعالیت می‌کند. این ویژگی محیطی موجب شده چگونگی فعالیت حزب‌الله یا زندگی اعضای برجسته آن که اغلب تحت‌تدابیر شدید امنیتی قرار دارند، موضوعی جذاب باشد. حزب‌الله در منطقه‌ای دربرابر رژیم صهیونیستی ایستاده که ده‌ها هزار عنصر مزدور داخلی در این کشور اضافه بر صهیونیست‌ها در مقابلش صف‌آرایی کرده‌اند؛ نیروهایی که توسط دستگاه نظامی آمریکا حمایت می‌شوند که در اردن، عراق و شرق سوریه مستقر است. این صف‌آرایی در شرایطی است که لبنان تنها ۱۰ هزار و ۴۵۲ کیلومتر وسعت دارد. (معادل ۹۰ درصد وسعت استان قم)

خبرگزاری تسنیم چندماه پس از گفت‌وگو با سیدهاشم صفی‌الدین رئیس شورای اجرایی حزب‌الله لبنان به‌تازگی با حاج وفیق صفا، چهره مطرح امنیتی این تشکیلات گفت‌وگو کرده است. صفا نقش برجسته‌ای به‌عنوان مذاکره‌کننده ارشد حزب‌الله لبنان در پرونده‌های متعدد سیاسی و نظامی داشته و به‌عنوان صندوقچه اسرار حزب‌الله و مقاومت اسلامی لبنان شناخته می‌شود. او درحال‌حاضر مسئولیت کمیته ارتباط و هماهنگی حزب‌الله را برعهده دارد. در ادامه گزیده‌ای از بخش‌های پراهمیت این گفت‌وگو را می‌خوانید.

عملیات تاریخی مبادله اسرا در سال ۲۰۰۸

صهیونیست‌ها در تبادل اسرا دو اصل اساسی دارند؛ اولا در تبادل، اسرائیلی‌ها، اسرا را دربرابر اسرا و اجساد را در ازای اجساد تبادل می‌کنند. ثانیا اینکه آنها هرگز حاضر به آزادی افرادی نمی‌شوند که دست به عملیات ضدصهیونیستی زده‌اند و سپس به اسارت درآمده‌اند. عملیات مبادله سال ۲۰۰۸ این دو اصل اسرائیلی‌ها را از میان برداشت، حتی به صهیونیست‌ها هم دروغ نگفتیم اما وضعیت اسرای اسرائیلی را مبهم نگاه داشتیم. نهایتا دو صهیونیست مرده را تحویل دادیم و اسرای بسیاری را تحویل گرفتیم. این یکی از موفق‌ترین عملیات‌های تبادل ما بود. اسرائیل بهای بسیار سنگینی پرداخت.

موضع مقاومت دربرابر مرزهای دریایی

همان‌گونه که سابقا عرض کردم در این خصوص مجددا تاکید می‌کنم که حزب‌الله در این مورد از دولت لبنان حمایت می‌کند. هر آنچه دولت بگوید، خط ۲۳، خط ۲۹، خط ۳۰، ما از دولت حمایت می‌کنیم. همان‌طور که سیدحسن نصرالله در سال ۲۰۰۰ موضع خود را درخصوص تعیین مرزهای زمینی این‌گونه بیان کرد: «ما در مرزبندی دخالت نمی‌کنیم، ما پشت‌سر مرزها و موضع دولت ایستاده‌ایم، زیرا اگر قرار باشد حزب‌الله بخواهد در روند تعیین مرزهای زمینی یا دریایی دخالت کند، هیچ‌یک از مرزها را به‌رسمیت نخواهد شناخت، از نظر حزب‌الله همه سواحل فلسطین، متعلق به فلسطین است.» مورد دوم اینکه چه زمانی سیدحسن نصرالله در این پرونده دخالت کرد؟ زمانی که احساس کرد طرف اسرائیلی به قوانین احترام نمی‌گذارد و در نظر دارد بدون توافق با لبنان، نفت و گاز استخراج کند، نمی‌شود که شما به‌عنوان اسرائیل اجازه استخراج نفت را داشته باشید و لبنان از آن محروم باشد، از همین رو نصرالله اعلام کرد درصورتی‌که اسرائیلی‌ها بدون توافق با لبنان نفت یا گاز استخراج کنند، با عملیات نظامی حزب‌الله مواجه خواهند شد.

شواهدی از بازدارندگی نابودشده رژیم صهیونیستی

در زمان حاضر بسیار زود است که سرنوشت نبرد آتی را پیش‌بینی کنیم... کسی نمی‌تواند این مساله را پیش‌بینی کند. آنچه مشخص است این است که اسرائیل در یک بحران حاکمیتی به سر می‌برد... ثانیا با یک تهدید داخلی به‌نام فلسطین دست‌وپنجه نرم می‌کند... در خارج از مرزها با تهدید لبنان روبه‌روست... در سطح منطقه‌ای از سوی محور مقاومت احساس خطر می‌کند... درواقع دشمن صهیونیستی با یک تهدید حیاتی و وجودی مواجه است. ثالثا بحران حاکمیتی داخل اسرائیل وجود دارد... وقتی همه این امور را کنار هم بگذاریم، نتیجه همان چیزی می‌شود که شاهد آن هستیم، درنتیجه بازدارندگی‌ای که اسرائیل پیش از این از آن بهره‌مند بود، دچار فرسایش شده و به نقطه صفر رسیده است... . دلیل این مدعا چیست؟ نگاه کنید که اسرائیل در مقابل غزه چه‌کاری پیش‌برد؟ ارتش اسرائیل با جنین، کرانه باختری و مرزهای شمالی چه کرد؟ اسرائیل با چادری که حزب‌الله آن را در خاک لبنان قرار داد و آنها ادعا دارند که خاک آنهاست، چه کار کرد؟ اسرائیل بابت این چادر چه کرد؟ در ابتدا دادوبیداد و تهدید کرد و به یونیفل گفت ساعت هشت می‌آید تا چادر را جمع کند و نیامد... سپس گفت ساعت ۱۰ خیمه را برمی‌دارد... دوباره تا ساعت ۱۲ به تعویق انداخت... ولی باز هم نیامد، بعدا گفت ساعت سه این کار را انجام می‌دهد... درنهایت گفت: «من فضا را برای مذاکره باز خواهم‌گذاشت.» این گواه چیست؟ نشانه آن است که اکنون دربرابر اسرائیل نیرویی بازدارنده وجود دارد... وقتی از این موضوع مطلع شدیم در حالت آماده‌باش بودیم... اینجا سرزمین لبنان است و این چادر، متعلق به لبنان است، حتی دست زدن به آن ممنوع است.

مدرسه‌عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
ارائه مدرک معتبر و رسمی از مدرسه عالی مهارتی دانشگاه آزاد اسلامی

نوبت اول
آگهی مزایده
دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهربابک براساس مجوز شماره ۰۷/۲۵/۳/۱۸۸۷۱ تصمیم به واگذاری استخرهای پرورش ماهی خود از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط مندرج در اسناد مزایده به‌صورت اجاره یک‌ساله را دارد. متقاضیان در صورت تمایل از تاریخ درج این آگهی به مدت ۱۰ روز کاری جهت بازدید اماکن مورد مزایده و دریافت اسناد مربوطه به اداره امور مالی این واحد دانشگاهی واقع در شهربابک– بلوار خلیج‌فارس– مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهربابک – قسمت امور مالی مراجعه نمایند. - ارائه ضمانت‌نامه بانکی معتبر در وجه دانشگاه به میزان ذکرشده در اسناد مزایده یا واریز به حساب اعلام‌شده - دانشگاه در رد یا قبول یک یا تمامی پیشنهادات مختار است. هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده خواهد بود. شماره تماس: ۰۳۴۳۴۱۲۱۲۰۹
روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهربابک

بانک مسکن
مناقصه عمومی دومرحله‌ای
شماره مناقصه: ۴۸/۱۴۰۱/۱۳۶
مناقصه عمومی دومرحله‌ای واگذاری امور پشتیبانی، سرویس و نگهداری، همراه با تامین قطعات یدکی (به هزینه شرکت) تجهیزات موتورخانه سرد، برق، موتورخانه گرم، سیستم تهویه مطبوع، تجهیزات مکانیکی، اعلام و اطفاء حریق، کنترل تردد، تجهیزات برقی و... (مرکز داده اصفهان) طبق مشخصات و اوصاف مندرج در قرارداد و ضمائم پیوست به شماره ۴۸/۱۴۰۱/۱۳۶ (تجدید شده) نوبت اول
۱- نام، نشانی و اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گذار: بانک مسکن به نشانی تهران، خیابان نلسون ماندلا (آفریقا)، بالاتر از چهارراه اسفندیار، خیابان ارمغان شرقی (هادی پرویز)، پلاک ۸، ساختمان ادارات کل مرکزی بانک مسکن، طبقه دوم، دبیرخانه کمیته عالی قبول معاملات و مناقصات تلفن: ۲۶۲۰۵۷۳۸ و ۷۵۳۵۸۲۲۵
۲- نوع، کمیت و کیفیت خدمات (موضوع مناقصه): مناقصه عمومی دومرحله‌ای واگذاری امور پشتیبانی، سرویس و نگهداری، همراه با تأمین قطعات یدکی (به هزینه شرکت) تجهیزات موتورخانه سرد، برق، موتورخانه گرم، سیستم تهویه مطبوع، تجهیزات مکانیکی، اعلام و اطفاء حریق، کنترل تردد، تجهیزات برقی و... (مرکز داده اصفهان) طبق مشخصات و اوصاف مندرج در قرارداد و ضمائم پیوست.
۳- نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۵,۱۷۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پنج میلیارد و یکصد و هفتاد میلیون ریال) که لازم است به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی بدون قید و شرط یا رسید واریز نقدی به حساب شماره ۸۴۴۹/۸ به نام اداره کل حسابداری یا تودیع اوراق مشارکت منتشرشده توسط بانک مسکن ارائه گردد.
۴- توضیحات: بانک مسکن در نظر دارد مناقصه عمومی دومرحله‌ای فوق را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. زمان انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۴ می‌باشد.
بانک مسکن
شماره شناسه ۱۵۷۳۰۲۰
شماره م.الف ۲۵۳۴

فرهیختگان ورزشی
شماره مسلسل ۴۷۰۵
چهارشنبه ۵ مهر ۱۴۰۲
۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۵
۲۷ سپتامبر ۲۰۲۳
شماره ۳۹۶۷
| Wed | 27 Sep 2023 | vol.15 |
No. 3967 | 16 Pages

تازه‌ترین وعده اسپانسر سابق: یک‌ماهه تسویه می‌کنیم

نخستین پرداختی اسپانسر جدید و پایان اعتصاب

طلا در تور

والیبال اولین طلای کاروان ایران را در بازی‌های آسیایی هانگژو کسب کرد

عصبانیت مربی خارجی استقلال: چرا باشگاه با من روراست نیست؟

در دنیای موازی گلر پرسپولیس او می‌تواند برای کل فوتبال هواداران، مدیر و سرمربی تعیین‌تکلیف کند

فیلم بیرو ۲

احضار بیرانوند به کمیته انضباطی پرسپولیس

عکس: داوید نیکپور | فرهیختگان

عکس: سیدوحید حسینی | فرهیختگان

تازه‌ترین وعده اسپانسر سابق: یک‌ماهه تسویه می‌کنیم

نخستین پرداختی اسپانسر جدید و پایان اعتصاب

چه کسی استقلال امسال را نابود کرد؟

محمدرضا حاجی‌عبدالرزاق
خبرنگار گروه ورزش

تیم فوتبال استقلال درحالی همچنان به کار خود ادامه می‌دهد که به نظر می‌رسد در روزهای اخیر گشایشی از لحاظ مسائل اقتصادی برای این تیم ایجاد شده باشد. استقلالی‌ها که با یک اسپانسر موقت (شرکت تمشک) کار را آغاز کرده‌اند بعد از ۴ دیدار به مذاکرات خود با شرکت‌های معتبر و بزرگ‌تر ادامه داده و سرانجام موفق شده‌اند با یک قرارداد سه‌ساله با یکی از اپراتورهای تلفن همراه به نام رایتل به توافق برسند و با این شرکت قرارداد ببندند. نکته قابل توجه اینکه طی روزهای گذشته از حواشی ایجادشده درخصوص اسپانسر قبلی استقلالی‌ها از بالاگرفتن کار بین باشگاه با این شرکت خبر دادیم. درواقع این اسپانسر که متعهد شده بود برای چهار بازی ابتدایی فصل ۲۰ میلیارد تومان به استقلال بپردازد و به همین منظور دو چک به مبالغ ۱۲٫۵ و ۷٫۵ میلیارد به سر رسید تاریخ‌های بیستم و سی‌ام شهریورماه در وجه باشگاه استقلال صادر کرد، با سپری شدن این دو تاریخ، این شرکت وعده داده بود تا این دو چک در تاریخ هفتم مهرماه پاس شود. حتی در این خصوص خبر دادیم که به نظر می‌رسد استقلالی‌ها امید چندانی به وصول مطالبات خود ندارند، با این حال با توجه به ضمانت‌های سفت و سختی که باشگاه استقلال از این شرکت به دست دارد، می‌تواند با کشاندن کار به مراجع ذی‌صلاح به اندازه ۲۰ میلیارد تومان از این شرکت خسارت دریافت کند. با این حال به تازگی از باشگاه استقلال خبر می‌رسد که گویا این شرکت در تازه‌ترین وعده خود به استقلالی‌ها به آنها قول داده تا یک ماه آینده بدهی خود به آبی‌ها را پرداخت و با آنها تسویه حساب کند، حتی به همین منظور شنیده می‌شود این پرداختی‌ها از روزهای قبل آغاز شده و قرار است طی یک ماه طبق این وعده با استقلالی‌ها به تدریج تسویه شود. درحالی برخی رسانه‌ها از ادامه همکاری این شرکت با استقلال خبر می‌دادند که درنهایت بدقولی‌ها و نگرفتن مجوز لازم باعث شد استقلال به سمت و سوی مذاکره با اسپانسرهای جدید برود.

تسویه حساب شدنی است؟

همچنین درباره رایتل اسپانسر جدید استقلال شنیده می‌شود این اپراتور تلفن همراه از روز گذشته پرداختی‌های خود را آغاز کرده و قرار است در گام اول مبلغ قابل توجهی را به باشگاه تزریق کند.

در این خصوص باشگاه استقلال اقدامات لازم برای پرداختی به بازیکنان را آغاز کرده و احتمالا با مبلغ واریزی از سوی رایتل، اقدامات اولیه برای تسویه حساب مطالبات فصل گذشته با بازیکنان این تیم در دستور کار قرار خواهد گرفت. شنیده می‌شود احتمالا در این مرحله واریزی به بازیکنان استقلال، برخی از آنها حتی درصد کمی از قرارداد فصل جدید خود را نیز دریافت خواهند کرد. به این ترتیب به نظر می‌رسد شرایط از لحاظ مالی برای استقلالی‌ها بهتر شده و درنهایت پس از ۵ روز اعتصاب، تمرینات شاگردان نکونام از سر گرفته خواهد شد. البته مجموع مبلغ مطالبات بازیکنان به‌طور قطع از اولین پرداختی اسپانسر جدید تا حدودی بیشتر است و مشخص نیست چطور قرار است این وعده یعنی تسویه حساب با بازیکنان با پرداختی فوق عملی شود.

حجت از همه جا بی‌خبر!

نکته قابل توجه اینکه استقلالی‌ها امسال درحالی با مشکل سقف بودجه مواجه شده‌اند که بسیاری از هواداران و برخی استقلالی‌های سابق توپ تقصیرات را به زمین آجورلو انداخته‌اند و وی را از بابت افزایش بی‌رویه قراردادهای بازیکنان که باعث شده این تیم با بدهی‌های سرسام‌آوری مواجه شود، مدیرعامل اسبق استقلال را مقصر می‌دانند. البته واقعیت امر می‌تواند مرتبط با همین موضوع باشد اما نکته مهمی که باعث شده استقلال در فصل جاری به حال و روز فعلی دچار شود تا حدود زیادی به اقدامات سرپرست سابق باشگاه مربوط می‌شود که بدون توجه به مجموع مبلغ قرارداد بازیکنان این تیم در فصل جدید، در جلسه با مسئولان فدراسیون فوتبال با مدیران باشگاه‌ها، زیر بار خواسته فدراسیون درخصوص امضای صورتجلسه سقف بودجه ۳۱۰ میلیاردی رفته و تعهد می‌دهد اما بعدا از اینکه باشگاه استقلال با مجموع قراردادی حدود ۲۰۰ میلیارد بیشتر از سقف بودجه‌ای که فدراسیون آن را الزام کرده است، ابراز بی‌اطلاعی می‌کند. درواقع مشکل استقلال از جایی آغاز شد که با توجه به قرارداد سال گذشته ۴۸۰ میلیاردی استقلالی‌ها که برای فصل جدید با توجه به تورم موجود حداقل به ۵۳۰ میلیارد افزایش پیدا کرد. کریمی بدون توجه به این موضوع که چطور تیمی که می‌خواهد تقویت شود باید ۲۱۸ میلیارد به صورت طبیعی از هزینه‌های فصل جدید خود را کاهش دهد، در جلسه با مسئولان فدراسیون زیر بار قانون جدید رفته و بدون اعتراض یا اعلام کوچک‌ترین ابراز گلایه یا نگرانی، صورتجلسه تصویب این قانون را امضا می‌کند. جالب اینکه با جدایی قایدی و محبی تا حد زیادی از این سقف آزاد شده اما ورودی‌های جدید در زمان کریمی باعث می‌شود دوباره این سقف به مرز برسد.

برگزاری جلسه هیات‌مدیره در هاله‌ای از ابهام

همچنین از باشگاه استقلال خبر می‌رسد که قرار است به‌زودی اعضای هیات‌مدیره این باشگاه جلسه‌ای را ترتیب دهند تا برخی اقدامات جدید اقتصادی باشگاه مورد بررسی قرار گیرند و اعضا درباره آنها به جمع‌بندی‌های لازم برسند. این جلسه به گفته یکی از اعضای هیات‌مدیره درحالی قرار است امروز و فردا برگزار شود که سایر اعضا نسبت به زمان برگزاری آن اعلام بی‌اطلاعی و از زمان آن ابراز بی‌خبری کرده‌اند. جلسات قبلی هیات‌مدیره به خاطر غیبت رئیس هیات‌مدیره باشگاه برگزار نشده و احتمالا جلسات بعدی به همین سرنوشت دچار خواهند شد. به نظر می‌رسد استقلالی‌ها برای برگزاری جلسات هیات‌مدیره خود با مشکلات عدیده‌ای برخوردار باشند و برخی موانع فعلا باعث شده زمان جلسه بعدی آبی‌ها در هاله‌ای از ابهام باشد.

یکی به بیرانوند حرف نزدن یاد بدهد!

یادداشت

هومن جعفری
خبرنگار

سرانجام طلسم طلای آسیا شکست و تیم ملی والیبال ایران با هدایت بهروز عطایی به مدال زرد رنگ بازی‌های آسیایی هانگژو دست یافت. حذف بسیاری از ملی‌پوشان مدعی در رشته‌های مختلف سبب شد برای کسب طلای نخست اینقدر معطل شویم اما سرانجام نخستین مدال خوشرنگ به چنگ آمد. بیشتر از اینکه عطایی یا داورزنی یا والیبال به این مدال نیاز داشته باشند، کاروان ایران بود که این مدال را جشن گرفت و فریاد زد. طلای اول برای روحیه دیگر ورزشکاران اهمیت بالایی دارد و فشار و استرس را از روی بقیه ورزشکاران کم می‌کند. امید که خیلی زود شاهد صید مدال طلا توسط دیگر ورزشکاران باشیم.

جز اظهار تاسف نسبت به سخنان بیرانوند در برنامه تلویزیونی «فوتبال برتر»، واژه دیگری سراغ ندارم. این میزان از طلبکار بودن از زمین و زمان، از یک فوتبالیست بعید است. واقعا اینجا جایش نیست که بخواهم تک تک سخنان او را نقد کنم که خودش مثنوی هفتاد من کاغذ است. فقط دعا می‌کنم فوتبالیست‌های فوق حرفه‌ای ما با میلیاردها تومان درآمد سالانه و حتی ماهانه، یاد بگیرند که قبل از حضور در برنامه‌های اینچنینی از مشاوران مختلف کمک بگیرند و هر حرفی را بر زبان نیاورند. نیاز به طلبکار بودن از زمین و زمان نیست.

نکته مهم: همین صحبت‌هایی که بیرانوند درمورد هوادار متمول انجام داد، خودش رسما می‌تواند برای باشگاه‌های دیگر سند و مدرک گذر این تیم از سقف قرارداد باشد!

الهه منصوریان در پاسخ به این سوال که چرا کار حریفش را در همان راند نخست تمام نکرد گفت: «بعد از سال‌ها به دلیل اینکه حریف ما هم لباس مناسبی داشت و مسابقه‌ام پخش زنده بود به خاطر همین دوست داشتیم ووشو را به مردم ایران نشان دهیم.»

تلخ‌ترین جمله‌ای است که یک ورزشکار بین‌المللی مثل الهه منصوریان می‌تواند بیان کند. اینکه دوست دارد در تلویزیون سرزمین مادری خودش بیشتر دیده شود! حقیقتا نوشتن در این مورد کار آسانی نیست!

جلسه مهدی تاج و جواد نکونام، سرانجام رقم خورد. از استقلالی جماعت که آبی گرم نشد مگر اینکه رئیس فدراسیون پای صحبت‌های سرمربی این تیم بنشیند و شاید برای حل اختلافات او با خطیر پا به میدان بگذارد. اوضاع استقلال مطلوب نیست. تا امروز بارها و بارها پیش آمده که سرمربی و مدیر تیم آب‌شان با هم در یک جوی نرفته اما این بار دیگر نوبر است. امید که این جلسه باعث ایجاد یک برون‌رفت شود.

با نزدیک شدن به زمان برگزاری هفته دوم مسابقات لیگ قهرمانان آسیا، بسیار نگران وضعیت چمن و میزبانی نمایندگان کشورمان هستیم. وضعیت چمن آزادی که بهتر نخواهد شد. ببینیم اصفهان در میزبانی تیم پرمهره الاتحاد آبروداری خواهد کرد یا نه! دست‌کم خیال همه راحت است که ورزشگاه نصف جهان را با استخر و دریاچه آب نداده‌اند و در نتیجه کیفیت چمنش مطلوب مانده!

تبعات حرف‌های حاشیه‌ساز مرد شماره یک

بیرانوند در کمیته انضباطی پرسپولیس

دروازه‌بان شماره یک تیم ملی باز هم خبرساز شد. این بار نه به خاطر مصدومیت یا فسخ قرارداد یک طرفه با باشگاه پرسپولیس بلکه با صحبت‌هایش درمورد مسائل مختلف پیرامون باشگاهش. علیرضا بیرانوند دوشنبه‌شب خیلی از سوالات مجری برنامه «فوتبال برتر» را بدون فکر جواب داد و الان باید جوابگوی برخی صحبت‌هایش باشد. رضا درویش از برخی صحبت‌هایی که علی بیرو در این برنامه درمورد خودش و باشگاه پرسپولیس داشته خوشش نیامده و به این خاطر قصد دارد او را از طریق کمیته انضباطی باشگاهش احضار کند. البته این کمیته پیش از این هم نفراتی چون کمال کامیابی‌نیا، سیامک نعمتی و امیرعالیشاه (سال گذشته) را احضار کرده بود اما درنهایت رایی درمورد آنها صادر نکرد. در شرایط فعلی هم اگر بیرانوند به کمیته انضباطی باشگاه پرسپولیس احضار شد خیلی نباید این قضیه را جدی گرفت. ناگفته نماند احتمال احضار میلاد سرلک به خاطر دریافت دو کارت زرد بی‌دلیل در بازی پرسپولیس و النصر هم وجود دارد و در این مورد قرار است یحیی گل‌محمدی تصمیم بگیرد.

عصبانیت مربی خارجی استقلال در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: چرا باشگاه با من روراست نیست؟

موضوع چیست که ویزایم اوکی نمی‌شود؟

یوسو سسما، مربی بدنساز و اسپانیایی استقلال که بعد از بازی با استقلال خوزستان راهی زادگاهش شده بود، هنوز به تهران بازنگشته و این درحالی است که استقلال بعد از این بازی جلسات تمرینی متعددی را پشت سر گذاشته و دو بازی دوستانه نیز با تیم‌های صنعت نفت و گل‌گهر را پشت سر گذاشت. درواقع حدود سه هفته‌ای می‌شود که این مربی خارجی که از ابتدای کار نکونام در خونه به خونه تا به امروز نکونام را همراهی کرده راهی کشورش شده و هنوز هم به تهران بازنگشته است.

جالب اینجاست در روزهای اخیر که تمرینات استقلال توسط بازیکنان تحریم‌شده اعضای کادر فنی به جز سسما و پسرش که هنوز موفق به بازگشت به تهران نشده‌اند در تمرین حاضر می‌شوند. با این حال این ابهام همچنان وجود دارد که دلیل غیبت یوسو و پسرش در تمرین استقلال چیست؟ نکته قابل توجه اینکه کیانوش رحمتی یکی از اعضای کادر فنی تیم استقلال در این خصوص در گفت‌وگویی اعلام کرده بود: «دلیل این تاخیر برای ما هم مبهم است. باید برنامه‌ریزی درستی صورت می‌گرفت. او یکی از مربیان مهم و اثرگذار تیم است که امیدواریم هر چه زودتر به ایران برگردد. در باشگاه بزرگی مثل استقلال نباید شاهد مشکلات اینچنینی باشیم. باید از قبل هماهنگی‌ها صورت بگیرد.»

جالب اینکه باشگاه استقلال در سایه تلاش برای عقد قرارداد با بلانکو و مذاکره با ماشاریپوف هیچ توضیحی در غیبت این دو نفر در تمرین استقلال نداده است. اما واقعیت ماجرا چیست؟ طبق شنیده‌های خبرنگار «فرهیختگان» باشگاه استقلال برای گرفتن ویزای توریستی برای یوسو سسما و فرزندش اقدام لازم را به عمل آورده است این درحالی است که معمولا این نوع ویزا سه چهارروزه صادر می‌شود اما هنوز این مساله پس از حدود سه هفته عملی نشده و با توجه به اینکه این مربی دفعه قبل با ویزا یکبار به ایران سفر کرده بود، برای بازگشت دوباره با محدودیت‌هایی مواجه شده است.

حال اینکه در این خصوص جریان چیست و چرا باشگاه در این باره اطلاع‌رسانی نمی‌کند بسیار مبهم بوده و موضوع را پیچیده کرده است.

در این خصوص یوسو سسما در گفت‌وگویی کوتاه با «فرهیختگان» در این مورد ضمن ابراز گلایه و ناراحتی از موانع موجود برای بازگشت به تهران و رفع نشدن این محدودیت‌ها تاکید کرد: «سه هفته هست به مرخصی آمده‌ام و هر روز می‌خوانم که می‌خواهند برایم ویزا بگیرند. مگر این اتفاق سه چهار روز بیشتر طول می‌کشد؟ چرا در باشگاه با من روراست نیستند و واقعیت را نمی‌گویند؟! واقعا موضوع چیست که ویزایم اوکی نمی‌شود؟»

پایان مصدومیت طولانی‌مدت مهاجم سابق قرمزها

علیپور در آستانه بازگشت به میادین

مهاجم ایرانی ژیل ویسنته روزهای پایانی دوری‌اش از میادین را سپری می‌کند و کم‌کم آماده بازگشت به مستطیل سبز می‌شود. درحال حاضر ۶ هفته از لیگ برتر پرتغال سپری شده و علی علیپور هنوز در تمرینات گروهی تیمش شرکت نکرده است. البته روند بهبودی این بازیکن خوب پیش رفته و کادر پزشکی باشگاه پرتغالی از این بازیکن خواسته یک ام‌آرآی از زانویش بگیرد تا بعد از بررسی وضعیتش مجوز حضور در تمرینات گروهی را برای این بازیکن صادر کند. اگر این مجوز صادر شود علیپور طی یکی، دو هفته آینده می‌تواند برای ژیل ویسنته به میدان برود. او خیلی امیدوار است که با بازگشت به ترکیب تیم پرتغالی شانس خود را برای حضور در جام ملت‌ها امتحان کند. کادر فنی تیم ملی اخیرا پیگیر وضعیت این بازیکن شده بودند و این نشان می‌دهد که امیر قلعه‌نویی، آقای گل سابق لیگ برتر را زیرنظر دارد. ژیل ویسنته که فصل پیش به سختی در لیگ برتر ماندنی شد، درحال حاضر از ۶ بازی موفق به کسب ۶ امتیاز شده و در رده دهم جدول به سر می‌برد.

نوبت دوم

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده

تاریخ انتشار آگهی: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵
شرکت تعاونی مسکن کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی سماء رودهن
به شماره ثبت ۲۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۰۱۰۵۳۰
آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت دوم
بدینوسیله از کلیه اعضا و نمایندگان قانونی اعضا دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت دوم برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۱/۱۲/۲۹ که رأس ساعت ۱۴ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۲۰ در محل رودهن بلوار امام خمینی به‌سمت تهران خیابان ملاصدرا خیابان پاسداران مجتمع فرهنگی وصال تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.
توجه: نمایندگان اعضا باید حداکثر تا ۲۴ ساعت پیش از برگزاری مجمع، از ساعت ۸ الی ۱۶ به‌همراه عضو اعطاکننده نمایندگی با در دست داشتن مدارک عضویت تعاونی و کارت شناسایی معتبر در محل دفتر شرکت تعاونی حاضر گردند. لازم به ذکر است جهت شرکت در جلسه مجمع، به همراه داشتن کارت عضویت الزامی است در غیر اینصورت همراه داشتن کارت ملی و اصل برگ سهام و درصورت داشتن وکالتنامه، اصل وکالتنامه الزامی می‌باشد.
دستور جلسه:
۱- بررسی و تصویب گزارش هیات‌مدیره و بازرس و حسابرس در خصوص عملکرد سال مالی ۱۴۰۱
۲- تصویب صورت‌های مالی برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۱/۱۲/۲۹
۳- تصویب بودجه برای سال مالی ۱۴۰۲
۴- تصمیم‌گیری در خصوص افرادی که آورده نقدی مصوب مجمع عمومی مورخ ۲۸ دی ۱۴۰۰ را تادیه ننموده‌اند.
۵- انتخاب بازرسان قانونی برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹
۶- انتخاب حسابرس مستقل برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹
۷- تعیین هزینه ثبت نقل و انتقالات سهام در تعاونی
۸- تصمیم‌گیری در خصوص قرارداد جعاله و حق‌الجعاله برای موضوعات مربوط به زمین
۹- اخذ مجوز جهت عقد توافقنامه جدید با شهرداری و تصمیم‌گیری در خصوص نحوه پیگیری مسائل حقوقی زمین تعاونی
۱۰- اخذ مجوز جهت برگزاری مناقصه طراحی و مناقصه اجرا
۱۱- تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی‌های تعاونی
هیات مدیره شرکت تعاونی مسکن
کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی سماء رودهن

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد انار درنظر دارد بهره‌برداری از سالن سینما و کلاس‌های جانبی آن (با کاربری آموزشی و فرهنگی هنری) را به متراژ تقریبی ۵۳۱ مترمربع با تمام امکانات و تجهیزات به‌صورت مزایده به بخش خصوصی واگذار نماید.
لذا از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می‌آید از تاریخ درج آگهی به مدت ۰۱ روز کاری جهت بازدید و دریافت اسناد به دفتر فنی دانشگاه واقع در ساختمان اداری -+ طبقه سوم مراجعه نمایند و پس از تکمیل، اسناد را به دفتر حراست واحد واقع در طبقه دوم ساختمان اداری تحویل دهند.
هزینه چاپ در روزنامه محلی و کشوری به عهده برنده مزایده می‌باشد. سایر شرایط در مدارک مزایده درج شده است جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۱۳۳۹۱۷۳۶۱ آقای بهارستانی حاصل فرمایید. آدرس دانشگاه: استان کرمان- شهرستان انار
روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد انار

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد انار درنظر دارد گلخانه‌های هیدروپونیک طرح گاتیک با ارتفاع ۷٫۵ متر این واحد دانشگاهی را به متراژ ۱۱۳۰۰ مترمربع با تمام امکانات و تجهیزات به‌صورت مزایده به بخش خصوصی واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می‌آید از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز کاری جهت بازدید و دریافت اسناد به دفتر فنی دانشگاه واقع در ساختمان اداری—طبقه سوم مراجعه نمایند و پس از تکمیل، اسناد را به دفتر حراست واحد واقع در طبقه دوم ساختمان اداری تحویل دهند. هزینه چاپ در روزنامه محلی و کشوری به عهده برنده مزایده می‌باشد. سایر شرایط در مدارک مزایده درج شده است جهت کسب اطلاعات بیشتر با ۰۹۱۳۳۹۱۷۳۶۱ آقای بهارستانی تماس حاصل فرمایید. آدرس دانشگاه: استان کرمان- شهرستان انار
روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد انار

صدای نخبگان، نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
روزنامه فرهیختگان
WWW.FDN.IR
فرهیختگان
farhikhteganonline

روزنامه فرهیختگان
صدای نخبگان
نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
فرهیختگان
FARHIKHTEGANONLINE
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

چهارشنبه ۵
شماره ۳۹۶۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

چهارشنبه ۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

در دنیای موازی گلر پرسپولیس، او می‌تواند برای کل فوتبال، هواداران، مدیر و سرمربی تعیین تکلیف کند

فیلم بیرو ۲

حمیدرضا اسکندری
خبرنگار گروه ورزش

پرسپولیس در فاصله کمتر از یک هفته مانده به دیدار حساس با الدحیل عصر روز گذشته در یک بازی دوستانه به مصاف نساجی مازندران رفت که این دیدار را با تک گل فرشید اسماعیلی به حریف شمالی خود واگذار کرد. در این دیدار یحیی گل‌محمدی نتوانست از بازیکنان مصدومش استفاده کند و بازیکنان ملی‌پوش امید این تیم هم قرار است در دوحه به اردوی سرخپوشان ملحق شوند.

نبیل فعلا اختصاصی تمرین می‌کند

نبیل باهویی خرید تحمیلی باشگاه پرسپولیس به کادرفنی سرخپوشان از روز دوشنبه این هفته بود که مجوز حضور در تمرینات تیم جدیدش را از یحیی گل‌محمدی گرفت. با این حال یحیی از او خواست در این تمرین فقط دور زمین بدود. روز گذشته هم نبیل از سوی کادرفنی پرسپولیس در بازی دوستانه به کار گرفته نشد و به‌طور اختصاصی کار کرد. اگر اتفاق خاصی رخ ندهد امروز نبیل در تمرین گروهی پرسپولیس شرکت خواهد کرد، هرچند بخش عمده تمرین امروز شاگردان یحیی به‌خاطر بازی دیروز به ریکاوری اختصاص خواهد داشت. لوسادا، مربی بدنساز پرسپولیس بعد از بررسی وضعیت بدنی نبیل شرایط او را تقریبا نرمال ارزیابی کرده اما او از فرم مسابقه خارج بوده و بسیار بعید است که یحیی بخواهد از این بازیکن در ترکیب اصلی تیمش استفاده کند و شاید برای دقایقی وارد میدان شود. در حال حاضر فقط نام نبیل در لیست مسافران قطر رد شده است.

سرخپوشان جمعه رفتنی شدند

باشگاه پرسپولیس با رایزنی‌های مختلف توانست شرایطی را فراهم کند که سرخپوشان بتوانند روز جمعه راهی قطر شوند. البته خواسته یحیی گل‌محمدی این است که این سفر تا قبل از بعدازظهر انجام گیرد تا تیمش بتواند عصر جمعه در دوحه تمرین داشته باشد، اما تا دیشب هنوز ساعت پرواز سرخپوشان مشخص نبود. در این میان رضا درویش و اعضای هیات‌مدیره باشگاه پرسپولیس هم تمایل دارند تا راهی قطر شوند اما آنها عصر روز یکشنبه به‌همراه اصحاب رسانه راهی این سفر خواهند شد. اعضای هیات‌مدیره پرسپولیس در جام جهانی هم دو بازی ایران را از نزدیک تماشا کردند و به‌نظر می‌آید که به قطر علاقه‌مند هستند.

دلخوری کادرپزشکی از بیرانوند

علیرضا بیرانوند دوشنبه‌شب میهمان برنامه فوتبال برتر بود و در این برنامه تقریبا در مورد همه چیز صحبت کرد! یکی از اظهارنظرهای عجیب این دروازه‌بان در مورد آخرین وضعیت وحید امیری بود و مدعی شد که او به بازی با الدحیل خواهد رسید. این در حالی است که این بازیکن از ابتدای این هفته زیر نظر کادر پزشکی پرسپولیس تحت درمان است و به گفته دکتر حقیقت نیز دو تا سه هفته دور از میادین خواهد بود. حتی به امیری توصیه شده که به قطر نرود و در تهران بماند و دوره درمانی‌اش را ادامه دهد. بیرانوند درواقع با ادعایی که در مورد امیری مطرح کرد به‌نوعی اظهارات کادر پزشکی تیمش را در مورد زمان بهبودی امیری رد کرد و این مساله با دلخوری آنها مواجه شد. در این میان با خبر شدیم چون امیری چند روز قبل از بازی با النصر در استوری خود خبر از رسیدن بیرانوند به بازی با النصر داده بود، این دروازه‌بان نیز به‌نوعی خواست این کار دوست و همبازی‌اش را تلافی کرده باشد! در حال حاضر نام امیری در لیست مسافران قطر هست از این جهت که روند بهبودی او خوب بوده اما اینکه بتواند در مقابل الدحیل به میدان برود روز یکشنبه هفته آینده مشخص خواهد شد. امیری در این هفته فقط فیزیوتراپی کرده و تمرینی با تیمش نداشته است.

کنایه سنگین بیرانوند به درویش

یکی از اظهارنظرهای عجیب علیرضا بیرانوند در مصاحبه تلویزیونی اخیرش در مورد عدم پرداخت آپشن‌های قرارداد سرخپوشان بود. او در این باره مدعی شد که درویش این آپشن‌های قرارداد اعضای تیمش را پرداخت نکرده تا آن را به مدیرعامل جانشین خود واگذار کند. این صحبت کنایه‌آمیز بیرانوند در مورد مدیریت باشگاهش خبر از این می‌دهد که احتمال تغییرات مدیریتی در این باشگاه زیاد است؛ هرچند در گزارش‌های قبلی به این مساله اشاره داشتیم که وزارت ورزش اگر گزینه مناسبی برای مدیریت باشگاه پرسپولیس پیدا کند حتما او را جایگزین مدیریت فعلی این باشگاه خواهد کرد. اگرچه به‌قول بیرانوند بدهی‌ها هم آنقدر سنگین است که هر مدیری حاضر نیست جانشین درویش شود. بیرانوند در بخش‌های دیگری از حرف‌هایش در مورد مدیریت باشگاه پرسپولیس راجع‌به راه‌های مختلف درآمدزایی برای این باشگاه هم حرف زد تا به‌نوعی کنایه دیگری به درویش زده باشد.

برانکو؛ آلترناتیو یحیی

باشگاه پرسپولیس فعلا برنامه‌ای برای تمدید قرارداد یحیی گل‌محمدی ندارد و به این مورد پیش از این هم چندبار اشاره داشتیم. ضمن اینکه خود یحیی هم در تابستان برای ادامه کار در پرسپولیس تردید زیادی داشت اما درنهایت تصمیم به ادامه کار گرفت. سرمربی موفق سرخپوشان این توقع را از درویش داشت که در تابستان پیشنهاد تمدید قرارداد را به او ارائه کند اما این اتفاق رخ نداد تا یحیی کم‌کم متوجه شود که مدیریت باشگاه چندان علاقه‌مند به ادامه کار با او نیست؛ هرچند شاید این تصمیم در جای دیگری اتخاذ شده باشد و درویش مجری آن است. در این میان باشگاه پرسپولیس با پرداخت مالیات برانکو ایوانکوویچ به‌نوعی مشکل او را برای بازگشت به ایران برطرف کرد. از طرفی مرد کروات هم قراردادش با فدراسیون عمان تا پایان جام ملت‌ها است و بعد از این مسابقات در مورد ادامه کار با این فدراسیون تصمیم خواهد گرفت. نکته جالب توجه اینکه وقتی بیرانوند در برنامه تلویزیونی عکس برانکو را در کنار خودش دید از او به نیکی یاد کرد و همچنین مدعی شد که او دوست دارد به ایران برگردد و باشگاه هم مالیاتش را پرداخت کرده تا او مشکلی از این بابت نداشته باشد! بیرو این صحبت را با نیش‌خند معنادار بر زبان آورد و به‌نوعی جانشین مدنظر باشگاهش برای یحیی گل‌محمدی را معرفی کرد! درواقع بیرانوند در برنامه دوشنبه‌شب نسخه درویش و یحیی را در دو جمله و یک‌جا پیچید!

خارجی‌های پرسپولیس منتظر عملی شدن وعده‌ها

باشگاه پرسپولیس اخیرا ۱۰ درصد دوم قرارداد بازیکنان و مربیانش را پرداخت کرد، اما این پرداختی شامل بازیکنان و مربیان خارجی این تیم نشد. پیش از این هم این نفرات پیش‌قسط اول را تقریبا دو هفته دیرتر از بقیه دریافت کردند که این موضوع با استقبال آنها همراه نشد. در حال حاضر هم مدیریت باشگاه پرسپولیس سخت به‌دنبال این است تا ۱۰ درصد قسط دوم خارجی‌های تیمش را پرداخت کند تا بیشتر از این بین آنها با نفرات داخلی تیم در دریافتی‌ها تاخیر به‌وجود نیاید. ناگفته نماند که نبیل باهویی هم هنوز دریافتی‌ای از پرسپولیس نداشته است. جالب اینکه مسئولان این باشگاه قبل از توافق با نبیل به او هشدار داده بودند که نباید برای دریافت دستمزدش عجله کند و ممکن است چندبار دیر یا زود شود که او مدعی شده با این مساله مشکلی ندارد.

سرمربی تیم ملی کاراته بانوان در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: تیم جوانی داریم، اما بی‌تجربه نیستیم

از درخشش دختران کاروان ایران انگیزه گرفتیم

■ کار راحتی نداریم، اما می‌خواهیم شایستگی کاراته ایران را نشان دهیم ■ توانایی کسب مدال طلا را داریم

مهدی منصرف
خبرنگار

تیم‌های ملی کاراته ایران برای حضور در نوزدهمین دوره بازی‌های آسیایی روز جمعه هفت مهرماه به هانگژو اعزام خواهند شد تا به‌عنوان یکی از رشته‌های پرامید کاروان ورزشی کشورمان در آخرین روزهای برگزاری مسابقات به روی تاتامی بروند. در شرایطی تیم ملی بانوان کاراته در این مسابقات حاضر خواهد شد که هیچ‌کدام از چهار ملی‌پوش اعزامی به این مسابقات سابقه حضور در بازی‌های آسیایی را ندارند، اما با این وجود ملی‌پوشان کشورمان سابقه حضور در میادین بزرگ را دارند. سارا بهمنیار به‌عنوان باسابقه‌ترین ملی‌پوش این تیم سابقه کسب مدال برنز جهان، برنز آسیا و حضور در المپیک ۲۰۲۰ توکیو را دارد. آتوسا گلشادنژاد با مدال طلای آسیا، فاطمه سعادتی با مدال برنز آسیا و مبینا حیدری نیز با برنز المپیک جوانان و نقره و برنز آسیا به دنبال بزرگی در تاتامی هانگژو هستند و قصد دارند طلسم عدم کسب مدال طلا در دور گذشته بازی‌های آسیایی را بشکنند. فرخناز ارباب در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از شرایط آماده‌سازی ملی‌پوشان کشورمان برای حضور در این مسابقات ابراز رضایت می‌کند و معتقد است درخشش دختران ورزش کاروان ایران در بازی‌های آسیایی باعث بالارفتن انگیزه دختران کاراته‌کا شده است. صحبت‌های سرمربی تیم ملی کاراته بانوان را در ادامه بخوانید.

شرایط ملی‌پوشان را در آستانه اعزام به بازی‌های آسیایی هانگژو چگونه می‌بینید؟

نزدیک ۱۴ اردو را برای حضور در این مسابقات پشت سر گذاشتیم و تمامی مشکلات فنی را نیز برطرف کردیم. بچه‌ها در این مدت به سختی و خیلی خوب تمرین کردند و خدا را شکر امکانات خوبی را فدراسیون برای ما مهیا کرده بود. فدراسیون در این مدت به خوبی بازیکنان را حمایت کرد و امکانات خوبی از جمله حضور فیزیوتراپ، بدنساز و روانشناس را برای ما فراهم کرد و همه دست به دست هم دادند تا تیم خوبی برای حضور در این مسابقات داشته باشیم. تیم جوانی که هر چهار نفر آنها برای اولین بار در بازی‌های آسیایی حاضر خواهند شد تا به امید خدا با کسب نتایج خوب دل همه را شاد کنند.

از پشتیبانی و حمایت فدراسیون از نظر امکانات صحبت کردید، اما انتقاداتی به عدم حضور تیم ملی در تورنمنت‌ها و رویدادهای تدارکاتی به فدراسیون کاراته وارد است. فکر نمی‌کنید کمبود مسابقه باعث مشکلاتی برای ملی‌پوشان در مسابقات شود؟

درست است که بچه‌ها باید در مسابقات مختلف شرکت کنند و محک بخورند و این یک موضوع منطقی است، اما ما سعی کردیم با توجه به عدم حضور در تورنمنت‌ها برای خود مسابقاتی را درست کنیم. یک سری مسابقات تدارکاتی مهیا کردیم و از بازیکنان و قهرمانان کاراته‌وان‌های داخلی چند دوره دعوت کردیم تا با حضور داوران رسمی مسابقات خوبی را برگزار کنیم. توانستیم با همین دو، سه مسابقه تدارکاتی داخلی برخی ایرادات را برطرف کنیم تا بتوانیم بچه‌ها را برای مسابقات اصلی مهیا کنیم.

به عدم سابقه حضور در بازی‌های آسیایی توسط ملی‌پوشان اشاره کردید. با توجه به جو سنگین بازی‌های آسیایی و توقعات سنگین از رشته کاراته، بچه‌ها از لحاظ روحی و روانی این موضوع را تحمل خواهند کرد؟

تیم از لحاظ سنی جوان است ولی بی‌تجربه نیست و بچه‌ها چند سال است که در مسابقات مختلف شرکت و شرایط متفاوتی را تجربه کردند. سارا بهمنیار، مبینا حیدری، فاطمه سعادتی و آتوسا گلشادنژاد مسابقات مختلفی را در رده‌های سنی مختلف تجربه کردند و بازیکنان کم‌تجربه‌ای نیستند. البته اسم بازی‌های آسیایی هیجان برانگیز است و همه مردم ایران این رقابت‌ها را پیگیری می‌کنند و می‌بینند. رشته‌های مختلفی نیز در این مسابقات حضور دارند و باعث افتخار هر بازیکنی است که در رویداد مربوط به رشته خود شرکت و بهترین مدال را بگیرد. البته این مسابقات نیز استرس و نگرانی‌های خاص خود را دارد و ما نیز کنار تیم دکتر روانشناس داشتیم و سعی کردیم تا جایی که می‌شود شرایطی و امکاناتی را مهیا و تمریناتی را برگزار کنیم تا تیم در مرحله اوج در مسابقات شرکت کند. فکر می‌کنم بچه‌ها نیز به خوبی جو مسابقات را مدیریت خواهند کرد تا به امید خدا در پایان مسابقات دستاورد خوبی داشته باشند.

در روزهای گذشته بازی‌های آسیایی دختران ایران در رشته‌های مختلف عملکرد بسیار خوبی داشتند و توانایی‌های خود را نشان دادند. موفقیت دختران کشورمان چقدر به شما و بچه‌ها انگیزه داده است؟

خیلی زیاد از درخشش دختران کاروان ایران انگیزه گرفتیم. در مدت شروع مسابقات بچه‌ها رقابت‌ها را پیگیری کردند و ما نیز لحظه به لحظه عملکرد دختران کشورمان را پیگیری کردیم. خدا را شکر انگیزه بچه‌ها از درخشش دختران کشورمان بالا رفته است و آماده هستند و لحظه‌شماری می‌کنند تا وارد زمین شوند و شایستگی دختران کاراته را نیز به خوبی نشان بدهند.

پیش‌بینی شما درخصوص عملکرد مدالی بچه‌ها چگونه است؟

توکل ما به خدا است، اما نمی‌شود پیش‌بینی کرد. تمام کشورها برای کسب مدال در مسابقات حاضر می‌شوند و با برنامه برای این مسابقات آماده شده‌اند. کار ما راحت نیست، اما توکل‌مان به خداست تا با شایستگی بچه‌ها نتایج خوبی بگیریم و باعث افتخار ایران شویم و شایستگی کاراته ایران را نشان دهیم.

کاراته بانوان در دوره گذشته با وجود کسب دو مدال نقره و دو مدال برنز در کسب مدال طلا توفیقی نداشت. با توجه به اهمیت و تاثیر مدال طلا در ارتقای جایگاه کاروان کشورمان، فکر می‌کنید در این دوره این طلسم خواهد شکست؟

بچه‌های ما توانایی و پتانسیل کسب مدال طلا را دارند و تمرینات خیلی خوبی را پشت سر گذاشتند و خیلی سختی کشیدند. امیدوارم بتوانیم نتیجه خیلی خوبی هم بگیریم. فقط از جامعه کاراته درخواست همدلی در این روزهای حساس را دارم و خواهش می‌کنم برای تیم اعزامی در بخش آقایان و دختران دعا کنند؛ چراکه این دعای خیر می‌تواند باعث موفقیت ملی‌پوشان شود. همچنین دعای پدر و مادر خیلی مهم است و همیشه تاثیر دعای پدر و مادر را در زندگی دیده‌ام و درخواست می‌کنم این دعای خیر همراه بچه‌ها باشد. در صورت موفقیت تیم نیز من نماینده کوچکی از جامعه بزرگ کاراته ایران هستم.

بازی‌های آسیایی هانگژو

طلسم طلا با هت‌تریک والیبال شکسته شد

دیدار فینال مسابقات والیبال بازی‌های آسیایی ۲۰۲۲ هانگژو، عصر دیروز برگزار شد و ملی‌پوشان ایران موفق شدند با برتری ۳ بر یک برابر چین برای سومین دوره پیاپی عنوان قهرمانی و مدال طلای این مسابقات را تصاحب کنند. چینی‌ها که از میزبانی بازی‌های آسیایی به‌دنبال بیشترین مدال طلا از جمله قهرمانی در والیبال بودند در ست نخست ۲۵ بر ۱۹ برنده شدند. ایران در ست دوم شروع خوبی داشت و این روند را تا پایان ست با افزایش اختلاف امتیاز ادامه داد. ایران در ست دوم ۲۵ بر ۱۴ پیروز شد. چین تا اواسط ست سوم، تیم برتر میدان بود اما حملات موثرتر بازیکنان ایران، برتری ۲۵ بر ۲۲ ایران را به دنبال داشت. نتیجه ست چهارم هم ۲۶ بر ۲۴ به سود شاگردان بهروز عطایی بود تا بازی ۳ بر یک به سود ایران به پایان برسد. بدین ترتیب سومین قهرمانی متوالی تیم ملی ایران در بازی‌های آسیایی، نخستین مدال طلای کاروان ایران در هانگژو بود. تیم ملی ایران بلافاصله بعد از این بازی‌ها عازم برزیل می‌شود تا در مسابقات انتخابی المپیک ۲۰۲۴ شرکت کند.

۴ ووشوکار در نیمه‌نهایی

الهه منصوریان، سانداکار وزن ۵۲ کیلوگرم تیم ووشو بانوان ایران، در مرحله یک چهارم نهایی این وزن به مصاف «الطاف سامرین» از پاکستان رفت که موفق شد با ناک‌اوت کردن حریف خود به پیروزی دست پیدا کند. وی با این برد ضمن راهیابی به مرحله نیمه‌نهایی وزن خود، مدال برنزش را هم قطعی کرد. همچنین شجاع پناهی، نماینده وزن ۶۰ کیلوگرم ساندای مردان با شکست دادن حریف قرقیزستانی خود، چهارمین مدال برنز ووشوی ایران در این مسابقات را قطعی کرد. وی در دومین مبارزه خود به مصاف «عمورزاکوف آسکات» از قرقیزستان رفت که با شکست دادن حریف خود، راهی مرحله نیمه‌نهایی این وزن شد تا مدال برنز خود را قطعی کند. در مرحله یک چهارم نهایی وزن ۶۵- کیلوگرم مردان نیز افشین سلیمی از ایران به‌مصاف «ترانگ وان چونگ» از ویتنام رفت و مقتدرانه حریف را از پیش‌رو برداشت و گام به نیمه‌نهایی گذاشت. همچنین محسن محمدسیفی، نماینده وزن ۷۰ کیلوگرم ساندای مردان ایران با پیروزی برابر حریف ترکمنستانی راهی مرحله نیمه‌نهایی شد و مدال خود را قطعی کرد.

روز ضعیف تکواندوی بانوان

در روز دوم رقابت‌های تکواندو، ناهید کیانی و نرگس میرنوراللهی با شکست مقابل رقبای خود از دور رقابت‌ها کنار رفتند و علیرضا حسین‌پور نقره گرفت. ناهید کیانی قهرمان تکواندوی جهان در سال ۲۰۲۳ در رقابت‌های وزن ۵۳- کیلوگرم پس از استراحت در دور نخست، با نتیجه ۲ بر یک مغلوب چوتیکان جونگ کول راتاناواتانا از تایلند شد تا شوک بزرگی به تکواندوی بانوان کشورمان وارد شود. همچنین نرگس میرنوراللهی در رقابت‌های وزن ۵۷- کیلوگرم بانوان در نخستین دیدار به مصاف یوجین کیم از کره جنوبی رفت و در دو راند متوالی و با نتایج ۱۳ بر یک و ۹ بر ۸ مغلوب حریف خود شد و پس از ناهید کیانی دومین حذف‌شده تکواندوی بانوان لقب گرفت.

علیرضا حسین‌پور نیز در رقابت‌های وزن ۶۳- کیلوگرم موفق شد با شکست نمایندگان اندونزی، پاکستان، کره جنوبی و اردن فینالیست شود. حسین‌پور در فینال این وزن مقابل بانلانگ از تایلند و دارنده نشان نقره جهان در سال ۲۰۲۳ به میدان رفت و راند اول ۷ بر ۶ و در راند دوم ۱۱ بر ۷ شکست خورد و صاحب دومین نشان نقره تکواندو در بازی‌های آسیایی شد.

ناکامی جودو بدون کسب مدال

تیم ملی جودوی کشورمان در شرایطی در بازی‌های آسیایی ۲۰۲۲ حاضر شد که تنها چند روز از پایان تعلیق چهارساله این رشته ورزشی گذشته بود و ملی‌پوشان کشورمان با حضور در هانگژو به‌دنبال برنامه‌ریزی برای بازگشت دوباره به رویداد بین‌المللی بودند. در این رقابت‌ها ابوالفضل محمودی، مهدی فتحی‌پور و قاسم باغچقی در بخش مردان و مریم بربط در بخش بانوان نمایندگان کشورمان بودند و در نهایت دیروز (سه‌شنبه چهارم مهرماه) با حذف باغچقی پرونده تیم ملی جودوی کشورمان در این مسابقات با کسب ۵ باخت و ۳ پیروزی و بدون کسب مدال بسته شد.

مصدومیت شدید بانوی ووشوکار

مینا پناهی، بانوی ملی‌پوش ووشو روز گذشته در جریان مسابقات تالو و حین اجرای فرم «نان چوان» دچار آسیب‌دیدگی شد و با توجه به اینکه قادر به ادامه رقابت‌ها نبود، جهت انجام MRI و سی‌تی‌اسکن به بیمارستان اعزام شد و با وجود اینکه در سی‌تی‌اسکن خوشبختانه شکستی مشاهده نشد، اما در MRI مشخص شد پارگی نسبی رباط صلیبی قدامی و رباط جانبی رخ داده است.

حذف نماینده پرامید بوکس

در سومین روز مسابقات بوکس دانیال شه‌بخش مرد تاریخ‌ساز بوکس ایران در گام نخست مقابل نماینده میزبان مغلوب شد و از دور رقابت‌ها کنار رفت. نماینده بوکس کشورمان در نخستین مبارزه خود در وزن ۵۷ کیلوگرم به‌مصاف پینگ لیو از چین رفت و با وجود ارائه مبارزه خوب در نهایت با نتیجه ۵ بر صفر مغلوب حریف خود شد. دانیال شه‌بخش در مسابقات جهانی بوکس ۲۰۲۱ موفق به کسب مدال برنز شده و نخستین مدال جهانی این رشته را پس از ۸۶ سال کسب کرده بود.

تیراندازی به مدال نرسید

در پایان مرحله مقدماتی رقابت‌های تیراندازی تفنگ ۱۰ متر میکس، شرمینه چهل‌امیرانی و امیرمحمد نکونام با مجموع ۶۲۹ امتیاز در میان ۲۰ تیم شرکت‌کننده در جایگاه پنجم قرار گرفتند. تیم ایران برای کسب مدال برنز به‌مصاف تیم قزاقستان رفت و با نتیجه ۱۷ بر ۱۱ شکست خورد و از کسب مدال برنز بازماند.

چهارشنبه ۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۷
WWW.FDN.IR
@FARHIKHTEGANDAILY

خبرنگار «فرهیختگان» ۲ روز در حاشیه خیابان انقلاب کتاب فروخته است، مشاهدات عاطفه جعفری را بخوانید

در دنیای کتاب قاچاق چه خبر است؟

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

خیلی وقت بود که خیابان انقلاب را به بهانه همین سوژه بالا و پایین می‌کردم، می‌خواستم از جایی شروع کنم و خیلی راه نمی‌دادند. هر روز یک بهانه جدید که نمی‌شود. اینجا جای شما نیست. برو جلوی دانشگاه خودت. تو به درد این کار نمی‌خوری. اینجا نرخش فرق می‌کند و از این قبیل حرف‌ها. اما خب برایم مهم بود که حتما این کار را انجام بدهم. برای همین در هفته یکی دوبار سر می‌زدم به خیابان انقلاب و از میدان تا چهارراه ولیعصر را پیاده گز می‌کردم. دقیقا جای تمام دستفروشان را حفظ شده بودم که اینجا مثلا جای آن پسری است که عطر می‌فروشد و آنجا جای کتابفروشی است که چهار فروشنده دارد و جایش یه کم این‌ورتر از شیرینی فرانسه است.

بالاخره بعد از سه ماه روز موعود رسید. روز قبلش در روزنامه بحث کردیم برای چگونگی انجام کار و می‌ترسیدند که نتوانم و دعوا شود. کمی حق داشتند و بالاخره با کمی تغییر ظاهر صبح سه‌شنبه در میدان انقلاب از تاکسی پیاده شدم. کوله را روی دوشم انداختم. به مرد مسنی که در حال داد زدن برای جلب مشتری بود (همان دادزن‌های معروف انقلاب) گفتم آقا من دانشجو هستم، می‌خوام همین جاها بشینم و کتاب بفروشم، برای کمک‌خرج دانشگاهم. نگاه عاقل اندر سفیهی کرد و گفت: «بفروش. به من چه» خنده‌ام را خوردم و گفتم: «می‌خواهم همین جا بشینم.» سریع واکنش نشان داد و گفت: «نخیر، اینجا نرخش گرونه. برو پایین‌تر.» گفتم: «خب پولش را می‌دهم.» حالا او به من خندید و گفت: «پول داشتی اینجا چی‌کار می‌کردی. برو وقتم رو نگیر.»

گفتم: «آقا من می‌خوام شما به من کمک کنید.» یک‌دفعه شروع به داد زدن کرد و گفت: «دست از سرم برمی‌داری یا نه؟! نمی‌خوام کمک کنم. برو اگه تونستی یه جا پیدا کن و بشین. به من چه. اینجا هر قسمتش یه قیمتی داره. جلوی هر مغازه‌ای هم کتاب‌هات رو ولو نکن.»

همچنان در حال داد زدن بود که دور شدم و خیابان را به سمت دانشگاه تهران رفتم. تقریبا حدود ۱۰ صبح دستفروشان در حال جاگیرشدن بودند. دو دختر کم‌سن‌وسال جلوی یکی از کتابفروشی‌ها نشسته بودند و نقاشی می‌فروختند. کنارشان نشستم و گفتم: «منم می‌تونم کنار شما بشینم و کتاب بفروشم؟» نگاهی کردند و با کم‌رویی گفتند خودمان هم به زور جا گیر آوردیم و اینجا نشستیم. باید با مسئولش صحبت کنی. ولی فکر نمی‌کنم این خیابان دیگر جا داشته باشد.

از مسئولش می‌پرسم و می‌گویند نمی‌شناسیم فقط می‌بینیم اون روبه‌رویی‌ها، به یه آقایی پول میدن.

روبه‌روی همان دستفروش، کتابفروشی بود که چهار فروشنده داشت و چند باری کتاب‌هایشان را در این چندماه بررسی کرده بودم و بیشترین حجم کتاب‌های قاچاق را داشتند و ناشر کتاب‌ها هم که معرف حضور همه کسانی که در این محدوده کار می‌کنند، هست. قبلا چند کتاب را از همین دستفروشان خریده بودم. تا کار را با همین کتاب‌ها و هدفی که داشتم شروع کنم. نمی‌خواستم نزدیک این کتابفروش‌ها باشم چون ممکن بود حساس شوند. با پرس‌وجوهای پیشینی، به این نتیجه رسیدم هر جایی بساط کنم، بهتر است تا از اینها دور باشم. مافیای این کتاب‌های قاچاق قدرت و پول‌شان زیاد است به‌طوری‌که همه دستفروشان این راسته تقریبا با هم هماهنگ هستند و این از مدل کتاب‌هایی که می‌فروشند کاملا مشخص است. این اطلاعات را در مدتی که دنبال این کار بودم، به دست آوردم. کسی بدون اجازه‌شان نمی‌تواند کتاب بفروشد. اگر کتاب‌های قاچاق باشد باید در دایره خودشان باشی. البته کتاب‌های ممنوعه و دست دوم هم داریم که بحث‌شان جداست و خودشان گزارشی جداگانه می‌طلبد.

پسری روبه‌روی شیرینی فرانسه روی نیمکت نشسته است و انگار هر چیزی که مرتبط با موسیقی باشد، می‌فروشد. کنارش می‌نشینم و می‌گویم: «می‌خواهم کتاب بفروشم. همه می‌گویند جا نیست. برو جلوتر.» می‌خندد و می‌گوید: «آره، اینجا خیلی شلوغه ولی بالاخره پیدا میشه جایی که بشینی.» می‌پرسم: «باید برای جایی که می‌شینم، به کسی پولی بدهم.» سریع نه‌ای می‌گوید و بعد هم ادامه می‌دهد: «ما اگر قرار بود باج بدهیم. در خیابان نمی‌نشستیم. پس همین اول کار سعی کن که این کار را نکنی.» اما می‌دانم که هر جای این خیابان قیمتی دارد. هر چقدر به خیابان انقلاب نزدیک بشوی قیمت بیشتر می‌شود. نزدیک چهارراه ولیعصر هم نرخش متفاوت است با توجه به جنسی که فروخته می‌شود. از هفته‌ای ۵۰ هزار تومان تا ۳۵۰ هزار تومان! برای همین است کسانی که ثابت هستند، تعدادشان زیاد نیست. البته برخی می‌گویند کتابفروشان این راسته هم از دستفروشان پول می‌گیرند چون جلوی کتابفروشی‌شان بساط می‌کنند اما هیچ کس این گفته‌ها را تایید نکرد. اما تقریبا همه از پول گرفتن ماموران سد معبر شهرداری می‌گویند که مدام هم در حال راه رفتن در این مسیر هستند و با دستفروشان ثابت سلام و خوش‌وبش می‌کنند.

هر جا که می‌خواهم بنشینم، جای کسی است و نمی‌شود نشست. تصمیم می‌گیرم کمک بگیرم از دوستان کتابفروشی که دارم و برای همین، سراغ بچه‌های کتابفروشی اسم می‌روم، تا هماهنگی‌ها انجام شود. آن طرف‌تر از کتابفروشی، روی یک نیمکت کتاب‌ها را می‌گذارم. شش جلد کتاب از همان کتاب‌های معروف قاچاقی. رهگذران نگاه می‌کنند، می‌روند و گاهی هم می‌ایستند و نگاه می‌کنند و اما خبری از سوال و خرید کتاب نیست. بالاخره قرار می‌شود روبه‌روی همان کتابفروشی بنشینم که اگر اتفاقی افتاد، کمک داشته باشم. می‌گویند به سراغ آقا امیر (اسم واقعی نزد ما محفوظ است) بروم که همان‌جا بساط دارد و این بخش از خیابان زیر نظر اوست.

امیر را دیدم و خودم را معرفی کردم و گفت: «علی آقا گفته‌اند جای شما روبه‌روی کتابفروشی‌شان باشد.» سری تکان می‌دهم و می‌گوید: «چیزی دارید که زیر کتاب‌ها بگذارید.» نه‌ای می‌گویم و دو زیرانداز برایم می‌آورد و جلوی کتابفروشی پهن می‌کند و می‌گوید: «همین جا بشینید و کاری داشتید صدایم کنید.» کتاب‌ها را روی زیرانداز می‌گذارم و خودم هم می‌نشینم. ساعت حدود ۱۱ است و رفت‌وآمدها بیشتر شده. سعی می‌کنم جوری بنشینم که مردم ببینند و کنجکاو باشند که چه کاری انجام می‌دهم.

تقریبا نیم ساعت است نشسته‌ام که اولین مشتری سر و کله‌اش پیدا می‌شود. کتاب ملت عشق را برمی‌دارد و می‌گوید: «چند قیمت است؟» می‌گویم: «هر چقدر که در پشت جلد آمده شما نصفش را پرداخت کنید.» سن‌وسال‌دار است. پلاستیک کتاب را باز می‌کند و می‌گوید: «چقدر گرونه...» قیمتش را نمی‌دانستم برای همین گفتم می‌خواهید شما مجانی کتاب را ببرید. نگاهی کرد و گفت: «دخترجان این‌طوری ضرر می‌کنی. نباید مجانی کتاب‌ها را بدی و بره.» گفتم: «شما گفتید گرونه برای همین خواستم که کتاب را ببرید. وقتی دوست دارید.» گفت: «برای من گرونه. خیلی وقت است که می‌خواهم برای دخترم این کتاب رو بگیرم. همیشه هم گوشه خیابون می‌بینم. اما خب نمی‌دونستم انقدر گرونه.»

نگاهی به داخل کتاب کردم و قیمتش ۳۴۸ هزار تومان بود؛ یعنی از نسخه اصلی کتاب گران‌تر. چون ققنوس که ناشر اصلی این کتاب است در سایتش قیمت کتاب را ۲۴۰ هزار تومان گذاشته است. آن هم با ترجمه ارسلان فصیحی. نه این ترجمه‌هایی که کامل نیست و بخش‌هایی از کتاب هم حذف شده است. نگاهی به مرد انداختم که هنوز کتاب‌ها را نگاه می‌کرد، گفتم من می‌توانم کتاب ارزان‌تر از همین ملت عشق را با کیفیت بهتر برایتان پیدا کنم. فردا سر بزنید تا کتاب را تقدیم کنم. نگاهی انداخت که انگار حرفم را باور نکرده بود. چشم‌هایم را با اطمینان بستم و باز کردم و گفتم فردا بیاید من حدود ۱۰ همین جا هستم. با خوشحالی خداحافظی کرد و رفت. کتاب خواندن خودم را دوباره شروع کردم تا مشتری بعدی برسد. در حال خواندن کتابی بودم که صدای امیر که می‌گفت: «باید کتاب‌ها را جوری بگذاری که مردمی که رد می‌شوند درست ببینند» را شنیدم. دیدم درست می‌گوید. خودش دست به کار شد و کتاب‌ها را درست کرد و بعد هم گفت: «شش تا کتاب کمه. باید بیشترش کنی. من می‌شناسم اگر خواستی که ارزان‌تر بخری.» تشکر کردم و گفتم: «فعلا با همین‌ها شروع کنم. تا بعد بیشتر بشن.» سری تکان داد و پرسیدم: «چقدر باید به شما برای نشستن اینجا بپردازم؟» می‌گوید: «شما میهمان ما هستی. حالا بذار کتاب بفروشی. بعدا...» اصرارم بی‌فایده است. دوباره برگشت سر بساط خودش.

کتاب‌ها را دوباره مرتب کردم و به این فکر می‌کردم یعنی واقعا می‌شود

ادامه در صفحه ۱۳

چیزی فروخت؟ که یک نفر گفت: «خانم کتاب‌ها را از کجا آوردی؟» مدل سوالش عجیب بود و برای همین خیلی کوتاه گفتم: «خریدم.» گفت: «معلومه که خریدی. می‌گم از کجا؟» گفتم: «مثل همه این دستفروشانی که در این خیابان هستند.» نشست و کتاب‌ها را بررسی کرد و گفت: «ببین من خودم از همین کتاب‌ها می‌فروشم. چند تا خیابون اون‌ورتر. چرا انقدر تعداد کتاب‌هات کمه. بیا کنار خودمون وایسا. کتاب بفروش. ما کتاب‌ها رو داریم.» گفتم: «ترجیح میدم، همین تعداد کتاب داشته باشم و بیشتر نباشه و اینکه شریک نداشته باشم. چون همیشه نیستم.» دوباره نگاهی به کتاب‌ها کرد و گفت: «خب ببین این کتاب‌ها در راستای کار ماست. می‌خوام کمکت کنم.» حوصله‌ام از حرف‌هایش سر رفته بود. برای همین گفتم: «باشه. شماره‌تان را بدید. فکر می‌کنم و هفته آینده زنگ می‌زنم.» اصرار داشت که همین الان جواب را بگیرد و متوجه شدم که می‌خواهند همه کتاب‌های این منطقه زیر دست‌شان باشد و کسی به غیر از خودشان کتاب‌هایشان را نفروشد!

مرد می‌رود و نگاهم به دور و بر می‌افتد که کم‌کم پر می‌شود از دستفروشان. روبه‌رویم کمی آن طرف‌تر، لوازم‌التحریر دارد. کمی آن طرف‌تر، دختری عطر می‌فروشد. بین من و امیر خالی است که صدای چرخی می‌آید و کنارم می‌ایستد. بار زیاد دارد و در حال فکر کردنم که این چه چیزی برای فروش دارد. که علی رکاب از کتابفروشی اسم، صدایم می‌کند و کنارم می‌نشیند. کمی از سوژه و کاری که می‌خواهم انجام بدهم می‌گویم. او هم از اوضاع کتابفروشی و این روزها و آدم‌هایی که کتاب می‌خوانند یا فقط پز کتاب خواندن را می‌دهند، می‌گوید. نگاهش به پسر کناری‌ام است که در حال گذاشتن تابلوهای نقاشی روبه‌رویش است و می‌گوید: «کتابفروش بود. البته نه کتاب‌های قاچاق. کتاب‌های دسته دوم. دانشجوی دانشگاه تهران است.» تصویری که از پسر کناری‌ام برایم شکل می‌گیرد، جالب می‌شود.

تابلوهای نقاشی را مرتب می‌کند و درحال نگاه کردن به تابلو هستم که صدایی می‌پرسد: «خانم این کتاب چند است؟» همان حرف قبلی را تکرار می‌کنم و می‌گویم: «هر چقدر در روی کتاب خورده، شما نصفش را بده، چون کتاب‌ها را حراج کرده‌ام.» پسر کتاب را برمی‌دارد و احساس می‌کنم کتابخوان حرفه‌ای است و دلش برایم سوخته و می‌خواهد کتاب را بخرد. روی چرخ دستفروش بغلی می‌نشیند و کتاب را نگاه می‌کند. از همین کتاب‌های روانشناسی زرد که این روزها در همه‌جا هستند. کمی کتاب را ورق می‌زند و دوباره روبه‌رویم می‌نشیند و می‌گوید: «این کتاب رو می‌خوام.» اول کارتش را می‌دهد که می‌گویم کارتخوان ندارم. ۱۰۰ تومان می‌دهد و می‌گوید: «کتاب ۲۰۰ تومن بود که نصفش همین ۱۰۰ تومنه.» نگاه کردم و قیمت کتاب ۱۹۸ تومان بود. خواستم بقیه پولش را بدهم که در راستای همان دلسوزی‌ای که دارد، می‌گوید: «نه بماند.» دوباره نگاهی به کتاب‌ها می‌اندازد و می‌گوید: «یک کتاب دیگر در همین زمینه روانشناسی می‌خواهم. شما می‌توانید پیدا کنید؟» می‌گویم: «اسم کتاب را بگویید. اما در این خیابان کتابفروشی زیاد است، می‌توانید کتاب‌هایتان را پیدا کنید.» اسم کتاب را می‌گوید و خداحافظی می‌کند. ساعت را نگاه می‌کنم که حدود ۲:۳۰ است و کم‌کم باید کار دستفروشی امروز را تعطیل کنم و بقیه را برای فردا بگذارم.

روز دوم

حدود ۱۰ صبح جلوی کتابفروشی اسم بودم، اما خبری از امیر نبود تا دوباره زیراندازها را از او بگیرم. برای همین روی همان نیمکت دیروزی نشستم و کتاب‌ها را همان‌جا گذاشتم. اما با روز گذشته تفاوت داشتند. چند کتاب تالیفی و ترجمه (البته قاچاق‌نشده) را به کتاب‌ها اضافه کردم تا ببینم مشتری‌ها متوجه کتاب‌های اصلی و قاچاق می‌شوند یا نه. اولین مشتری همان دقایق اول آمد و کتاب‌ها را نگاهی انداخت و دو کتاب «ملت عشق» را برداشت و گفت: «چه فرقی دارن؟» گفتم: «مترجم‌هاشون متفاوتن و ناشرشون فرق می‌کنه. باز هم بگم؟» گفت: «خب کدومش بهتره؟ برای من اونی که قیمتش کمتره بهتره.» برایش فرق‌های کتاب قاچاق و اصلی را گفتم. قیمت را هم برایش توضیح دادم. لبخندی روی لبش نشست و گفت: «مسیر هر روزه‌ام همین‌جاست. از این دستفروشان کتاب هم هر روز می‌بینم. حالا می‌فهمم که چرا کتاب‌ها را ۷۰ درصد تخفیف می‌ذارن.» کتاب‌ها را به دستم داد و با اشاره به کتاب قاچاق گفت: «خیلی زیرپوستی گفتی از این کتاب‌ها نخرم. من هم می‌گم تو که این برات مهمه. اینها رو نفروش.» خندیدم. مرد خداقوتی می‌گوید و می‌رود.

هنوز از امیر خبری نیست. پسری با چرخ‌دستی نزدیک نیمکتی که نشسته‌ام می‌شود و شروع به چیدن بار و بندیلش می‌کند. اول فکر کردم کتاب می‌فروشد، خودم را آماده کرده بودم که دوباره سوال‌ها شروع شود اما زیورآلات می‌فروشد و نگاه چپ‌چپی به من می‌کند که انگار جایش را گرفته‌ام. خداخدا می‌کنم امیر برسد و همان جای دیروز بنشینم که انگار صدایم از سمت خدا شنیده می‌شود. امیر را دیدم که با چرخ‌دستی و بالش‌هایش نزدیک می‌شد. سلام سریعی کردم و کتاب‌ها را که امروز بیشتر شده بودند، جمع کردم و با برداشتن زیراندازها روبه‌روی فروشگاه نشستم.

این را که هنوز خیلی‌ها فرق این کتاب‌هایی که با تخفیف‌های زیاد و کنار خیابان فروخته می‌شوند با کتاب‌هایی که در کتابفروشی‌ها هستند، نمی‌دانند برایم مساله و درد است. برای همین خواستم تا کنار خیابان کتاب بفروشم و حتی اگر یک نفر را آگاه کنم، برایم کافی است. دختری کنار کتاب‌ها نشست و یکی از کتاب‌های تالیفی را که ناشرش کتابستان معرفت بود، برداشت و گفت: «چقدر جلد قشنگی دارد. این کتاب را تا به‌حال در بین کتاب‌های دستفروشان اینجا ندیده بودم.» بعد هم اشاره‌ای به کتاب‌های معمول قاچاق کرد و گفت: «اما از اینا زیادن.» حرفش را تایید می‌کنم و می‌گویم: «خب با هم فرق می‌کنند.» کمی توضیح می‌دهم و بعد از صحبت‌هایم می‌گوید: «این کارشون که دزدیه. یه دزدی واضح! دانشگاهم همین نزدیکی‌هاست. میام می‌چرخم بین کتاب‌ها اما تا حالا به این چیزی که گفتی دقت نکرده بودم.» می‌گویم: «خب از این به بعد سعی کن از این کتاب‌های به‌قول خودت قشنگ بخری.»

همان موقع علی رکاب رسید و با خنده تعریف کرد از سوال‌هایی که دستفروشان کنارم داشتند و اینکه چه کسی هستم. قرار است تا چه زمانی باشم؟ حرف‌هایمان که تمام شد دوباره همان دستفروش کتاب دیروز نزدیک شد و نگاهی به کتاب‌ها انداخت و تند تند شروع به صحبت کرد و گفت: «این کتاب‌ها را کسی نمی‌خرد. به نظرم تخفیف بذار ۷۰ درصد. به درخت بالای سرت بچسبان. تازه به نظرم اینجا جای خوبی نیست و پاخور کتاب ندارد. بیا بریم کنار ما. با خودمان کار کن و...» همین‌طور صحبت می‌کرد و وانمود می‌کردم شنیده‌ام. بالاخره ساکت شد و گفتم: «دیروز گفتید، گفتم خبر می‌دم. هنوز فکرهام رو نکردم.» یک دفعه چیزی را که به ذهنم رسید، گفتم: «البته پول هم برایم مهم است.» چشمانش برقی زد و گفت: «حتما مهمه نگران پولش نباش. پول خوبی تو این کاره به شرطی که از این کتاب‌ها نفروشی.» اشاره‌اش به کتاب‌های غیرقاچاق بود. گفتم: «حالا بین اون همه کتاب اینم باشه اشکالی نداره.»

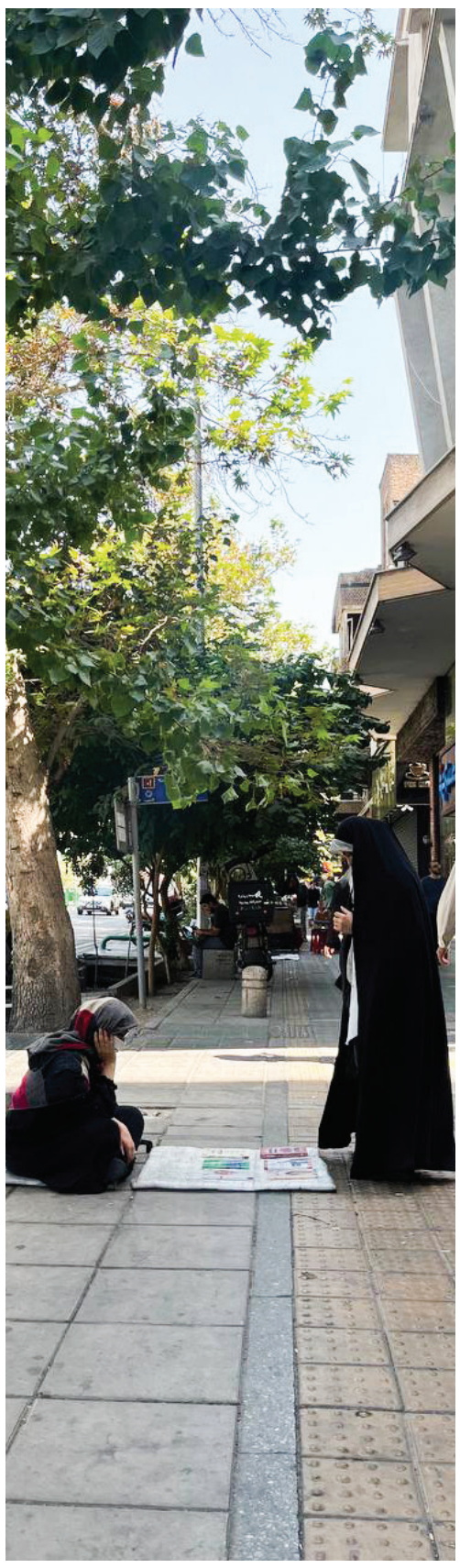

بلند می‌شود و می‌گوید: «من با این کتاب‌ها مخالفم. فروشی ندارد. همین کتابفروشی‌ها دارند. کسی نمی‌خره. اما اون یکی‌ها همیشه مشتری داره و می‌تونی با تخفیف‌های زیاد بفروشی.» سری تکان می‌دهم و قرار می‌شود دوباره فردا بیاید. فردایی که نیستم، اما باید یک‌جوری جواب بدهم که برود. مرد که می‌رود. نگاهم به امیر و پسری که نقاشی‌های روی بوم را می‌فروشد، می‌افتد که با کنجکاوی به صحبت‌های من و آن مرد گوش می‌دادند و احتمالا الان پر از سوال هستند.

کتاب «سیطره» را که به‌تازگی دست گرفته بودم، می‌خواندم و غرق دنیای کومله شده بودم. سلام مرد را که شنیدم، سرم را بلند کردم. آمده بود کتاب ملت عشق را ببرد. کتاب را برداشتم و گفت: «قیمت را بگو» گفتم: «هدیه من به دختر شما.» خندید و گفت: «مثل دیروز می‌گویم. دخترجان ضرر می‌کنی. این‌طوری کاسب نمی‌شوی.» گفتم هدیه دادن کتاب را دوست دارم. باز هم اصرار می‌کند و نمی‌پذیرم و بالاخره راضی می‌شود که کتاب را قبول کند. دوباره نگاهم به دستفروشان کناری می‌افتد که هنوز کنجکاوند. صدای دختری که قیمت کتاب «اثر مرکب» را می‌پرسید، حواسم را از آنها پرت کرد. دختر را دیده بودم. کمی پایین‌تر عطر می‌فروخت. خودش را معرفی کرد و گفت: «دیروز شما را دیدم. امروز هم آمدم ببینم چه چیزی می‌فروشید؟» خندیدم و گفتم: «فکر کنم کتاب.» سری تکان داد و گفت: «بیشتر برای آشنایی آمدم. خانم‌های دستفروش در اینجا کم داریم. خوشحال می‌شوم تنها نباشم. اگه خواستی پیش من هم می‌تونی بشینی.» به پسر زیورآلات فروش اشاره کردم و گفتم: «اون خوشش نمیاد.» خندید و گفت: «درستش می‌کنیم.» از درآمد دستفروشی می‌پرسم و می‌گوید: «راضی‌ام. می‌توانم خرج خودم را دربیاورم. اینکه در مغازه باشم و بخواهم شاگردی کنم برایم سخت است. برای همین اینجا را انتخاب کردم.» دوباره کتاب‌ها را نگاه کرد و گفت: «چرا اینقدر فرق می‌کنند. اینها کمرنگند اما اینها یه‌جور دیگه هستند.» توضیح می‌دهم چون چاپ‌شان متفاوت است. برای این زحمت کشیده شده ولی برای آن کمرنگ‌ها نه! سری تکان می‌دهد و انگار خیلی متوجه حرف‌هایم نشده. خیلی بازش نمی‌کنم. مشتری برایش می‌آید و می‌رود.

ساعت نزدیک ۲:۳۰ شده و وقت رفتن. از دور آن مرد دستفروش را دیدم که یک عالمه کتاب دستش بود و به طرفم می‌آمد. نمی‌خواستم دوباره حرف‌هایش را تکرار کند. کتاب‌ها را جمع کردم و داخل کتابفروشی شدم تا مرد برود. از جلوی کتابفروشی رد شد و مشخص بود دنبالم می‌گردد. وقتی که رفت بیرون آمدم و به‌سمت امیر، آن پسر و مرد لوازم‌التحریر فروش رفتم و خودم را معرفی کردم. از نوشتن گزارش این دو روز گفتم و اجازه گرفتم تا درموردشان بگویم. وقتی سوار ماشین شدم نگاهم به پیاده‌رو بود و صف دستفروشان. خیابان انقلاب فقط معدن فروش کتاب‌های قاچاق دستفروشان نیست و کتاب‌های زیرزمینی و ممنوعه و بدون مجوز هم داستان‌های خودشان را دارند که روزی در موردشان خواهم نوشت. دستفروش کتاب روبه‌روی تئاترشهر همان که گزارش قبلی‌ام «نون قاچاق کتاب در جیب آقای خ» را از آنجا شروع کردم، درحال داد زدن است و از تخفیف‌های ۷۰ درصدش می‌گوید و مخاطب را ترغیب می‌کند برای خریدن. مخاطبی که حتما خبری از چگونگی چاپ کتاب ندارد و آقای فروشنده کتاب هم به دنبال پر کردن جیب خودش و ناشری است که سودهای میلیاردی از این راه در می‌آورد! ماشین کنار تئاترشهر می‌ایستد تا مسافر سوار کند و صدای دستفروش می‌آید، که می‌گوید: «خانم کتاب‌ها جدیده. تازه چاپ شده. نرو پول بده از کتابفروشی بخر که اونا گرونه. ۷۰ درصد تخفیف داریماااا.»

چهارشنبه ۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

فیلمسازان ایرانی، جنگ و حصرآبادان را چگونه روایت کردند؟

سینما، شهر و ما

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

آبادان از قدیم و ندیم یک شهر سینمایی بود و حتی قبل از اینکه فیلم‌های زیادی درباره خود این شهر ساخته شوند، مردمش از فیلم‌بازهای حرفه‌ای به حساب می‌آمدند. در سال‌های دور یک سری اتفاقات باعث شد که مردم آبادان نسبت به اکثر شهرهای ایران و حتی پایتخت آن، ارتباط قوی‌تری با سینما پیدا کنند. بعد از اینکه انگلیسی‌ها آمدند و پالایشگاه آبادان را تاسیس کردند، سینما را هم با خودشان آوردند.

در آن روزها هر منطقه شهر یک سینما داشت و اغلب سینماها متعلق به شرکت نفت بود که فیلم‌های روز جهان را نمایش می‌داد. اگر مثلا یک فیلم آمریکایی در نیویورک و لس‌آنجلس اکران می‌شد، همزمان در سینما تاج آبادان که الان سینما نفت نام دارد و سینماهای دیگری که متعلق به شرکت نفت بود هم روی پرده می‌رفت، درحالی‌که همان فیلم‌ها حتی در تهران هم اکران نشده بود. آبادان در آن ایام پر از کارگر بود و همه مناطق کارگری سینما داشتند. علاوه‌بر آن آبادان یک شهر مهاجرنشین بود و کارگران و کارمندان پالایشگاه آبادان از کشورهای مختلف آمده بودند و هر سینما برای یک نوع فیلم در نظر گرفته شده بود. مثلا یک سینما فقط فیلم‌های هندی نمایش می‌داد و هندی‌هایی که مقیم آبادان بودند و برای شرکت نفت ایران و انگلیس کار می‌کردند، به‌علاوه گروهی از مردم آبادان که به سینمای هند علاقه داشتند، به دیدن این فیلم‌ها می‌رفتند. یک سینمای دیگر فیلم‌های عربی و مصری و آثار سینمای مصر را نمایش می‌داد. سینما تاج اغلب فیلم‌های آمریکایی و هالیوودی را اکران می‌کرد و فیلم‌های ایرانی هم در کنار این رونق هفت‌رنگ، در اغلب سینماها نمایش داده می‌شدند. به عبارتی می‌شود گفت سینما بخشی از هویت اجتماعی معاصر در شهر بندری آبادان است اما در نیمه‌های سال ۱۳۵۹ اتفاقی رخ داد که از آن به بعد، خود آبادان را سوژه فیلم‌های سینمایی کرد. در آخرین روز از شهریور سال ۵۹، رژیم بعث عراق از چند محور غربی تجاوزی سنگین را به خاک ایران آغاز کرد و به تعبیری می‌توان گفت اصلی‌ترین انگیزه و هدفش اشغال خرمشهر و آبادان و بیرون آوردن عراق از خفگی ترانزیت دریایی بود. خرمشهر پس از یک مقاومت بی‌نظیر و شاهکار از مردم و نیروهای نظامی فاقد امکانات که ۳۴ روز به طول انجامید به اشغال ارتش بعث درآمد و پس از آن نوبت آبادان بود. آبادان محاصره شد و در کانون پدید آوردن قوی‌ترین درام‌های تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران قرار گرفت. از این بلا روزگار پر از خاطره و حماسه، روایت‌های جانانه‌ای به جا مانده که بسیاری‌شان به فیلم و کتاب و پادکست تبدیل شده‌اند یا دستمایه خلق آثار هنری دیگر قرار گرفته‌اند. در پنجم مهرماه سال ۱۴۰۲ هستیم و ۴۲ سال از روزی که بالاخره حصر آبادان به اراده خدا و به دست سلحشوران ایرانی شکست، می‌گذرد. با این حال جالب است اگر ببینیم که غبار تاریخ بر چهره خاطره‌ای به این دوری ننشسته و هنوز درباره آن روزهای آبادان فیلم‌های زیادی تولید می‌شود. اگر به همین سال‌های اخیر توجه کنیم، در هر دوره از جشنواره فیلم فجر لااقل یکی دو فیلم درباره آبادان آن روزها حضور دارد که اغلب‌شان جزء آثار محبوب فستیوال هم هستند. درباره دلایل زنده ماندن چنین خاطراتی و اینکه آن حال و هوا هنوز برای سینماگران ایرانی و مخاطبان‌شان تازه است، می‌توان سیاهه‌های قطوری مکتوب کرد و باب بحث‌های ناتمامی را گشود اما نقدا بیاییم و به این نگاه کنیم که چقدر در سینمای ما آبادان سوژه محبوبی است. معمولا هر از چند گاهی درباره این بحث می‌شود که درخصوص فلان موضوع بسیار مهم هیچ فیلمی ساخته نشده و فهرست چنین موضوعات مهمی واقعا بلند است اما باید جالب باشد که موضوع آبادان، یک سالی که در حصر دشمن بود، باز هم توانسته مورد توجه همین سینما با همین بی‌توجهی‌های ناعادلانه قرار بگیرد. جالب است بدانیم لوکیشن خیلی از فیلم‌ها و سریال‌هایی که راجع‌به خرمشهر ساخته شده‌اند هم شهر آبادان بوده است و این حضورهای پرتعداد سینماگران حرفه‌ای در آبادان باعث شد سینماگران این شهر بتوانند تجربه‌هایی جدی کسب کنند و بسیاری از آنها حالا فیلمسازان مهم سینمای ایران هستند. به عبارتی آبادانی که از سال‌های بسیار دور علاقه‌مند به سینما بود و فیلمسازان متعددی را به کشور معرفی کرد پس از واقع شدن جنگ تحمیلی خودش به سوژه‌ای برای فیلم‌های سینمایی تبدیل شد و حتی در دهه ۹۰ و ابتدای دهه ۱۴۰۰ هم این حال و هوا همچنان جریان دارد. در ادامه چند فیلم که طی سال‌های اخیر با موضوع آبادان محصور در چنگال لشکر بعثی ساخته شده‌اند را مرور کرده‌ایم.

ملکه

«ملکه» فیلمی به کارگردانی محمدعلی باشه‌آهنگر و همچنین نویسندگی خود او و محمدرضا گوهری، محصول سال ۱۳۹۰ است. نام این فیلم از اشاره نمادین به زنبورهایی می‌آید که نیش می‌زنند با آنکه می‌دانند می‌میرند؛ چراکه خانه از جان برای‌شان باارزش‌تر است. داستان فیلم روایت دیده‌بانی به نام سیاوش با بازی میلاد کی‌مرام است که به دنبال فرصتی می‌گردد تا توانایی‌های خود را نشان دهد. او یک برج پالایشگاه آبادان را برای دیده‌بانی انتخاب می‌کند که بر حیاتی‌ترین مختصات و جایگاه‌های دشمن احاطه دارد. داشتن چنین دیدگاهی یک فرصت طلایی برای جبهه خودی به‌وجود می‌آورد، اما با اولین تلفاتی که از دشمن می‌گیرد و ورود شخصیت خیالی داستان با بازی مصطفی زمانی که جمشید نام دارد و قبلا در جایگاه سیاوش قرار داشت و حالا شهید شده، تردیدهای سیاوش آغاز می‌شود و به یکباره این قدرت مطلق به منظور کشتن انسان‌ها برای او ترسناک می‌شود. داستان این برج دیده‌بانی، یادآور معادل عراقی آن در فیلم «دیده‌بان» ابراهیم حاتمی‌کیاست، اما درباره ضد جنگ بودن مضمون فیلم باشه‌آهنگر حرف و حدیث‌های بیشتری به میان آمد.

آبادان یازده ۶۰

«آبادان یازده ۶۰» فیلمی به کارگردانی مهرداد خوشبخت و همچنین نویسندگی خود او و حسین تراب‌نژاد است که در بخش سودای سیمرغ سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر حضور داشت و برنده سیمرغ بلورین جایزه ویژه سردار قاسم سلیمانی شد. این فیلم از بیست‌وششم شهریور ۱۳۹۹ یعنی دوران اوج همه‌گیری کرونا به‌صورت آنلاین اکران شد. نام فیلم برگرفته از فرکانس ۱۱۶۰ رادیو آبادان در زمان دفاع مقدس است. مردم آبادان از طریق این فرکانس نسبت به اخبار و اطلاعیه‌های مربوط به جنگ اطلاع پیدا می‌کردند و با گوش دادن به آن دلگرم می‌شدند و این اطمینان برایشان حاصل می‌شد که شهر آبادان سقوط نکرده است. کارکرد این رادیو به‌عنوان تنها رسانه همه‌گیر در آن ناحیه بسیار موثر بود و عاملی جهت اطلاع‌رسانی و عدم سقوط شهر آبادان محسوب می‌شد. از ویژگی‌های فیلم، پرداخت و نمایش حضور فعالانه بانوان در جنگ است. دیگر ویژگی مهم فیلم که محور آن قرار گرفته، اهمیت و نقش رسانه در بحران‌هایی همچون جنگ است.

یدو

«یدو» فیلمی به کارگردانی مهدی جعفری و نویسندگی خود او و مهین عباس‌زاده براساس داستان «زخم شیر» از صمد طاهری، محصول سال ۱۳۹۹ است که برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم در جشنواره ۳۹ فیلم فجر شد. یدو، روایت سال‌های نخستین جنگ است. وقتی مردم شهرهای مختلف خوزستان، اسباب زندگی خود را جمع کرده و به شهرهای دیگر پناه می‌برند، مادر یدو با سه فرزند خود درحالی‌که همسرش را از دست داده و به‌تنهایی بچه‌ها را بزرگ می‌کند، حاضر نیست شهر را ترک کند. یدو نوجوان نقش اصلی داستان و پسر بزرگ خانواده است که حالا جای پدر را گرفته. زمانی که قرار است این خانواده برای ترک شهر سوار لنج شوند، مسئول انتقال مردم اجازه نمی‌دهد بزشان را سوار کنند، اما مادر حاضر نمی‌شود بدون بز از شهر برود. یدو مادر را راضی می‌کند، آنها سوار لنج می‌شوند و درحالی‌که هنوز خیلی از شهر فاصله نگرفته‌اند خودش به عرشه لنج می‌رود، در آب می‌پرد و به‌سمت شهر شنا می‌کند.

گل‌های باوارده

«گل‌های باوارده» که ابتدا نام آن پالایشگاه بود، فیلمی به کارگردانی و نویسندگی مهرداد خوشبخت محصول سال ۱۴۰۱ است. این فیلم در جشنواره ۴۱ فیلم فجر حضور داشت؛ هرچند نسخه نهایی آن برای نمایش آماده نشده بود، از روی همان نسخه ناقص هم نشان داد که فیلم سرپا و جذابی است. گل‌های باوارده در ساختار خودش از الگوی فیلم‌های پاتریوت هالیوودی پیروی می‌کند و در آن تلاش شده تصویری ملموس و دست‌یافتنی از قهرمانان به نمایش دربیاید. اینجا نیز یک ماجرای واقعی دستمایه خلق یک فیلم با ساختار کلاسیک شاه پیرنگ قرار گرفته است و داستانی با فراز و فرودهای متعادل در زمان استاندارد دو ساعت بدون آنکه از ریتم بیفتد، سرگرم می‌کند و جلو می‌رود. خود ایده فیلم ساختن از اتفاقات تاریخ معاصر و زندگی‌نامه‌های واقعی، رویه‌ای حسرت‌برانگیز در سینمای هالیوود بوده که در سال‌های اخیر تلاش شده در سینمای ما نیز با قدرت انجام شود.

روزی روزگاری آبادان

«روزی روزگاری آبادان» فیلمی به نویسندگی و کارگردانی حمیدرضا آذرنگ، محصول سال ۱۳۹۹ است که در جشنواره ۳۹ فیلم فجر نمایش داده شد. داستان این فیلم که بیشتر روایت آن در یک محیط بسته داخل منزل انجام می‌شود، درباره خانواده پنج‌نفره مردی به نام مصیب چرخیده، با بازی محسن تنابنده است که در آخرین روز سال مشغول خرید شب عید هستند، اما به‌دلیل حال بد مصیب که ناشی از گرفتاری‌اش به مواد مخدر است، کشمکشی میان آنها درمی‌گیرد. در اوج تلاش خیری با بازی فاطمه معتمدآریا برای به آرامش رساندن خانواده، به ناگاه اتفاقی غیرمنتظره همه را غافلگیر می‌کند. حمیدرضا آذرنگ نام شناخته‌شده‌ای برای اهالی سینمای ایران و بیش از آن برای تئاتری‌هاست، اما این نخستین تجربه کارگردانی او در سینما محسوب می‌شد. روزی روزگاری آبادان از معدود فیلم‌های ضد جنگ سینمای ایران است که می‌توان به آن لقب شریف را داد؛ چراکه به‌رغم خارج بودنش از دایره آثار آرمان‌گرا و دفاع مقدسی، مقصر جنگ را متجاوزان نشان می‌دهد و قربانیان را شریک وقوع فاجعه نمی‌شمارد.

ادامه از صفحه ۱۲

چهارشنبه ۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

۱۳۵۸

«قانون اداره واحدهای آموزشی غیردولتی به‌صورت دولتی»

تصویب‌شده توسط شورای انقلاب

در این قانون آموزش‌وپرورش مکلف شد تا اداره همه مدارس غیردولتی را به عهده بگیرد. اما براساس یکی از تبصره‌های این قانون برخی مدارس غیردولتی خاص استثنا به شمار رفتند و اجازه فعالیت داشتند.

۱۳۶۷

«قانون تاسیس مدارس غیرانتفاعی»

تصویب‌شده توسط دومین دوره مجلس شورای اسلامی

برای اولین بار بعد از انقلاب با این قانون اجازه تاسیس مدارس غیرانتفاعی در کشور داده شد. به موجب این قانون تسهیلات زیادی برای این مدارس در نظر گرفته شد؛ از جمله اینکه بانک‌ها موظف شدند ۵۰ درصد نیازهای مالی موسسان مدارس غیرانتفاعی که فرهنگی یا از مستخدمان دیگر دستگاه‌های دولتی باشند جهت تهیه فضای آموزشی و تامین تجهیزات و امکانات به‌صورت وام قرض‌الحسنه تامین کنند.

۱۳۶۷

«آیین‌نامه اجرایی مدارس غیرانتفاعی»

تصویب‌شده توسط هیات وزیران دولت چهارم

در این آیین‌نامه تاکید شده است که منظور از غیرانتفاعی بودن آن است که درآمد حاصله صرفا صرف هزینه‌های جاری و توسعه آتی مدارس شود. بعد از این مصوبه به‌صورت رسمی مدارس غیرانتفاعی-البته با شرط مهمی که در این آیین‌نامه ذکر شده بود- در کشور شروع به فعالیت کردند.

۱۳۷۰

«آیین‌نامه واگذاری زمین به موسسان مدارس غیر انتفاعی»

تصویب‌شده توسط هیات وزیران دولت پنجم

با تصویب این آیین‌نامه که با استناد به یکی از مواد قانون مصوب سال ۶۷ انجام شد، یکی از بزرگ‌ترین گام‌ها در راستای حمایت از گسترس مدارس غیردولتی برداشته شد و با در نظر گرفتن تسهیلات فراوان و هزینه‌های کم، زمین‌های زیادی به این مدارس اعطا شدند.

۱۳۸۷

«قانون تاسیس و اداره مدارس، مراکز آموزشی و مراکز پرورشی غیردولتی»

تصویب‌شده توسط هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی

این قانون در واقع اصلاحیه‌ای مفصل برای قانون مصوب سال ۶۷ به حساب می‌آید. یکی از تغییرات بسیار مهم این قانون تغییر عنوان «غیرانتفاعی» به «غیردولتی» است. با این تغییر عملا اجازه کسب انتفاع مالی به موسسان و اداره‌کنندگان مدارس غیردولتی داده شد. همچنین برای مدارس غیردولتی تسهیلات زیاد دیگری نیز در نظر گرفته شد؛ از جمله برخورداری از تخفیفات و معافیت‌های مالیاتی، تشکیل صندوق حمایت از توسعه مدارس غیردولتی.

۱۳۹۵

«قانون تاسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی»

تصویب‌شده توسط دهمین دوره مجلس شورای اسلامی

با تصویب این قانون گرچه تمامی قوانین قبل از آن ملغی شدند اما نه‌تنها تسهیلات گسترده قبلی برای این مدارس به قوت خود باقی ماندند، بلکه تسهیلات جدیدی نیز برای این مدارس در نظر گرفته شد.

۱۴۰۱

«سند انتظار دولت از آموزش‌وپرورش و اولویت‌های تحولی»

ابلاغ‌شده توسط رئیس دولت سیزدهم

در یکی از مهم‌ترین و عجیب‌ترین بندهای این سند وزارت آموزش‌وپرورش موظف شده بود تا ابتدای سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳، مدارس هیات‌امنایی را به میزان حداقل ۲۵ درصد کل مدارس شهری، روستایی و عشایری گسترش دهد. اقدامی که گرچه درمان بسیار موقتی و کوتاه‌مدتی بر مشکلات مالی وزارتخانه خواهد بود اما به اذعان بسیاری از کارشناسان زمینه‌ساز افزایش ناعدالتی‌های آموزشی در کشور خواهد بود.

پرونده «فرهیختگان»: قوانین مصوب دولت‌های بعد از جنگ چه نسبتی با ایده تقویت مدارس دولتی داشتند؟

داستان فراموشی مدارس دولتی

ابوالقاسم رحمانی - علی فلاحی
گروه پرونده

چند وقتی هست پیگیر گفت‌وگو با برخی چهره‌های تصمیم‌گیر و اثرگذار در حوزه آموزش‌وپرورش هستیم و سعی می‌کنیم تا هم جریان پرداخت به عدالت آموزشی حفظ شود و هم اینکه عمیق‌تر از قبل به آن بپردازیم. منتها شأن اوقات و اهمیت از دست نرفتن روزهای آغازین سال تحصیلی ایجاب می‌کرد جایی گام اول را برداریم و پرداخت جزئی‌تر در محوری که این بار و در این پرونده مدنظرمان بود یعنی قانون‌گذاری در حوزه آموزش و هواداری قانونی از مدارس غیردولتی را به کمی بعدتر موکول کنیم. از همین جهت امروز و در این شماره از «فرهیختگان»، ضمن یک روایت مختصر از وضعیت موجود نظام آموزش‌وپرورش کشور، پای صحبت چند نفر از چهره‌های تصمیم‌گیر و صاحب‌نظر در این حوزه نشستیم و چند خطی از روایت آنها، در نفی و تایید مدارس غیردولتی و حمایت سیستم از آنها نوشتیم. روایت‌هایی که در آنها سعی شد تا مختصر و مفید سیر ایجاد، تثبیت و توسعه مدارس غیرانتفاعی که بعدتر غیردولتی نامگذاری شدند گفته و از برخی حمایت‌های قانونی ساده اما اثرگذار از آنها بنویسیم. نوشتنی که نه‌تنها هیچ‌وقت تکراری نمی‌شود و مطالبه‌ای که نه‌تنها هیچ‌وقت گرد کهنگی به آن نمی‌نشیند که اتفاقا هر روز بیش از روز قبل زوایای جدیدی از آن نمایان و عمق جدیدی به شکاف ایجادشده به‌خاطر آن در نظام آموزشی افزوده می‌شود. آن قدر به روز و همیشگی که همین الان با یک جست‌وجوی ساده در سایت‌ها و خبرگزاری‌ها یا یک گذر کوتاه در فضای مجازی و رسانه‌ها می‌توان ابعاد نویافته‌ای از آن را یافت و روی آن تامل کرد. خب اگر مخاطب روزنامه «فرهیختگان» بوده باشید یا دغدغه‌مند حوزه آموزش‌وپرورش و مساله عدالت آموزشی، می‌دانید که مطالبه ما در این حوزه و در «فرهیختگان» به سال ۹۷ و گزارشی که از جریان‌شناسی مدارس پولی پایتخت منتشر کردیم، بازمی‌گردد. گزارشی که در آن پرده از شهریه‌های گزاف و انتزاعی این مدارس و انتساب‌شان به شخصیت‌های سیاسی و شناخته شده، برداشتیم و مقدمه‌ای شد برای مطالبات آتی و رسید تا همین چند هفته پیش و موضع‌گیری وزیر فعلی آموزش‌وپرورش در حمایت از مدارس پولی که مشخص شد که در همچنان بر همان پاشنه سابق خودش می‌چرخد، با این تفاوت که دیگر خیلی گذشته‌ها نیست که کسی از انتفاع مدارس غیردولتی اطلاع نداشته باشد و بی‌خبر از نقش تعیین‌کننده آنها در آینده دانش‌آموزان باشد. برای بهتر فهمیدن اینکه دقیقا از چه چیزی حرف می‌زنیم و لابه‌لای ماده تبصره‌ها و انبوه آیین‌نامه‌ها و مصوبات دنبال چه چیزی می‌گردیم هم لازم نیست فسفر زیادی بسوزانیم. کافی است به چند مورد قانونی خاص و بعدتر و سر حوصله به تعداد قابل توجهی از آیین‌نامه‌های اجرایی و مصوبات هیات وزیران و امثالهم رجوع کنید و ببینید چطور بعد از تلاش ستودنی دولت شهید رجایی، لیبرال‌ها به جان نظام آموزشی کشور افتادند و از هر تریبون و منفذی برای درآمدزایی و تحمیل بار آموزش به جیب خانواده‌ها و کوتاه کردن دست دولت از این مسیر تلاش کردند. مسیری که از دولت مرحوم هاشمی‌رفسنجانی آغاز شد و تا همین حالا هم ادامه دارد. از اینها بگذریم و به روایت‌های پیش‌رو برسیم. به قول معروف چیزهای خوبی برای خواندن ردیف کرده‌ایم.

اگر دهه ۷۰ رشد غیردولتی‌ها به‌خاطر رشد عرضه بود الان بیشتر به‌خاطر رشد تقاضاست. پس در این شرایط وقتی تقاضا بالاست تعجب می‌کنم که چرا امکانات مدارس دولتی رشد نمی‌کنند

برای شروع این پرونده سراغ یکی از پژوهشگران و تصمیم‌سازان حوزه آموزش و پرورش و از موافقان ایجاد و توسعه مدارس غیردولتی رفتیم و او اینگونه گفت‌وگویش را آغاز کرد: «فلسفه به‌وجود آمدن مدارس خصوصی برمی‌گردد به عصر روشنگری در غرب. در آن زمان سوال مهمی که مطرح بود این بود که آموزش‌وپرورش حق است یا تکلیف! جواب این بود که حق است، اما مساله بعدی این بود که این حق کیست! اینکه یک نفر چگونه و با چه سیستمی تربیت شود باید توسط چه کسی تعیین می‌شد؟ دولت‌ها، دانش‌آموزان یا اولیا. در آن زمان حق به اولیا داده شد، نه دانش‌آموزان یا دولت‌ها. اما چون اولیا وقت کافی نداشتند آموزش را به یک عده آدم واگذار کردند و این شد شروع کار مدارس خصوصی، اما به‌خاطر همین در آغاز همه مدارس خصوصی ایدئولوژیک بودند. حتی تا زمانی اصلا مدرسه داشتن مساوی مکتب داشتن بود، یعنی هر گروهی که یک مکتب فکری داشت برای خودش مدرسه می‌زد. هرکسی که صاحب سبکی بود مدرسه تاسیس می‌کرد. هیچ‌کس به‌خاطر پول و درآمدزایی مدرسه تاسیس نمی‌کرد! مثلا یکی می‌گفت هرکسی می‌خواهد بچه‌اش را یک مسیحی کاتولیک معتقد تربیت کند بیاورد نزد من، دیگری می‌گفت هرکسی می‌خواهد بچه‌اش را شیعه اثنی‌عشری تربیت کند بیاورد نزد من، مکتب فکری مساله بود نه پول. اما چه شد که همه این نظم به‌هم ریخت؟ مساله از آنجا شروع شد که مکتب لیبرالیسم به مساله آموزش به چشم یک عنوان هزینه‌بر نگاه کرد و گفت که باید تا جایی که می‌شود هزینه‌های آن را به خانواده‌ها واگذار کرد. البته مساله بدی نیست که به این فکر شود که بخشی از هزینه‌ها را به خانواده‌ها واگذار کنیم و این اتفاق در همه جای دنیا رخ می‌دهد. بیشترین واگذاری در کره است با ۴۸ درصد تا کشورهای مثل اسکاندیناوی که صفر درصد هستند. اما هر دو کیفیت و عدالت آموزشی بسیار بالایی دارند. پس روش را نمی‌توان خیلی مقوله ارزشمندی تلقی کرد. نکته بسیار مهمی که وجود دارد این است که شما هر کاری انجام دهید، بالا برید پایین بیاید باز هم وضعیت مالی خانواده‌ها بر کیفیت و موفقیت آموزشی بچه‌ها اثر بسیار مستقیمی دارد. یعنی بچه‌های بخش متمول جامعه در هر صورت به آموزش با کیفیت می‌رسند، مساله اینجاست که چطور می‌توان آموزش باکیفیتی برای ۸۰، ۹۰ درصد باقی‌مانده جامعه تامین کرد. در ایران هم بعد از جنگ ما در همه مسائل به‌سمت اقتصاد باز حرکت کردیم و آموزش هم استثنا نبود. برخی هم با همین استدلال انتقال هزینه‌ها به خانواده‌ها به‌سمت خصوصی‌سازی مدارس در کشور رفتند. دوره خوش‌به‌حالی مدارس غیردولتی دوره آقای نجفی بود. وام کم‌بهره می‌دادند، قبلا از دولتی‌ها می‌توانستند معلم بگیرند، تقریبا الان دیگر این‌طور نیست. تا پنج شش سال پیش حدودا ۱۰ درصد دانش‌آموزان غیردولتی بودند. اما الان به حدود ۱۳، ۱۴ درصد رسیده است. سوال اینجاست که در این مدت کم که تسهیلات ویژه‌ای هم غیردولتی‌ها نداشتند چه شد که دوباره آنقدر رشد کردند؟ جواب این سوال به تحلیل نسل زد و نسل آلفا و هرم سنی ایران برمی‌گردد. ما الان با سیل جمعیت دانش‌آموزان ابتدایی مواجه هستیم که فرزندان دهه شصتی‌ها هستند. این خانواده‌ها اکثرا هسته‌ای‌اند و یک فرزند دارند و حاضرند برای آموزش این فرزند هر میزان هزینه‌ای که لازم است انجام دهند. به همین دلیل تقاضا برای آموزش زیاد شده است. اگر این جنس را مدارس دولتی تامین کنند اینها می‌خرند، اما اگر تامین نشود به سراغ مدارس غیردولتی می‌روند. چه قبول کنیم چه نکنیم هنوز تحصیلات یکی از اصلی‌ترین راه‌های تامین منزلت اجتماعی آدم‌هاست. پس این تمایل زیاد خانواده‌ها به خرج کردن برای آموزش فرزندان خود بسیار طبیعی است. اگر دهه ۷۰ رشد غیردولتی‌ها به‌خاطر رشد عرضه بود، الان بیشتر به‌خاطر رشد تقاضاست. پس در این شرایط وقتی تقاضا بالاست تعجب می‌کنم که چرا امکانات مدارس دولتی رشد نمی‌کنند. بعد از جنگ جهانی دوم کلا برنامه‌های ملی مد شد، کشور کمونیستی و غیرکمونیستی هم نداشتیم. همه این شکلی بودند. اما کم‌کم کشورهای لیبرالیستی به show بودن این برنامه‌ها پی بردند و آموزش را به‌سمت مدرسه‌محوری بردند و اختیارات را به سطح مدیران مدارس دادند. برخلاف ایران که مدیران مدارس مطلقا هیچ‌گونه اختیاری ندارند و همه‌چیز آیین‌نامه‌ای و ابلاغ از بالاست. اما درعوض آموزش خصوصی و سایه به‌شدت رشد کرده‌اند. برای اینکه مدارس دولتی بتوانند رشد کنند باید این آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های دست‌وپاگیر را حذف کنیم. خب گفتیم روش‌ها آنچنان ارزشمند نیستند. برای افزایش کیفیت آموزش می‌شود از پول مردم مستقیم استفاده کرد، می‌شود مالیات گرفت و با بودجه دولتی کیفیت را افزایش داد. هر دو در دنیا اجرا شده و موفق هم بوده‌اند. دانش‌آموزان کشور ما ۱۶ میلیون نفرند. نزدیک ۱۳۵ هزار مدرسه هم داریم. حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار معلم هم داریم. ترکیه ۱۸ میلیون دانش‌آموز دارد با ۷۵ هزار مدرسه و ۸۳۰ هزار معلم. این ناکارآمدی مدارس

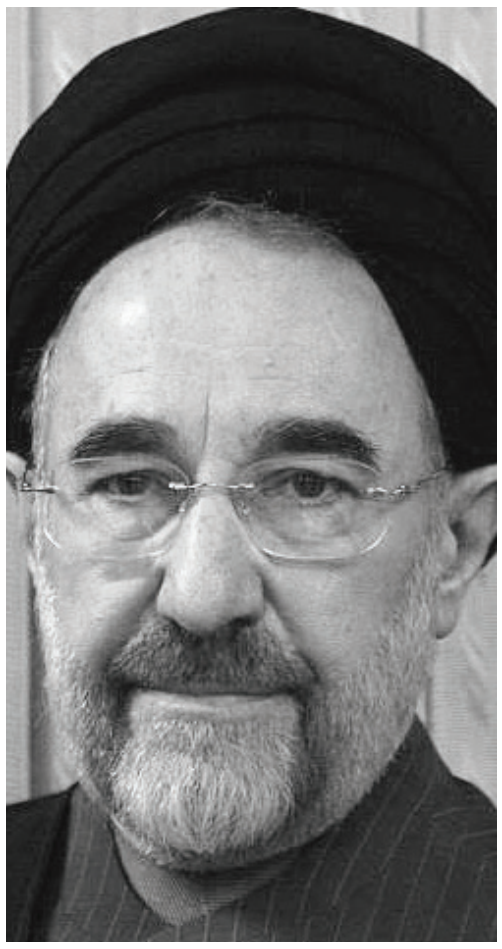

در ایران هم بعد از جنگ ما در همه مسائل به‌سمت اقتصاد باز حرکت کردیم و آموزش هم استثنا نبود. دوره خوش‌به‌حالی مدارس غیردولتی دوره آقای نجفی بود. وام کم‌بهره می‌دادند، قبلا از دولتی‌ها می‌توانستند معلم بگیرند، تقریبا الان دیگر این‌طور نیست. تا پنج شش سال پیش حدودا ۱۰ درصد دانش‌آموزان غیردولتی بودند. اما الان به حدود ۱۳، ۱۴ درصد رسیده است. ما الان با سیل جمعیت دانش‌آموزان ابتدایی مواجه هستیم که فرزندان دهه شصتی‌ها هستند. این خانواده‌ها اکثرا هسته‌ای‌اند و یک فرزند دارند و حاضرند برای آموزش این فرزند هر میزان هزینه‌ای که لازم است انجام دهند. به همین دلیل تقاضا برای آموزش زیاد شده است. اگر این جنس را مدارس دولتی تامین کنند اینها می‌خرند، اما اگر تامین نشود به سراغ مدارس غیردولتی می‌روند. چه قبول کنیم چه نکنیم هنوز تحصیلات یکی از اصلی‌ترین راه‌های تامین منزلت اجتماعی آدم‌هاست. پس این تمایل زیاد خانواده‌ها به خرج کردن برای آموزش فرزندان خود بسیار طبیعی است. اگر دهه ۷۰ رشد غیردولتی‌ها به‌خاطر رشد عرضه بود، الان بیشتر به‌خاطر رشد تقاضاست. پس در این شرایط وقتی تقاضا بالاست تعجب می‌کنم که چرا امکانات مدارس دولتی رشد نمی‌کنند

وقتی بررسی می‌کنید معدودی از مدارس قبل از انقلاب با رویکردهای خاص، مدارس خصوصی بودند و بعد از انقلاب زمان شهید رجایی همه مدارس دولتی شدند و متاسفانه چهار مدرسه استثنا شد که کاش این‌طور نمی‌شد اما فارغ از این چند مورد به نظر من سرآغاز فاجعه در دولت سازندگی اتفاق افتاد.

فاجعه از آن زمان شروع شد که به اسم برداشتن بار از روی دوش دولت- درحالی‌که وظیفه دولت بود- به اسم مشارکت مردم و به هر اسم دیگری که در نظر بگیرید که همگی کاملا فریبنده بودند؛ قسمتی از طبقه برخوردار جامعه که از قضا دستی بر قدرت و حاکمیت داشتند، کم‌کم فرزندان خود را جدا کردند و به همنوعان بچه‌های خود نیز اجازه دادند در آن مدارس حضور پیدا کنند و راه‌شان را به بهانه اینکه امکانات دولت بیشتر شود و کیفیت مدارس دولتی افزایش یابد، از بقیه جدا کنند و در ادامه مسیر به جایی رسیده‌ایم که امسال در سال ۱۴۰۲ نه‌تنها نسبت به آن زمان کیفیت مدارس دولتی بهتر نشده، بلکه نسبت به هر زمان دیگری فاصله‌مان با عدالت آموزشی و برخورداری طبقات مختلف جامعه از کیفیت آموزش بیشتر شده است

ادامه در صفحه ۱۵

چهارشنبه ۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

ما از کجا آمده؟ ۵۰ درصد مدرسه‌های ما کلا زیر ۵۰ نفر هستند! مدارس کوچک ۵ نفره ۱۰ نفره زیاد داریم. پس ما معلم اضافه داریم، گرچه بعضی جاها کمبود داریم، اما مساله توزیع نامناسب اینها است. ما در استان سیستان‌وبلوچستان کلی مدرسه خیرساز داریم که تعطیلند، نتوانستیم خیران را مدیریت کنیم و به آنها اعلام نیاز متناسب دهیم. مثلا به جای اینکه چهارتا مدرسه کوچک در چهارتا روستای نزدیک به‌هم داشته باشیم، یک مدرسه خوب و متمرکز در یکی از این روستاها تاسیس می‌کردیم بعد با یک اتوبوس برای جابه‌جایی جمعیت سه روستای دیگر همه را به مدرسه می‌فرستادیم. علی‌رغم تمام انتقادها، اتفاقا الان وضع مدارس غیردولتی خیلی سخت شده است، ۵۰، ۶۰ درصد هزینه‌های این مدارس خرج اجاره مکان و فضا می‌شود. میانگین پرداختی این مدارس در کل کشور سال گذشته حدود ۳٫۵ میلیون تومان بوده! به چهار مدرسه خاص در شمال تهران و مراکز استان‌ها نگاه نکنیم و فقط آنها را ملاک قرار ندهیم. با این اوصاف پس اینها را نباید خیلی محدود و اذیت کرد، باید دست مدارس غیردولتی را باز کرد. ضمنا در دنیا بیشترین مقاطع خصوصی متوسطه و دانشگاه است، هیچ کجای دنیا دبستان‌ها را خصوصی نمی‌کنند، چون اصل تربیت و انتقال فرهنگ در این مقطع اتفاق می‌افتد و تا جای ممکن نباید خصوصی شوند. مساله آموزش‌وپرورش هم بودجه نیست، چون ناکارآمد است مثل آب‌کش هرچقدر پول در آن بریزی هدر می‌رود، مساله باید از افزایش بهره‌وری مدارس و وزارتخانه شروع شود.

بعد از انقلاب دولت خود را متولی آموزش‌وپرورش رایگان و دسترسی همه دانش‌آموزان به این نوع آموزش‌وپرورش می‌دانست

در ادامه سراغ علی زرافشان که سابقه مشاورت آموزشی وزیر آموزش و پرورش در دولت خاتمی و همچنین معاونت متوسطه وزارت آموزش و پرورش در دولت روحانی را در کارنامه دارد رفتیم. او در ابتدا به سابقه شکل‌گیری مدارس غیردولتی در ایران اشاره کرد: «سابقه شکل‌گیری مدارس غیردولتی یا غیرانتفاعی که با اسامی مختلف مطرح می‌شود به زمان شکل‌گیری آموزش‌وپرورش نوین در ایران بازمی‌گردد. توسعه آموزش‌وپرورش جدید در ایران توسط این نوع مدارس خصوصی انجام شده است. از دوره پهلوی اول که توجهی به آموزش‌وپرورش عمومی صورت گرفت و دولت خود را متولی و مسئول تامین تعلیم و تربیت برای آحاد کشور قلمداد کرد، روند افزایش و گسترش مدارس دولتی با توجه به امکانات و بودجه و منابعی که تخصیص داده می‌شد، شتاب پیدا کرد و به‌تدریج درصد دانش‌آموزانی که در مدارس خصوصی تحصیل می‌کردند نسبت به دانش‌آموزانی که در مدارس دولتی مشغول به تحصیل شدند کاهش یافت. بعدا این رویکرد افزایش بیشتری پیدا کرد. بعد از انقلاب دولت خود را متولی آموزش‌وپرورش رایگان و دسترسی همه دانش‌آموزان به این نوع آموزش‌وپرورش می‌دانست. در قانون اساسی ما نیز دولت موظف است آموزش‌وپرورش رایگان را برای همه دانش‌آموزان فراهم کند. به همین جهت بعد از انقلاب- در زمان ریاست‌جمهوری شهید رجایی- اقدامی برای حذف مدارس خصوصی در آموزش‌وپرورش ایران براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام گرفت و بر این اساس همه مدارس ملی، دولتی شدند. با آن مصوبه همه مدارس غیردولتی یا ملی (به تعبیر آن زمان) یا خصوصی منحل شدند به غیر از ۴ مدرسه که مدارس اسلامی قبل از انقلاب بودند. ممنوعیت وضع شده توسط این مصوبه تا سال ۶۷ برقرار بود. از حوالی سال ۶۷ و بعضا در سال‌های ابتدایی ریاست‌جمهوری مرحوم آقای هاشمی، یک جریانی در کشور راه افتاد که استدلال‌شان این بود که عده‌ای از اولیا هستند که تمکن مالی کافی دارند و می‌خواهند برای فرزندان خود بیشتر هزینه کنند و باید قانون این اجازه را به آنها بدهد که این اتفاق بیفتد. مرحوم هاشمی نیز در خطبه‌های نمازجمعه خود به این مساله اشاره کرده بود. لذا همان ایام با پیگیری‌هایی که توسط این جریان انجام شد در دوران وزارت اکرمی در مجلس قانون مدارس غیرانتفاعی به تصویب رسید.»

وی در ادامه با تشریح تفاوت الفاظ غیردولتی و غیرانتفاعی به تبدیل شدن برخی از این مدارس به بنگاه‌های اقتصادی پرداخت: «لفظ غیرانتفاعی به این جهت انتخاب شد که این مدارس تبدیل به بنگاه‌های تجاری نشوند و فعالیت‌هایی که می‌خواهند انجام دهند بدون چشمداشت سود و بهره‌برداری اقتصادی باشد، منتها در عمل آنچه اتفاق افتاد این بود که خیلی از این مدارس عملا دو حساب داشتند که یک حساب برای ارائه به دولت بود و حساب دیگر برای درآمدهای خود آنها بود. به این جهت در سال ۱۳۸۷ عنوان این قانون با یک اصلاحی از غیرانتفاعی به غیردولتی تغییر کرد و با این تغییر عملا اجازه قانونی کسب انتفاع و سود اقتصادی به این مدارس داده شد. استدلال موافقان این تغییر این بود که کسی که در کشاورزی سرمایه‌گذاری می‌کند از بانک وام با سود ۴ درصد می‌گیرد و از درآمد آن می‌تواند بهره ببرد درحالی‌که کسی که مدرسه تاسیس می‌کند از وام ۴ درصد استفاده نمی‌کند و همچنین سودی هم نمی‌تواند کسب کند درحالی‌که او انسان تربیت می‌کند و کشاورز دام پرورش می‌دهد! لذا این قانون با این تغییر این مجوز را به مدارس داد که بتوانند شهریه دریافت کنند. همین مساله باعث شد تا مدارس به دنبال درآمدزایی هرچه بیشتر باشند و طبیعتا منجر به گسترش چشمگیر این مدارس بعد از این تغییرات شد.»

او در ادامه انتقاداتی را به سند انتظارات دولت از وزارت آموزش‌وپرورش مطرح کرد و اظهار داشت: «این سند می‌تواند بیش از پیش به بحران عدالت آموزشی در کشور دامن بزند: اشکال مبنایی سند انتظارات این است که دولت‌ها تعهد دارند سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش را اجرا کنند. الان با دو سه سند بالادستی مواجه هستیم. یکی سند تحول آموزش‌وپرورش است، یکی سند توسعه پایدار است که در اجلاس سازمان ملل، دستور کار تحقق اهداف توسعه پایدار است، یکی هم سند انتظارات دولت است. این سند اگر بیانگر انتظارات دولت است باید حداقل بگوید من باید از سند تحول آموزش‌وپرورش آن اهداف و راهکارهایی که در ۴ سال می‌شود به آنها دست یافت را بیرون بیاورم و سندی که به‌عنوان نقشه راه تهیه شده و برش برنامه‌ای بدان زده شده را بگوید که من تعهد می‌کنم این برش ۴ ساله که مربوط به دولت من است را اجرا کنم. در این سند هم کاملا مشهود است که این دولت هم مثل دولت‌های دیگر در تامین منابع مالی اداره مطلوب مدارس دچار مشکل است و به همین جهت این سند انتظارات را مطرح کرده است. یکی از شاخص‌های آن که انتقادات زیادی به آن وارد شد این بود که آنجا پیش‌بینی کردند ۲۵ درصد مدیریت مدارس را به مردم و نهادهای بیرون از آموزش‌وپرورش واگذار کنند. اینها به این معناست که این دولت به دنبال این است بخشی از بار مالی اداره مدرسه را از دوش خود بردارد و به گردن دیگران بیندازد تا قدری دولت بتواند به مدارس دولتی و عادی رسیدگی کند اما این نوع برخوردها بیشتر موجب تضعیف مدارس دولتی می‌شود چون همه عصاره مدارس دولتی را از آنها بیرون می‌کشیم و در انتها چه چیزی برای این مدارس باقی می‌ماند؟ در مدارس استعدادهای درخشان، نمونه مردمی و شاهد، دانش‌آموزان بااستعداد بالاتر را می‌گیرند و بچه‌های دیگر را در مدرسه عادی دولتی ثبت‌نام کنند که هیچ‌کسی به آنها توجه نمی‌کند لذا این رویکردی که به‌عنوان مردمی‌سازی از آن یاد می‌شود به این بحران بیشتر دامن می‌زند. این نوع نگاه که در همه دولت‌ها بوده نشان می‌دهد دولت در تامین منابع مالی و منابع انسانی یعنی تامین معلم برای مدارس دچار مشکل است. حتی در تامین منابع فیزیکی هم همین‌طور است. خیرین نباشند دولت چگونه می‌خواهد فضای آموزشی لازم را برای دانش‌آموزان فراهم کند؟ یعنی در تامین منابع مالی، منابع فیزیکی و منابع انسانی دولت دچار مشکل است. به همین جهت در سند انتظارات اینها را به نحوی می‌خواهد برطرف کند و راهکار آن واگذاری ۲۵ درصد مدارس به مردم و نهادهای بیرون از آموزش‌وپرورش است. درحالی‌که این واگذاری‌ها شاید در کوتاه‌مدت مقداری به آموزش‌وپرورش کمک کند و بار مالی این وزارتخانه را کاهش دهد اما در بلندمدت به بحران عدالت و کیفیت در آموزش‌وپرورش بیشتر دامن خواهد زد.»

فاجعه از آن زمان شروع شد که به اسم برداشتن بار از روی دوش دولت قسمتی از طبقه برخوردار جامعه که از قضا دستی بر قدرت و حاکمیت داشتند کم‌کم فرزندان خود را جدا کردند

با رضوان حکیم‌زاده از چهره‌های اثرگذار و تصمیم‌گیر در حوزه آموزش و پرورش که سابقه معاونت در وزارت آموزش و پرورش را هم در کارنامه دارد به گفت‌وگو پرداختیم. وی در ابتدا به روند تبدیل شدن آموزش همگانی به یک وظیفه برای دولت‌ها پرداخت و با اشاره به چرایی و فلسفه این اتفاق گفت: «اگر مدرسه را به‌عنوان یک نهاد آموزشی، فرهنگی و تربیتی درنظر بگیریم که با کارکرد مشخصی ایجاد شده است، باید ابتدا از نظر تاریخی به عقب برگردیم و به بحث آموزش و حق آموزش بپردازیم. آیا امکان برخورداری از آموزش و دسترسی به آن همیشه عمومی بوده است یا خیر؟ از چه زمانی عمومی شده و علت این عمومی شدن چه بوده است؟ از منظر تاریخی تا قبل از دوران جدید نه‌تنها در ایران، بلکه در همه کشورهای دنیا آموزش در گستره خدمات عمومی نبود و مجالی نبود که همه افراد و اقشار از آن بهره‌مند شوند و البته متولی‌ای هم به نام دولت نداشت. به‌هرحال درطول تاریخ آموزش دادن و آموزش دیدن وجود داشته اما به‌ندرت می‌بینید که سیستم حکومتی متولی آموزش باشد. البته ما در گذشته مفهومی به نام دولت به معنی مدرن امروزی آن نداشتیم، به‌هرحال همان حکومت‌هایی که وجود داشتند خیلی کم مشاهده می‌شود که اقدام به آموزش دادن مردم کرده باشند و آموزش توسط افراد صورت می‌گرفته است. البته موارد پراکنده‌ای هم وجود داشته که حکومت‌ها به این حیطه وارد شده باشند، در هر صورت همین موارد به‌عنوان یک خدمت عمومی که در اختیار همه مردم قرار بگیرند، نبوده‌اند و دریافت این خدمت توسط افراد انتخاب می‌شد. طبیعتا بخش قابل‌توجهی از مردم هم به‌سوی آن نمی‌رفتند و درنتیجه بی‌سوادی پدیده رایجی بوده و باسواد بودن به‌تنهایی عاملی برای تمایز بین افراد بوده است. تا می‌رسیم به دوران جدید؛ مشخصا اگر بخواهیم درباره تاریخ کشور خودمان صحبت کنیم، تا زمانی مکتب‌خانه‌ها شیوه رایج ارائه آموزش بودند که اتفاقا نوعی از آموزش خصوصی به حساب می‌آمدند و این والدین بودند که انتخاب می‌کردند فرزندان‌شان به مکتب بروند یا نروند. این شرایط تا سال ۱۳۲۲ برقرار بود که قانون تعلیمات عمومی اجباری و مجانی به تصویب رسید. به‌تدریج هم در کشور ما و هم در خیلی از کشورهای دنیا دولت‌ها به‌عنوان یک وظیفه متولی شدند که آموزش را در اختیار همه قرار بدهند و همه افراد جامعه صرف‌نظر از پایگاه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود بتوانند به آموزش دسترسی داشته باشند و مساله آموزش به یک وظیفه مهم دولت‌های مدرن و یک حق عمومی تبدیل شد. سوال اینجاست که چرا این اتفاق رخ داد؟ اصلا مگر همه افراد به آموزش نیاز دارند؟ «حق» به شمار رفتن آموزش و عمومی انگاشتن آن به یکی از کارکردهای خاص و مهم آموزش برمی‌گردد؛ آموزش یک بستر و ابزار مهم برای «تحرک اجتماعی» و همان مفهومی است که از آن به‌عنوان Social Mobility یاد می‌شود. در نظام طبقاتی‌ای که به‌صورت ارباب- رعیتی در انواع گوناگون در جوامع مختلف وجود داشته، شاخصه این بوده که افراد ثروتمند دقیقا به دلیل همین برخورداری امکان آموزش دیدن داشتند و طبیعتا با همین آموزش می‌توانستند موقعیت و طبقه اجتماعی خود را حفظ کنند و افراد فرودست جامعه علی‌رغم داشتن استعداد به‌دلیل عدم برخورداری و تمکن مالی نمی‌توانستند از آموزش بهره‌مند شوند و فرصت تغییر طبقه اجتماعی خود را به‌دست نمی‌آوردند. برای اینکه این نظام به‌هم بریزد و افراد فرصت داشته باشند که صرف‌نظر از پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی خود در جامعه نقش‌آفرینی کنند، آموزش به‌عنوان یک حق برای همه مردم به‌رسمیت شناخته می‌شود. مساله‌ای که در اعلامیه جهانی حقوق بشر به آن اشاره شده، پس مجموعا مدرسه درکنار همه کارکردهای دیگری که دارد به‌دلیل فراهم آوردن امکان تحرک اجتماعی در هر جامعه‌ای یک ظرفیت ویژه است؛ وقتی گفته می‌شود نابرابری در برخورداری از فرصت‌های آموزشی اشکالات و آسیب‌های متعددی ایجاد می‌کند، منظور این است که این کارکرد اساسی مدرسه و آموزش عمومی مختل می‌شود.»

وی در ادامه با کافی ندانستن صرف دسترسی به آموزش رایگان گفت: «اگر قرار باشد آموزش‌وپرورش به‌عنوان یک وظیفه بر دوش دولت‌ها باشد و به‌عنوان حق شهروندان و حق همه کودکان در نظر گرفته شود، بحث فقط ثبت‌نام نیست. بحث برخورداری از آموزش باکیفیت است و از اینجاست که وقتی ما دنبال ایجاد چنین شرایطی باشیم لاجرم تمام و کمال باید دولت‌ها این وظیفه را به نحو احسن درقبال تمام شهروندان انجام دهند. اگر کوتاهی کنند و این امکان فراهم شود که بخشی از جامعه به‌واسطه برخورداری‌ها برای خود آموزش بهتری ایجاد و دولت به‌طور طبیعی از بخش دیگر جامعه غفلت کند که عموم شهروندان هستند و جزء اقشار کمتربرخوردارند، به‌طور اساسی یکی از کارکردهای اصلی آموزش که ایجاد برابری در فرصت‌های زندگی کردن، بهتر زیستن و تحرک اجتماعی است از دست می‌رود. از این جهت من فکر می‌کنم این بیراهه‌ای بود که کاش هیچ‌گاه نمی‌رفتیم. وقتی بررسی می‌کنید معدودی از مدارس قبل از انقلاب با رویکردهای خاص، مدارس خصوصی بودند و بعد از انقلاب زمان شهید رجایی همه مدارس دولتی شدند و متاسفانه چهار مدرسه استثنا شد که کاش این‌طور نمی‌شد اما فارغ از این چند مورد به نظر من سرآغاز فاجعه در دولت سازندگی اتفاق افتاد.»

حکیم‌زاده با تشریح رویکردهای دولت سازندگی به توضیح نقطه آغاز رشد و گسترش مدارس غیردولتی پرداخت: «آن زمان رویکردهای اقتصاد سرمایه‌داری و مقدم دانستن بحث‌های شکلی توسعه یعنی ساخت‌وساز و اولویت دادن به این مباحث قبل از پرداختن به فرهنگ در جامعه ما رواج پیدا کرد و به جای اینکه در مهم‌ترین زیرساخت جامعه که آموزش است سرمایه‌گذاری کنیم، سرمایه‌گذاری صرف سرمایه‌های فیزیکی جامعه شد که بعدها عوارض این کار شتابزده در معضلات زیست‌محیطی خود را نمودار کرد. به نظر من فاجعه از آن زمان شروع شد که به اسم برداشتن بار از روی دوش دولت- درحالی‌که وظیفه دولت بود- به اسم مشارکت مردم و به هر اسم دیگری که در نظر بگیرید که همگی کاملا فریبنده بودند؛ قسمتی از طبقه برخوردار جامعه که از قضا دستی بر قدرت و حاکمیت داشتند، کم‌کم فرزندان خود را جدا کردند و به همنوعان بچه‌های خود نیز اجازه دادند در آن مدارس حضور پیدا کنند و راه‌شان را به بهانه اینکه امکانات دولت بیشتر شود و کیفیت مدارس دولتی افزایش یابد، از بقیه جدا کنند و در ادامه مسیر به جایی رسیده‌ایم که امسال در سال ۱۴۰۲ نه‌تنها نسبت به آن زمان کیفیت مدارس دولتی بهتر نشده، بلکه نسبت به هر زمان دیگری فاصله‌مان با عدالت آموزشی و برخورداری طبقات مختلف جامعه از کیفیت آموزش بیشتر شده است. از نظر من وقتی یک حرکت غلط شروع می‌شود، بخش خصوصی دیگر شکل گرفته و این تابع مقررات خاص خود است و هر زمانی احساس کند در این زمینه می‌تواند سود بیشتری داشته باشد بازار او فربه‌تر می‌شود و هر زمان ببیند سود کمتری دارد طبیعتا سرمایه خود را در جای دیگری مصرف می‌کند. این خاصیت بخش خصوصی است و نمی‌توان آن را متهم کرد و گفت چرا گسترش پیدا کرده یا نکرده است.»

وی در ادامه مسیر خصوصی‌سازی آموزش در کشور را خلاف روح قانون اساسی توصیف کرد و گفت: «به نظر من مسیر غلط بود و همه کسانی که در تصویب این قانون مشارکت داشتند و آن را تایید کردند مقصر هستند. درحالی‌که وقتی سخن از قانون اساسی به میان می‌آید باید به روح آن توجه کرد. قانون اساسی می‌گوید آموزش‌وپرورش باید یک فرصت همگانی و در تمامی سطوح باشد و همه افراد حق برخورداری از آموزش را داشته باشند. آموزش‌وپرورش یک نیاز اساسی و همگانی است و این نیاز اساسی باید از مزایای آموزش‌وپرورش برای محروم‌ترین اعضای جامعه در جهت ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت باشد، آموزش‌وپرورش یک حق رایگان همگانی است. اینها گزاره‌های واضحی هستند، بنابراین مشخص است وقتی به آرمان‌های انقلاب نگاه می‌کنید، وقتی به روح قانون اساسی و به گزاره‌های درون‌متنی توجه می‌کنید، شوراهایی که باید هدف آن تطبیق باشد که این مصوبات با قانون اساسی مغایرت دارند یا ندارند، چه از جهت شکلی و چه از جهت محتوایی باید در بررسی این موضوعات دقت بیشتری می‌داشتند.»

حکیم‌زاده در ادامه با توجه به تجربه اجرایی خود در وزارت آموزش‌وپرورش به برخی دیگر از اقدامات غلط در راستای رشد مدارس غیردولتی اشاره کرد و گفت: «سیاستگذاری‌ها و سازوکارهایی که اتخاذ شده در جهت گسترش و تسهیل شرایط برای مدارس غیردولتی به این بحران دامن زده است؛ مثلا قوانینی تصویب شده که شما بتوانید از نیروهای بخش دولتی به مدارس غیردولتی بدهید. چه منطقی برای این کار وجود دارد؟ حقوق را از وزارتخانه می‌گیرند و در مدرسه غیرانتفاعی مشغول می‌شوند. قسمت دیگر بحث ساختمان‌های مدارس و اجاره دادن آنهاست، حتی بحث مجوز تاسیس مدارس است. وقتی اجازه می‌دهید افرادی که دست‌اندرکار هستند، مدیر مدرسه هستند، کارمند اداره هستند یا مدیر و معاون منطقه یا مدیرکل استان هستند الی آخر، مدرسه تاسیس کنند، طبیعتا قوانینی از این دست کاملا در جهت تامین منافع یک گروه خاصی تصویب می‌شود. اینها به موضوع دامن می‌زند و زمینه را برای گسترش هرچه بیشتر این مدارس فراهم می‌کند.»

وی در ادامه به نقد سند انتظارات دولت سیزدهم از آموزش‌وپرورش پرداخت و آنچه را از آن به‌عنوان «مردمی‌سازی» آموزش‌وپرورش یاد می‌شود، ادامه همان مسیر قبلی با شتاب بیشتر توصیف کرد و گفت: «الان در دوره دولت سیزدهم به سر می‌بریم، دولتی که کار خود را با شعار عدالت و رفع تبعیض‌ها آغاز کرده و تحت‌عنوان مردمی‌سازی آموزش‌وپرورش همان راه را با شتاب بیشتری می‌رود. مردمی‌سازی همان تجربه شکست‌خورده مدارس پته‌ای در آمریکاست و در اصل برای اجرای ایده میلتون فریدمن بوده که دیدگاه‌های نئولیبرال او مشهور است و تجربه بسیار ناموفق خود را در شیلی هم اجرا کرده و به‌عنوان سیاست اصلی دولت در دستورکار قرار گرفته است. متاسفانه گروه‌های سیاسی در کشور ما علی‌رغم اختلاف‌نظرهایی که در همه زمینه‌ها دارند، در زمینه غفلت از اهمیت آموزش به‌عنوان حق همگانی و به‌عنوان بستری برای تحرک اجتماعی همه اقشار و در ایجاد مدارس خاص برای برخورداری از وابستگان خودشان یکدیگر هم‌جهت و همسو هستند.»

حکیم‌زاده ایده مردمی‌سازی را تقلید از نظام آموزشی آمریکا می‌داند که در مقایسه با بسیاری از کشورهای دنیا نظام آموزشی ضعیف و ناعادلانه‌ای دارد. او در این رابطه افزود: «مردمی‌سازی عنوان جدیدی برای خصوصی‌سازی یا خصوصی‌سازی پنهان است. ایده آن کاملا مشخص است که از کجا آمده و کجا اجرا شده است. این بحثی که در آموزش‌وپرورش کشور ماست، نمونه‌اش فقط در آمریکا وجود دارد. هم از نظر تنوع مدارس و هم از نظر جداسازی و غربالگری براساس هوش که من منتقد جدی‌اش هستم. مساله‌ای که در آمریکا نمونه آن را سراغ داریم و در نظام‌های آموزشی پیشرو اجرا نمی‌شود. جالب است که آمریکا در زمینه نظام آموزش عمومی خیلی نظام عقب‌مانده‌ای است و حرفی برای گفتن ندارد و براساس داده‌های مرکز مطالعات بهینه‌کاوی که در آمریکا برای مطالعات تطبیقی تاسیس شده، می‌توان با اعداد و ارقام نشان داد که آمریکا چقدر از کشورهای دیگر عقب‌تر است. تنها نظامی که افراد براساس برخورداری‌ها می‌توانند مدارسی با کیفیت بهتر یا بدتر را انتخاب کنند نظام آمریکاست که از جهت آموزشی حرفی برای گفتن ندارد. در همه آزمون‌های بین‌المللی آمریکا خیلی عقب‌تر است، در مهارت خواندن، نوشتن و ریاضیات عقب هستند و این اعترافی است که خود آنها می‌کنند. این هم جای تاسف است که چرا باید ما وقتی الگوبرداری می‌کنیم از ناموفق‌ترین نظام آموزشی الگوبرداری کنیم؟ خیلی از کشورهای اسکاندیناوی که کشورهای موفقی هستند جهت‌گیری‌شان به‌شدت گسترش کیفیت مدارس دولتی و عدم جداسازی است، نه براساس هوش و نه براساس چیز دیگری. عنوانی تحت‌عنوان تیزهوش در خیلی از این کشورها به‌رسمیت شناخته نمی‌شود. البته بچه‌هایی که توانمند هستند ممکن است برنامه‌های اضافی توسط معلم داشته باشند ولی اینکه آنها را جدا کنند و مدرسه‌ای برایشان اختصاص دهند، نیست. ژاپن هم این‌طور است ولی متاسفانه ما از نظام سلطه و نظام سرمایه‌داری که مثال بارز آن آمریکاست، در سیستم آموزشی به‌شدت الگوبرداری می‌کنیم و آخرین مورد همین سند انتظار است.»

بعد از انقلاب- در زمان ریاست‌جمهوری شهید رجایی- اقدامی برای حذف مدارس خصوصی در آموزش‌وپرورش ایران براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام گرفت و بر این اساس همه مدارس ملی، دولتی شدند. با آن مصوبه همه مدارس غیردولتی یا ملی (به تعبیر آن زمان) یا خصوصی منحل شدند به غیر از ۴ مدرسه که مدارس اسلامی قبل از انقلاب بودند. ممنوعیت وضع شده توسط این مصوبه تا سال ۶۷ برقرار بود. از حوالی سال ۶۷ و بعضا در سال‌های ابتدایی ریاست‌جمهوری مرحوم آقای هاشمی، یک جریانی در کشور راه افتاد که استدلال‌شان این بود که عده‌ای از اولیا هستند که تمکن مالی کافی دارند و می‌خواهند برای فرزندان خود بیشتر هزینه کنند و باید قانون این اجازه را به آنها بدهد که این اتفاق بیفتد. مرحوم هاشمی نیز در خطبه‌های نمازجمعه خود به این مساله اشاره کرده بود. لذا همان ایام با پیگیری‌هایی که توسط این جریان انجام شد در دوران وزارت اکرمی در مجلس قانون مدارس غیرانتفاعی به تصویب رسید

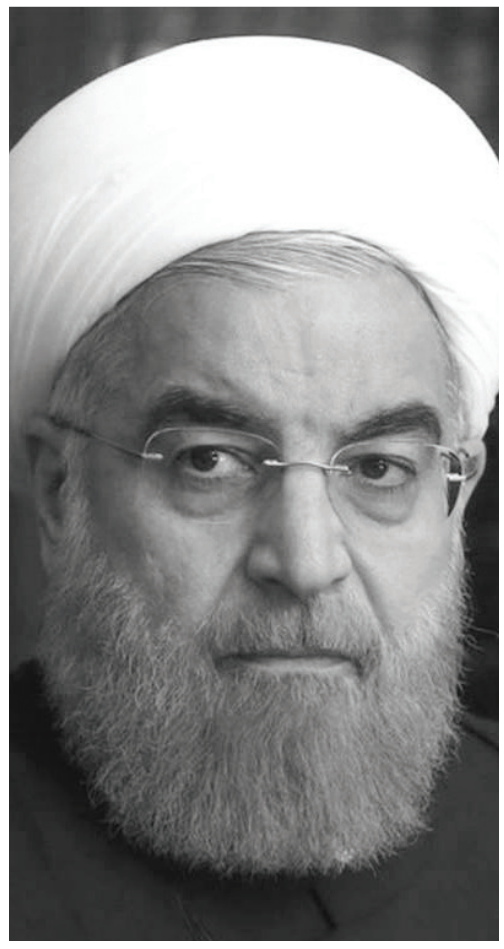

ادامه از صفحه ۱۴

کاهش انتظارات تورمی سپرده‌گذاری در بانک را جذاب کرده است؟

افزایش ۱۰۰۰ همتی سپرده‌های بانکی در ۶ ماه

میثم اکبری
خبرنگار

بهمن سال گذشته بود که بانک مرکزی از افزایش نرخ سود سپرده و تسهیلات شبکه بانکی خبر داد که نتیجه اعلام رسمی آن افزایش ۶ درصدی (معادل ۳۹۶ هزار میلیارد تومان) حجم سپرده‌های موجود در شبکه بانکی طی اسفندماه ۱۴۰۱ بود. این موضوع از آنجا مورد توجه است که تلاطمات اقتصادی سال گذشته که منجر به ورود نقدینگی به بازارهای مختلف اعم از ارز، خودرو و مسکن شد شوک شدیدی را به این بازارها بیش از ظرفیت وجودی آنان وارد ساخت که اثر آن بر تمام طبقات اقتصادی ملموس شد. اما باید توجه داشت که اگرچه سیاست افزایش نرخ سود سپرده منجر به ورود منابع به شبکه بانکی شده اما وجود عملیات مولد و ارزش آفرین در استفاده از سپرده‌های جذب شده توسط شبکه بانکی مساله‌ای است که باید به آن توجه زیادی داشت؛ چراکه در خلأ به‌کارگیری درست این منابع، بانک‌ها جهت پرداخت سود سپرده ناچار به اضافه برداشت از بانک مرکزی هستند. درکنار این موضوع که سود پرداختی به این سپرده‌ها خود شاخه‌ای از افزایش نقدینگی بوده بدون آنکه این رشد نقدینگی حاصل از رشد اقتصادی باشد.

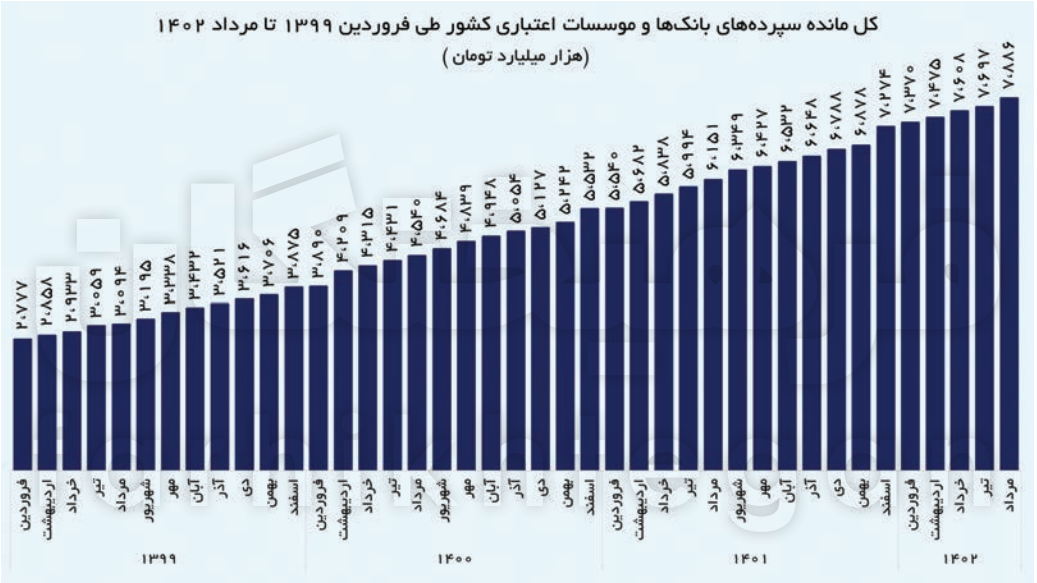

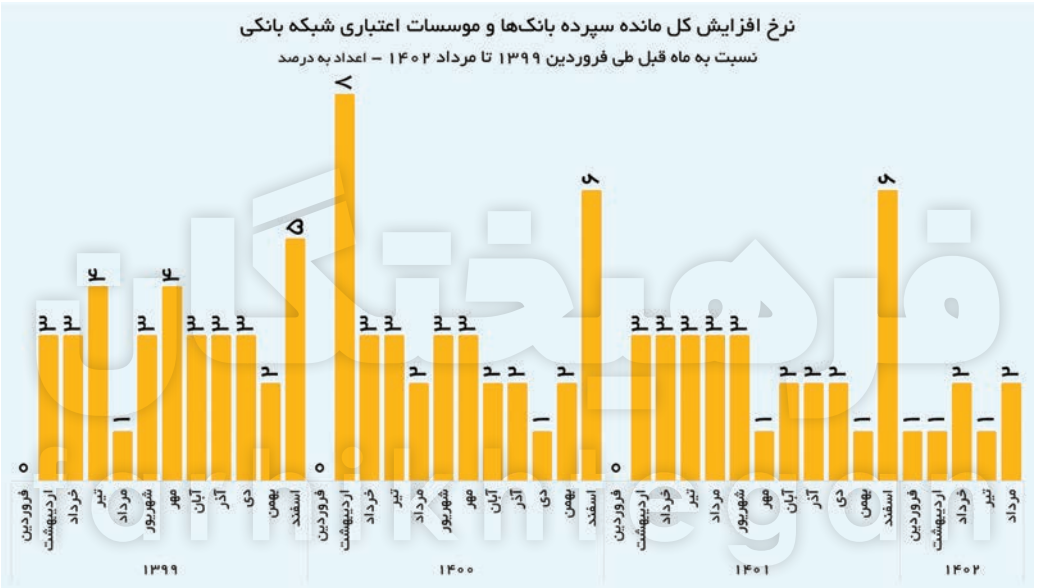

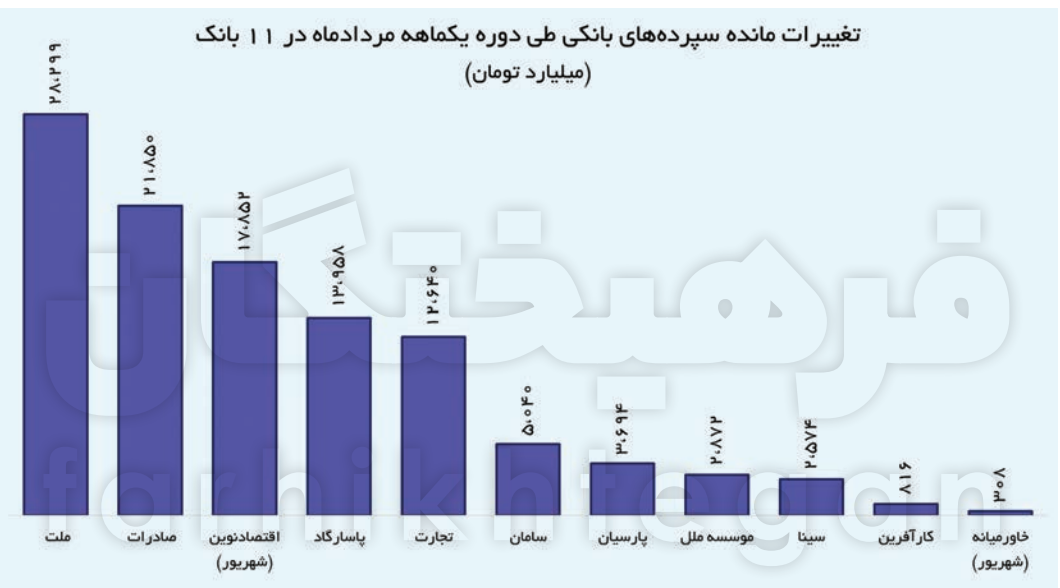

استفاده از ابزار نرخ سود برای رونق اقتصاد

تعیین و تغییر نرخ سود تسهیلات و سپرده‌های اعطایی توسط شبکه بانکی یکی از ابزارهایی است که با توجه به وضعیت اقتصادی کشور می‌تواند به بانک مرکزی در کنترل تصمیمات و حرکت فعالان بازارهای مختلف اقتصادی کمک کند. چنانکه تحریک یا جلوگیری از واکنش بیش از حد در میان فعالان اقتصادی از مواردی است که علاوه‌بر نگه داشتن حد ایمن از ورود و خروج منابع با توجه به ظرفیت نظام اقتصادی، در جلوگیری از ایجاد تنش‌های رو به بالای قیمتی نیز کمک می‌کند. البته واضح است این ابزار به خودی خود نمی‌تواند تمام انتظارات از بانک مرکزی به معنای خاص و نهادهای ناظر اقتصادی به معنای عام را برآورده کند، بلکه همان‌گونه که به آن اشاره شد تنها یک «ابزار» در درون نقشه سیاست‌های پولی مالی کشور در ابعاد داخلی و بین‌المللی است که استفاده از آن در زمان معین و به میزان مناسب در حد خود می‌تواند عملکرد درستی داشته باشد. در ایران اما طی سالیان گذشته شاهد بودیم که بانک مرکزی در بخشنامه‌های زیادی به بانک‌ها، اخطار عدم اعطای سود بیش از حد قانونی را داده بود؛ چراکه بانک‌ها و خصوصا تعدادی که مبتلا به مشکلات ساختاری هستند در رقابت با سایر بانک‌ها برای جذب سپرده بیشتر وعده اعطای سود بیشتر را به مشتریان خود می‌دادند و برای پرداخت سود وعده‌داده‌شده، به اضافه برداشت از بانک مرکزی دست می‌زدند. واضح است تداوم چنین اقدامات مخرب و ناسالمی برای جذب سپرده بیشتر و بدون توجه به پیامدهای آن، ضمن افزایش بهای تمام‌شده پول در شبکه بانکی کشور، موجبات تضییع حقوق سایر ذی‌نفعان و همچنین تهدید ثبات سلامت و استحکام مالی موسسات اعتباری را فراهم می‌کند.

پرداخت سود سپرده در همان ابتدای دوره به سپرده‌گذار، واریز مابه‌التفاوت سود بالاتر از نرخ‌های مصوب شورای پول و اعتبار در تاریخ‌های متفاوت به حساب‌های سپرده دیگر اعم از حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت یا به حساب‌های سپرده قرض‌الحسنه سپرده‌گذار علاوه‌بر سود معمول پرداختی، واریز سود به حساب‌های سپرده قرض‌الحسنه سپرده‌گذار با مانده به‌ظاهر صفر که امکان رؤیت گردش واقعی حساب سپرده مذکور صرفا با اخذ مجوز از دفتر مرکزی بانک یا موسسه اعتباری غیربانکی امکان‌پذیر است، افتتاح حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت با عناوین طرح‌های مختلف که عملا دارای ماهیت کوتاه‌مدت بوده و واریز و برداشت وجوه در آنها امکان‌پذیر است یا افتتاح حساب سپرده با شماره مشتری‌های متفاوت برای یک شخص حقیقی یا حقوقی از راه‌هایی است که بانک‌ها برای پرداخت سودهای غیرمتعارف (خارج از مقررات) به مشتریان استفاده می‌کنند. نتیجه این روند چنان شد که ناظر شبکه بانکی در اوایل بهمن‌ماه با تایید این موضوع خبر از اجرایی شدن آن داد تا سود سپرده‌ها حداکثر ۲۲٫۵ درصد و نرخ سود تسهیلات ۲۳ درصد تعیین شود.

رشد سپرده‌های شبکه بانکی بعد از افزایش نرخ سود

بررسی داده‌های آماری از وضعیت کل مانده سپرده‌ها و تسهیلات ریالی و ارزی بانک‌ها و موسسات اعتباری از فروردین ۱۳۹۹ تا مرداد ۱۴۰۲ نشان‌دهنده این است که حجم سپرده موجود در شبکه بانکی از دوهزار و ۷۷۷ هزار میلیارد تومان در فروردین ۱۳۹۹ به هفت‌هزار و ۸۸۶ هزار میلیارد تومان در مرداد ۱۴۰۲ می‌رسد. البته این افزایش حجم سپرده به معنای آن نیست که این میزان به‌صورت مطلق افزایشی بوده یا آنکه حجم پول موجود در اقتصاد ثابت و در مقابل حجم سپرده شبکه بانکی افزایش یافته؛ چراکه حجم نقدینگی با سرعت خود درحال افزایش است (فارغ از علل افزایش یا سهم گروه‌های تشکیل‌دهنده) اما درخصوص تکانه‌های اقتصادی و مواردی از این دست که مجال بررسی داده‌ها را به علت تاثیرپذیری از نرخ سپرده می‌دهند می‌توان تمایل ورود مبالغ سرگردان به شبکه بانکی را که دارندگان آن اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی هستند، مورد بررسی قرار داد.

ورود ۱۰۰۰ همت پول به بانک‌ها پس از افزایش سود

فارغ از ارقام سپرده که به دلایلی نظیر حجم بالا، مقدار رشد نسبت به داده‌های پیشین را نشان نمی‌دهد اما بررسی نرخ رشد سپرده می‌تواند میزان تمایل مبالغ به بانک‌ها را نشان دهد. در این خصوص بررسی نرخ رشد در گروه سپرده‌های موجود در شبکه بانکی نشان‌دهنده این است که این عدد در ۴۰ ماه مورد بررسی به‌طور میانگین حدود ۲٫۷ درصد بوده که اردیبهشت ۱۴۰۰ با ۸ درصد نرخ رشد سپرده نسبت به فروردین همان سال بالاترین نرخ رشد را به خود اختصاص داده (حجم سپرده از سه‌هزار و ۸۹۰ هزار میلیارد به چهارهزار و ۲۰۹ هزار میلیارد تومان رسید) و پس از آن اسفند ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ هریک با ۶ درصد نرخ رشد نسبت به ماه‌های پیش از خود در رتبه‌های بعدی قرار دارند. (در بهمن ۱۴۰۰ حجم سپرده پنج‌هزار و ۲۴۲ هزار میلیارد بود که در اسفند به پنج‌هزار و ۵۳۲ هزار میلیارد تومان رسید و این حجم در اسفند ۱۴۰۱ با گذر از حجم شش‌هزار و ۸۷۸ هزار میلیارد تومان در بهمن به هفت‌هزار و ۲۷۴ هزار میلیارد تومان افزایش یافت.) مقداری که هرچند طی ماه‌های بعدی تخلیه شد و رشد سپرده با نرخ کمتری را به ثبت رساند اما بازهم نشان از واکنش بازارها و فعالان اقتصادی به آن دارد و نرخ‌های بعدی روی نرخ رشد اسفند ۱۴۰۱ افزایش یافتند. طبق این آمارها، طی ماه‌های اسفند ۱۴۰۱ تا مردادماه ۱۴۰۲ درمجموع ۱۰۰۸ هزار میلیارد تومان به حجم سپرده‌های بانکی کشور افزوده شده که حدود ۴۰۰ همت آن فقط در اسفندماه افزایش یافته است. اما در بخش بانک‌ها نیز بررسی گزارش ماهانه نشان می‌دهد ۱۱ بانکی که اطلاعات ماهانه خود را در کدال منتشر کرده‌اند، در مردادماه حدود ۱۱۰ هزار میلیارد تومان سپرده جدید جذب کرده‌اند. بانک ملت با ۲۸٫۳ همت، صادرات با نزدیک به ۲۲ همت، اقتصادنوین با ۱۷٫۸ همت، پاسارگاد با ۱۴ همت و تجارت با ۱۲٫۶ همت در صدر این بانک‌ها با بیشترین جذب سپرده قرار داشته‌اند.

توجه به کیفیت در کنار کمیت رشد نقدینگی

اما در هیاهوی اظهارنظرهای مختلف درخصوص افزایش یا کاهش نرخ بهره و ابزارهای موفقیت آن، یکی از نکاتی که باید بدان توجه داشت که اتفاقا قسمت مهم و کمتر مورد مناقشه ما جرا بوده که بخش نخست آن رشد نقدینگی از محل سود سپرده و توجه به کیفیت رشد نقدینگی است. در این زمینه عباس دادجوی توکلی با توجه به اجرای سیاست کنترل ترازنامه توسط بانک مرکزی معتقد است: «نرخ رشد نقدینگی به شدت کاهش یافته و سیاست کنترل ترازنامه توانست بالاخره افسار این نقدینگی را بکشد. اما به نظرم وقتی «نیمی» از رشد نقدینگی از محل سود سپرده‌هاست، یعنی رشد نقدینگی از محل سایر مصادیق یعنی «وام»، «سرمایه‌گذاری»، «دریافتنی» و... فقط حدود ۱۴ درصد است.» وی با اشاره به نیازمندان به منابع مالی در اقتصاد که عموما به سوی درخواست تسهیلات از شبکه بانکی سوق داده می‌شوند دسته‌بندی هفت‌گانه‌ای ارائه می‌کند: «۱- خانوار برای مصارف، ۲- بنگاه‌های تولیدی برای سرمایه در گردش، ۳- دولت برای پوشش مخارج خود، ۴- بنگاه‌های تولیدی و خانوارها برای مبادلات در بازارهای دارایی مثلا خرید خودرو، مسکن و... به جهت مصرف واقعی، ۵- بنگاه‌های تولیدی و خانوارها برای مبادلات در بازارهای دارایی مثلا خرید خودرو، مسکن و... به جهت سفته‌بازی، ۶- اشخاص مرتبط با بانک‌ها و خود بانک‌ها برای مبادلات در بازارهای دارایی به جهت سفته‌بازی و ۷- اشخاص مرتبط با بانک‌ها و خود بانک‌ها برای احیانا فعالیت‌های تولیدی، گروه‌هایی هستند که براساس نیاز خود در اقتصاد به منابع مالی و به زبان ساده به پول نیاز دارند.» وی پس از اشاره به این دسته‌بندی و محل نیاز مصارف به سیاست کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها که توسط بانک مرکزی اجرا می‌شود اشاره دارد و گوشزد می‌کند: «باید توجه داشت سیاست کنترل «مقداری» هم اکنون قرار است رشد نقدینگی را کنترل کند که بسیار خوب است اما کدام یک از این هفت دسته را قرار است تامین مالی کند و کدام یک را از گرفتن وام محروم؟ این همان بخشی است که مغفول بوده: یعنی توجه به «کیفیت نقدینگی» در کنار «کمیت» آن. قاعدتا تمام تلاش سیاست کنترل مقداری، باید محدود کردن دسته پنج و شش و منضبط کردن دسته سه باشد و در این مسیر باید صرفا به CPI متمرکز نشد و از PPI و بازار دارایی‌ها هم استفاده کرد.»

جذب سپرده به قیمت فعالیت مولد ارزش دارد

همچنین در کنار توجه به رشد نقدینگی در ابعاد کمیت و کیفیت رشد آن، جنبه مهم‌تری از موضوع به ذات عملیات کار روی این منابع جهت مولدسازی سپرده‌ها و ارزش افزوده حقیقی ایجادشده به عاملیت بانک‌هاست تا هم هزینه بانک‌ها و هم سود علی‌الحساب پرداختی به سپرده‌گذاران را پوشش دهد. در این خصوص بیایید فرض کنیم تمام منابع آزاد در اقتصاد یا حد قابل جذب با توجه به ظرفیت شبکه بانکی به‌صورت سپرده در بانک‌ها جذب شده و هم سیاستگذار از ساکن شدن نقدینگی سرگردان خوشحال است و آن را به منزله کاهش انتظارات تورمی تعبیر می‌کند و هم شبکه بانکی نسبت به موفقیت و رقابت در جذب منابع میان بانک‌ها و سایر بازارهای مالی رضایت دارد. اما فردای آن روز چه؟ روزی که بانک‌ها باید سود علی‌الحساب سپرده‌گذاران را پرداخت کنند آن مبالغ را از چه محلی می‌پردازند؟ واقعیت این است تا زمانی که بانک‌ها عملیات مولد اقتصادی نداشته باشند یا مسیر اعطای تسهیلات به تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات واقعی منتهی نشود مسیر جذب سپرده مسیر مسدودی است. به عبارت دیگر تسهیلات پرداختی بانک‌ها اگر صرف امور تولیدی و آفریننده ارزش افزوده باشد بانک نه‌تنها توانایی پرداخت سود سپرده را دارد بلکه به رشد تولید حقیقی در کنار رشد نقدینگی نیز کمک می‌کند و می‌دانیم رشد پابه‌پا یا حداقل نزدیک به هم میان این دو کمیت برای اقتصاد مفید است، از سویی دیگر بسیاری از افرادی که سپرده‌های خود را در بانک‌ها به امانت می‌گذارند از آنجا که خود توانایی یا فرصت فعالیت اقتصادی را ندارند انتظار فعالیت مفید و تولیدی را از بانک دارند و درصورتی‌که بانک فعالیت سوداگرانه داشته یا تسهیلات اعطایی در محل‌های غیرضروری یا غیرسوددهی وارد شود منجر به حبس منابع مالی سپرده‌گذاران شده و بانک مذکور ناچار به اضافه برداشت از بانک مرکزی می‌شود.

جاذبه و دافعه استان‌ها برای سپرده و تسهیلات

همچنین نگاهی به آمار سپرده و تسهیلات موجود در شبکه بانکی براساس سهم استان نشان‌دهنده آن است که تا پایان مرداد ۱۴۰۲ بیشترین میزان سپرده در میان استان‌های کشور به استان تهران تعلق داشته که با مانده چهار هزار و ۲۹۱ هزار میلیارد تومانی در رتبه اول قرار داشته و کمترین میزان نیز به استان کهگیلویه‌وبویراحمد با ۲۳ هزار میلیارد تومان رسیده است. این میزان در گروه تسهیلات نیز به این شکل است که بیشترین تسهیلات اعطایی مربوط به استان تهران با سه هزار و ۶۲۲ هزار میلیارد تومان و کمترین میزان مجددا در کهگیلویه‌وبویراحمد با ۲۴ هزار میلیارد تومان اعطا شده است. البته باید توجه داشت این اختلاف به دلیل قرار داشتن دفاتر بسیاری از صنایع و کارخانجات در تهران و سایر استان‌هایی که پس از آن در رتبه‌های بعدی قرار دارند بوده اما می‌توان از نقطه نظر سیاستگذاری صنعتی و آمایش سرزمینی نیز به این موضوع نقد داشت که به دلیل تمرکزگرایی به‌یادگارمانده از دهه‌ها قبل، استان‌هایی که حتی دارای ظرفیت هستند به علت دوری جغرافیایی از مرکز سهم پرورش استعداد و ظرفیت اندکی دارند. البته این نکته یکی از جنبه‌های قابل توجیه است اما قسمتی از تمرکز سپرده و تسهیلات به تهران و سایر استان‌های نزدیک به مرکزیت سیاسی به حضور دفاتر اصلی شرکت‌هایی در تهران برمی‌گردد که محل اصلی آن شرکت در استان‌های دیگر قرار دارد و نیاز است تا با فراهم آوردن زمینه‌های مختلفی از مشوق تا سایر ابزارهای ایجابی، حضور ستاد و دفتر اصلی شرکت‌ها در سایت اصلی نیز مورد توجه قرار گیرد. موضوعی که برای مثال در گفت‌وگوی «فرهیختگان» با مدیرعامل اسبق شستا، وی به این موضوع به‌عنوان یکی از راهبردهای افزایش بهره‌وری این هلدینگ چندرشته‌ای اشاره و با ذکر مثالی به تشریح این موضوع پرداخت: «در زیرمجموعه شستا شرکتی وجود داشت که دفتر مرکزی آن در بهترین نقاط شمال شهر تهران ۱۰۰ میلیارد تومان ارزش داشت، درحالی‌که سود همین شرکت سالانه حدود پنج تا ۱۰ میلیارد تومان بود، در همین‌راستا یکی از اقداماتی که انجام دادیم، انتقال دفاتر مرکزی شرکت‌ها بود و دفتر مرکزی ۲۷ شرکت از تهران به محل کارخانه انتقال یافتند. اقدام دیگر، ادغام دفاتر برخی شرکت‌ها و ادغام دفاتر شرکت‌هایی که در زنجیره ارزش هم بودند نیز در دستورکار قرار گرفت و نهایی شد. در بخش مولدسازی دارایی‌ها مهم‌ترین اقدام ما این بود که اقدام به شناسایی اموال مازاد کردیم و املاک مازاد همه شرکت‌ها مشخص و همه اموال آماده مزایده شدند و به شرکت‌ها اعلام کردیم هر شرکتی دارایی مازاد را مولد کند، آن دارایی صرف افزایش سرمایه همان شرکت خواهد شد، ضمن آنکه مدیرعامل اختیار دارد مبالغ مذکور را صرف پروژه‌های توسعه‌ای کند.» از این رو اولا موضوع حضور دفاتر مرکزی و تشکیلات اصلی شرکت‌هایی که سایت‌های خارج از پایتخت دارند نه‌تنها نشدنی نیست، بلکه با داشتن راهبرد مشخص و اصولی (نظیر اقدام شستا در تزریق منابع مالی حاصل از فروش و واگذاری دفاتر تهران و املاک مازاد به طرح‌های توسعه‌ای خود شرکت به جای وام گرفتن) می‌تواند به افزایش بهره‌وری مجموعه‌های اقتصادی و حتی غیراقتصادی خصوصا در بخش دولتی و نیمه‌دولتی کمک کند؛ چراکه با تحرک و پیشگامی بخش دولتی در این موضوع علاوه‌بر تشویق سایر مجموعه‌های خصوصی به ایجاد زیرساخت‌های مشابه که در تهران حضور دارند در سایر مناطق کشور نیز کمک می‌شود.

چهارشنبه ۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
سردبیر:
مسعود فروغی
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم